



برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره چهاردهم / اسفند ماه ۱۳۸۹ / شماره ۱ پی در پی ۱۱۵

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

به جای یادداشت سردبیر ۲: آموزش مجازی، استفاده‌ی مجازی! / دکتر لیلا سلیقه‌دار
یک نکته ۴: برای بهار / اصغر ندیری
با آموزگاران بزرگ ۶: طیب زبان (گفت‌وگو با عبدالرحمان صفاریور) / منیره حبیب‌پور
پژوهش‌های دانش‌آموزی و آموزگاران ۸: راه و رسم تفکر / دکتر لیلا سلیقه‌دار
لبخندهای کلاسی ۱۱: آموزش رنگ‌ها / مجید درخشانی
آموزش ۱۲: بیدیا در کلاس درس (بخش ششم) / مرتضی مجدفر
یک نکته ۱۵: رشوه / فرح بانوقائی
تجربه‌های مشترک ۱۶: آقای مربع، خانم دایره / ترجمه‌ی سمیه‌سادات میرمعینی

مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: مرتضی مجدفر
شورای برنامه‌ریزی:
شکوه تقدیسبان
فاطمه رضانی
لیلا سلیقه‌دار
یدالله رهبری‌نژاد
ابراهیم اصلانی
مدیر داخلی: اصغر ندیری
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: فریبا بندی
نشانی دفتر مجله:

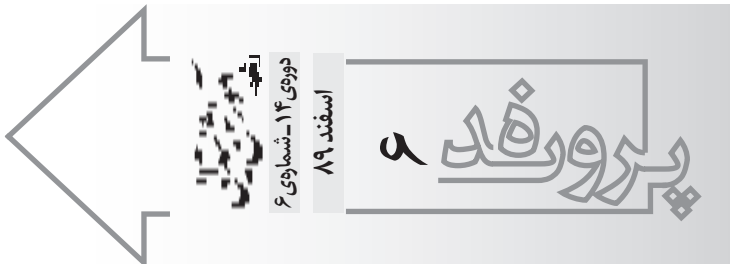
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه:

www.roshdmag.ir
رایانامه:
ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲

● کد مدیرمسئول: ۱۰۲
● کد دفتر مجله: ۱۰۹
● کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۴۸۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
عکس روی جلد: طیبه رحیمی

تجربه‌های سبز



پژوهش‌های تربیتی ۳۳: ساده و کودکانه‌نویسی در آثار هوشو/ نیره صفری
میراث ما ۳۶: زادگاه حکیم نباتی / حمید دهقان
تعلیم و تربیت ۳۸: این اصطلاحات چه معنایی دارند؟ / یدالله رهبری‌نژاد
تعلیم و تربیت ۴۱: مدرسه‌ی زیبا/ اکرم زینعلی دهشیری
تعلیم و تربیت ۴۴: با کودکانی که ناخن می‌چوند، چگونه رفتار کنیم؟ / اشرف مظلوم
با همراهان ۴۶: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله
ایستگاه ۴۸: آرزوی کافی، همیشه برای طلوع فرصت هست / تهمینه مهربانی، سعیده اصلاحی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

♦ مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ♦ مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ♦ مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ♦ نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ♦ محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ♦ مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ♦ کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ♦ مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ♦ معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ♦ مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ♦ مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ♦ آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

آموزش مجازی استفاده‌ی مجازی!

مجله علمی و پژوهشی
آموزش مجازی

دکتر لیلا سلیقه‌دار

تأملی درباره‌ی راه‌اندازی مرکز اطلاعات و منابع یادگیری در مدارس



اشاره

یادداشت‌های آغازین مجله در دوره‌ی جاری را به تبیین ابعاد گوناگون سند راهبردی تحول آموزش و پرورش کشورمان اختصاص داده‌ایم. در ادامه‌ی یادداشت‌های پیشین، در این شماره، یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله، راه‌اندازی مرکز اطلاعات و منابع یادگیری با تأکید بر فناوری‌های جدید در مدارس را که یکی از مفاد ده‌گانه‌ی سند راهبردی تحول است، بررسی می‌کند.

که در سند راهبردی تحول آموزش و پرورش به این نکته اشاره شده است که:

«در همه‌ی مدرسه‌ها، به منظور ایجاد زمینه‌های لازم برای بروز تحول، لازم است مرکز اطلاعات و منابع یادگیری با تأکید بر فناوری‌های جدید شکل گیرد.»

در چند سال اخیر، این نکته و اهمیت آن موجب شد تا برنامه‌هایی طراحی و اجرا شود که از آن طریق معلمان را به استفاده‌ی بیشتر از

سرعت رشد و گسترش فناوری‌های نوین به اندازه‌ای است که هم‌گام شدن با آن، جز در حالتی که قسمتی یا تمام زندگی فرد بر پایه‌ی کاربرد و استفاده از آن صورت بگیرد، ممکن نیست. وسعت و تنوع آن نیز به شکلی است که در هر زمینه از زندگی، ردپایی از آن دیده می‌شود. در این زمینه، آموزش و پرورش مستثنا نیست و شاید به جرئت بتوان گفت که یکی از مناسب‌ترین و ضروری‌ترین زمینه‌های کاربرد فناوری‌های نوین، آموزش و پرورش است. بر همین اساس است



مسئول موردنظر، هر کدام روی یک برگه‌ی A4 چاپ شده است. حال این تجربه‌ها را کنار استفاده از منابع یادگیری قرار می‌دهیم. مرکز اطلاعات و منابع یادگیری در مدرسه می‌تواند کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و تمامی کلاس‌های درس را شامل شود. در تمام موارد باید منابع به شکلی مورد توجه قرار گیرد که افزایش اطلاعات و یادگیری - هم معلم و هم دانش‌آموز را نشانه برود. جای هیچ مجادله و بحث مفصلی نیست که در حال حاضر، مدارس با کاستی‌هایی در زمینه‌ی مواد و منابع آموزشی سنتی (نه لزوماً فناوری‌های نوین) روبه‌رو هستند. برای مثال، تعداد میکروسکوپ‌های مدرسه به اندازه‌ی نیست که همه‌ی دانش‌آموزان یک کلاس بتوانند از آن استفاده کنند و یا تعداد کتاب‌های مرجع به اندازه‌ی نیست که امکان استفاده‌ی دانش‌آموزان از آن فراهم باشد. هر چند در تقسیم‌بندی مدارس با توجه به میزان منابع، با مدارس برخوردار میانی و نابرخوردار روبه‌رو هستیم که در این صورت نمونه‌ها و مثال‌ها در هر کدام متفاوت است، اما در هر یک از مدارس نامبرده، اختلافی بین شرایط موجود و مطلوب وجود دارد. و از سوی دیگر، برای رشد و تحول آنان، اصل نگاه یکسان و پرهیز از تبعیض و نابرابری بین مدارس برقرار نشده است. برای مثال، چندی پیش به عنوان مهمان، به همایش معلمان یکی از مناطق آموزش و پرورش دعوت شدم. محل برگزاری این همایش، مدرسه‌ی غیرانتفاعی هوشمندی بود که در آن تلاش شده بود تا همه‌ی برنامه‌های مورد انتظار در مدرسه‌ی هوشمند به درستی اجرا شود. در قسمتی از برنامه، یکی از معلمان به اجرای تدریس خود مرتبط با یکی از موضوعات کتاب درسی پرداخت. او برای این منظور از برنامه‌های رایانه‌ای استفاده کرد و به صورت برخط (online) از محیط مجازی بهره گرفت. تدریس او به قدری جدید، جذاب و متنوع بود که هیچ‌یک از حضار متوجه گذر زمان نشدند و با وجود آن که همگی به مطلب ارائه شده تسلط موضوعی داشتند، در تمام مدت، درگیر موضوع و فعالیت‌های ارائه شده بودند. با پایان یافتن تدریس، سردرد دل همکاران دیگر باز شد. یکی می‌گفت که ما چنین امکاناتی را در مدرسه نداریم، دیگری می‌گفت ما که داریم، ولی فقط برای استفاده‌ی یک کلاس است و در کل ماه، یک بار نوبت استفاده به ما می‌رسد. در این میان، نظر عده‌ای از همکاران مبنی بر این که اصلاً با چنین برنامه‌هایی آشنایی ندارند و نمی‌دانند که آن‌ها چیست و چگونه می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، در خور توجه بود و این، تفاوت بسیار میان معلمان را نشان می‌دهد.

فناوری‌ها ترغیب و به این ترتیب بر ویژگی همیشگی و اجتناب‌ناپذیر آدمی که «مقاومت در برابر تغییر» نام دارد، غلبه کنند. برای مثال، برگزاری دوره‌های آموزشی مجازی، از این دست برنامه‌هاست. در این دوره‌ها، محتوای آموزشی از طریق اینترنت در اختیار افراد قرار می‌گیرد و شرکت‌کنندگان مجبورند برای طی همه‌ی مراحل، از ثبت‌نام تا دریافت محتوا و دادن آزمون؛ از طریق پایگاه تعیین شده اقدام کنند. به ظاهر همه چیز برای هدف موردنظر درست در نظر گرفته شده است؛ چرا که با لحاظ کردن امتیازی خاص برای گذراندن دوره‌های آموزش ضمن خدمت در ارزش‌یابی سالانه‌ی معلمان، میزان اهتمام و درخواست آن‌ها به شرکت در دوره‌های ضمن خدمت افزایش یافته است. اما بررسی نحوه‌ی شرکت معلمان در این دوره‌ها، توفیق این برنامه را نشان می‌دهد! به نمونه‌ای از آن توجه کنید: در یکی از واحدهای آموزشی، نمون برگی طراحی شده است که در آن فهرست اسامی همکاران به همراه سایر مشخصات آنان مانند شماره‌ی رمز ورود به پایگاه آموزش مجازی درج شده است. یکی از همکاران آشنا به استفاده از سایت، این مسئولیت را پذیرفته است که کار ثبت‌نام و دریافت محتوا را انجام دهد. برای امتحان پایان دوره هم معمولاً با نظر همه، یک یا دو نفر محتوا را می‌خوانند و به جای سایرین نیز امتحان می‌دهند. البته اگر همکاری تمایل داشت که خودش محتوا را بخواند، در این صورت کنار همکار دیگری که به استفاده از رایانه آشناست، می‌نشیند و پاسخ‌ها را انتخاب می‌کند.

جالب آن است، هنگامی که از همکاران این واحد آموزشی در مورد نحوه‌ی اجرای دوره‌های مجازی می‌پرسیم، همه به اتفاق، به خوب بودن آن و این که کارشان را راحت‌تر کرده است، اشاره می‌کنند و حتی بر گه‌های نظرخواهی را نیز با درج امتیاز عالی کامل می‌کنند. اما این‌جا به اندکی تأمل احتیاج است تا هدف و نتیجه را کنار هم بگذاریم و ببینیم چرا چنین اتفاقی می‌افتد.

نمونه‌ی دیگر به برنامه‌های دریافت فیش‌های حقوقی معلمان از طریق شبکه مربوط می‌شود. شاید این بهانه‌ی خوبی برای پیوند میان صفحه کلید رایانه و دست‌ان مهربان معلمی باشد که به هر علت خود را دور از دنیای مجازی نگاه داشته است. بدیهی است که با توجه به ذکر تجربه‌ی قبلی می‌توان تصور کرد که فیش‌های حقوقی چگونه در اختیار همکاران قرار می‌گیرد و علاوه بر این، برخلاف تصور استفاده از کاغذ کمتر، شاهد فیش‌هایی هستیم که به دلیل عدم آشنایی کامل

برای همه

چه اتفاق جالبی! اتفاقی که برای شما هم می‌افتد. صاحب پرنده‌ای می‌شوید؛ همان پرنده‌ای که دوست داشتید برایش آب و دانه بگذارید. خیلی وقت بود منتظرش بودید تا از دوردست‌ها بیاید و بر شاخسار زندگی شما بنشیند؛ همان پرنده‌ای که سعی کرده‌اید آشیانه‌اش گرم و نرم و به‌دور از چنگال تیز حوادث باشد. اما چشمان شما، همیشه باز است و پرنده‌ی شما خاطر جمع و سرشار از حسی گرم، چهچهه سر می‌دهد.

و چه اتفاق جالبی! اتفاقی که برای شما هم می‌افتد. «بهار» می‌آید با صدها کرشمه و هزاران آینده‌ای که شما در قاب ذهن خود برایش به تصویر کشیده‌اید.

صاحب فصلی نو در دیوان زندگی می‌شوید. بهار برگی جدید از دفتر زندگانی است.

بهار هم چون ابری است که بی‌سروصدا آمده و چون رسیده است بر طبل ابرهای افتخار می‌کوبد که بهار آمد. او بر شما می‌بارد و می‌ماند. بهار بزرگ می‌شود، به اندازه‌ی گذشتن چند تابستان، پاییز و زمستان و بهاری دیگر.

و بهار بی‌سروصدا قدمی کشد. پر و بال می‌گیرد و نغمه‌ی سرزندگی سر می‌دهد. هرگاه کلامی خوش‌آهنگ از غنچه‌ی دهان هدیه دهد، شما شاد می‌شوید و به هیجان درمی‌آید. بال و پر می‌کشاید. سینه فراخ می‌کنید و با او هم‌نوا می‌شوید و به‌زودی چهچهه‌ی او را با یک یا چند گفته‌ی آهنگین خود می‌سنجید. اما نه! بهار با همه‌ی خردی نیکوتر می‌خواند!

بنابراین، به نظر می‌رسد از یک‌سو به لحاظ کمبود منابع و مراکز اطلاعاتی کافی در مدارس از نظر کمی، که امکان استفاده‌ی افراد را در مدارس فراهم نمی‌کند و از سوی دیگر نبود شرایط و زمینه‌ی آگاهی و نیاز معلمان به استفاده از چنین منابعی، برنامه‌ها و اهدافی از این دست، به فرجام موردنظر نمی‌رسند و در قالب جملاتی زیبا باقی خواهند ماند.

بر این اساس، آگاهی، نیازآفرینی و تجهیز مدارس به صورت برنامه‌ریزی شده و هم‌زمان، لازمه‌ی تغییر و تحول است. اما با در نظر گرفتن تمام شرایط موجود، نمی‌توانیم معلمان خلاق و علاقه‌مندی را فراموش کنیم که شاید آموزش و پرورش امروز ایران با همت آنان رقم می‌خورد. در سال گذشته و در جریان برگزاری جشنواره‌ی روش‌های تدریس معلمان، به عنوان داور برنامه در یکی از مناطق آموزش و پرورش تهران حضور داشتیم. معلمی، برنامه‌ی آموزشی خود را با استفاده از رایانه و مبتنی بر IT تهیه کرده بود و به شایستگی از عهده‌ی اجرای آن برآمد. پس از تدریس از وی پرسیدم که چگونه در کلاس درس خود این شیوه را به کار می‌برند و چگونه بر کمبود امکانات که بهانه‌ی عدم تحقق برنامه‌ی بسیاری از معلمان است، فائق می‌آید. منتظر بودم که ایشان از مدرسه‌ی غیرانتفاعی خود و همکاری تنگاتنگ مدیر و اولیای دانش‌آموزان سخن بگویند و مانند همیشه آه از نهاد معلمان مدارس عادی برآورد. اما پاسخ او بسیار مرا تحت تأثیر قرار داد. او در مدرسه‌ای واقع در یکی از روستاهای منطقه‌ی پنج تهران - جایی که بیش از مدارس داخل شهر از کمبود امکانات رنج می‌برند - تدریس می‌کرد. اما همان یک رایانه‌ی مدرسه، در برخی از ساعات کلاس ایشان، وسیله‌ی کار دانش‌آموزان می‌شد. او می‌گفت علاوه بر این که گاهی کارهای مدرسه به‌خاطر استفاده‌ی ما از رایانه به تعویق می‌افتد، کارهای پسر هم که رایانه‌ی شخصی خود را به من قرض می‌دهد، معطل آموزش و رشد دانش‌آموزانم می‌شود و من رایانه‌ی او را با خود به مدرسه می‌آورم تا بتوانم برنامه‌ام را اجرا کنم. او می‌گفت، قبول دارم که کمبود منابع خلاقیت‌های بسیاری را در من و حتی همکارانم ایجاد کرده است. به‌طوری که بتوانیم حداکثر استفاده را از منابع موجود ببریم، اما نمی‌توانم انکار کنم که اگر منابع بیشتری در اختیار می‌داشتیم، با شایستگی بیشتری می‌توانستیم به دانسته‌هایم در زمینه‌ی آموزش نوین، جامعه‌ی عمل بپوشانیم.

بدیهی است، نمونه‌هایی از این دست بسیارند، اما برای گستره‌ی آموزش و پرورش ایران کافی نیستند. دانش‌آموزان ایران زمین که بین آن‌ها هیچ تفاوت و اختلافی در نحوه و میزان بهره‌گیری از منابع آموزشی نیست، اقدام عاجل و مدبرانه‌ای را انتظار می‌کشند تا آن چه حق و شایسته‌ی آنان است به مرحله‌ی اجرا گذاشته شود و استفاده از مراکز اطلاعات و یادگیری مبتنی بر فناوری‌های نوین، به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از آموزش آنان لحاظ شود و به عمل آید.



تصویرگر: ندا عظیمی

پرنده نامش پرنده است. روزی خواهد پرید. لانه را خالی می‌گذارد تا پرنده‌های دیگر نیز فرصت آمدن و نیز پر کشیدن بیابند. پرنده این فرصت را به شما هم می‌دهد تا در مجالی دیگر تجربه‌های خود را درهم زنید.

و بهار می‌ماند و به چندمین بهار خود می‌رسد. مرحله‌ای را گذرانده است. شما برای او حفاظی بوده‌اید از دستبرد چنگال روزگار. اما... آیا او آموخته است که خود نیز بیرون از چار دیوار محبت و توجه شما، دوستی و سختی را به محک علم یا تجربه از یکدیگر باز شناسد. شاید بهار شما خیلی زود از راه نرسیده باشد، اما اگر مراقب نباشید، می‌تواند خیلی زود برود. نگهداری از بهار چندان آسان نیست. بهار نباید زود برود. بهار باید به موقع به پرواز درآید. او آمده است تا به جایی برود و به آستانی بپیوندد که برای او ساخته شده است. بهار باید از جایی بگذرد. آیا برای بهار خود پافزاری آماده کرده‌اید که تنگ نباشد یا سنگریزه‌ای مزاحم، در آن جا خوش نکرده باشد؟ حال که بهار بال‌های بهشتی خود را فرو گذاشته است و اکنون که بهار آماده‌ی حرکت با پاهای کوچک خود است، آیا راهی هموار و راهنمایی بلد برایش وجود دارد؟ به کسی سپرده‌اید

که این کار را بکند؟ نه، به کسی نمی‌شود سپرد! خودمان باید دست‌به‌کار شویم. آموزگاری با همت می‌خواهد تا بر این رود خروشان زندگانی، پلی از جنس آگاهی و آینده‌نگری بزند و همراه بهار باشد. اینک بهار که به آرامی تکیه‌اش را از دیوار محبت و پیچک‌های سرخوشی طفولیت برمی‌دارد، کلمات را شمرده‌تر و حساب‌شده‌تر ادا می‌کند.

او سالی را به اتمام رسانده و به بهاری دیگر رسیده است. او در انتظار بهار مدرسه است تا به‌بار بنشیند و به‌بار بنشانند. نوروز با شادی و طراوت می‌آید و بهار به عمو نوروز سلام می‌دهد. بهار به همه، حتی به ننه‌سرما سلام می‌دهد. بهار به خورشیدخانم و شکوفه‌جان و بابای مدرسه هم سلام می‌دهد. سلام بر بهار.



طیب زبان

گفتوگو با عبدالرحمان صفارپور
معلم زبان آموزی

منیره حبیب پور

اشاره

مهارت‌زبانی یا زبان‌آموزی مانند ریشه دواندن گیاه است.

اگر این ریشه‌افشانی زبانی نباشد، سایر مهارت‌ها هم چون خواندن و نوشتن نیز به ضعف یا به تعویق می‌افتد. در این جا به منظور آشنایی با عبدالرحمان صفارپور، یکی از پیشکسوتان و آموزگاران زبان‌آموزی، درباره‌ی این مهارت و تجربه‌ها و نظرات او در این زمینه به گفتوگو پرداخته‌ایم. صفارپور حتی همراه مدیریت و تدریس در کلاس‌های چندپایه که چند کار را با هم انجام می‌داد، تحصیلات دانشگاهی را نیز ادامه داده و هنوز نیز پس از سال‌ها، چه در مدارس و چه در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با اشتیاق کارش را دنبال می‌کند. در ادامه، مشروح این گفتوگو را تقدیم خوانندگان گرامی می‌کنیم.

○ آقای صفارپور، از تحصیلات و سوابق کاری خود بگویید؟

● با این که دزفولی هستیم، اما از دوره‌ی ابتدایی تا دبیرستان را در اهواز گذراندم. دانشگاه را در تهران به اتمام رساندم و هم‌زمان معلمی هم کرده‌ام. **دکتر سیف** و **کریمی** از هم‌کلاسی‌های من بودند. اقتصاد آموزش و پرورش و روش‌های تدریس خوانده‌ام، اما در واقع از ابتدا مهارت زبان‌آموزی را دنبال کردم و در مراکز آموزشی نیز در همین زمینه مشغول تدریس بودم. از سال ۱۳۶۰ هم با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همکاری دارم.

○ سال‌های اول خدمت کجا بودید؟

● سال اول خدمت در شهری در روستای «قلعه نوحاج موسی» اشتغال داشتم. آن زمان معلم‌ها را در محل زندگی به کار نمی‌گماردند. من خوزی هستم، اما به شهری اعزام شدم و در یک کلاس چند پایه تدریس خود را شروع کردم.

○ شما با توجه به تخصص خود، چه تعریفی از مهارت زبانی دارید؟

● کودک ابتدا مهارت زبانی را یاد می‌گیرد. یعنی برای تفهیم مطلب و ارتباط و سپس حضور در مدرسه و خواندن و نوشتن، باید مهارت زبانی کسب کند. بعد از این‌هاست

که ادبیات شکوفا می‌شود. کودکی که مهارت زبانی‌اش قوی است، به سادگی مسائل ریاضی، علوم یا تاریخ و جغرافی را می‌فهمد. مشکل دانش‌آموزی که مسئله‌ی ریاضی را نمی‌فهمد یا مجموع و تفاضل را یاد نمی‌گیرد، به واسطه‌ی نداشتن مهارت زبانی است.

○ بنابراین با بچه‌های مناطق دوزبانه چگونه باید کار کرد؟

● در دوزبانه دو فاکتور داریم. یکی تئوری که از کشورهای دیگر می‌گیریم و دوم هم فاکتوری که بومی و محلی است. من در کردستان یا در آذربایجان بررسی کرده‌ام. باید ارتباط ایجاد کرد. نیاز است روش‌های معلم‌های موفق را در

زبان آموز نویسنده

عبدالرحمان صفاریور، مؤلف مقالات و کتاب‌هایی در زمینه‌ی زبان‌آموزی و الگوهای یاددهی و یادگیری املا و انشاست. نام تعدادی از کتاب‌های او در زیر آمده است:

- ✓ الگوهای یاددهی و یادگیری گام‌به‌گام انشای فارسی ابتدایی. سال ۱۳۷۹. انتشارات مدرسه.
- ✓ املاهای فارسی دوم دبستان، کتاب کار و خودآموز برای دانش‌آموز. سال ۱۳۸۲. محراب قلم.
- ✓ فارسی برابر با کتاب‌های بخوانیم - بنویسیم (کتاب کار سوم دبستان). سال ۱۳۸۴. مؤسسه‌ی علمی و آموزشی رزمندگان اسلام.
- ✓ کتاب کار فارسی چهارم دبستان، خودآموز پیشرفته‌ی فارسی براساس کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم. سال ۱۳۸۵.
- ✓ نوشتن و نگارش برای دانش‌آموزان پنجم دبستان. سال ۱۳۸۱. محراب قلم.

یک خاطره

در تهران معلم‌های بسیاری مرا می‌شناسند و البته نسبت به من لطف دارند. روزی معلمی از کلاس بیرون آمد. حدود پانزده آذرماه بود. دست دانش‌آموزی را گرفته بود و با عصبانیت می‌گفت: «دو ماه و نیم از سال تحصیلی گذشته و این بچه هنوز اولین کلمه را از زیر به بالا می‌نویسد.» گفتم: «بنشین. یک فنجان چای بخور و به کلاس برو تا ببینم چه اتفاقی افتاده است.» بچه دانه‌دانه اشک می‌ریخت. برای ایجاد ارتباط از او پرسیدم: «معلمت را دوست داری؟» گفت: «خوبی دوستش دارم.» گفتم: «پس چرا چنین می‌نویسی؟» گفت: «هن برای خانم معلم می‌نویسم بابا.»

من گفتم: «برای خودت بنویس.» گفت: «اگر برای خودم بنویسم، او چه طور باید بخواند.» عمق قضیه را ببینید. او را به کلاس بردم و گفتم خانم تحویل بگیرد. خانم معلم گفت: «چه کردی. به او چه خوردی؟»

گفتم: «خانم، او تا حالا برای تو می‌نوشت، حالا می‌خواهد برای خودش بنویسد.» و این را در هیچ کتابی نمی‌توان یافت، به جز کتاب تجربه. آن چه من در دانشگاه به تئوری خوانده‌ام، در مدرسه‌ها به تجربه یاد گرفته‌ام. علم آن گاه آموخته می‌شود که کسی در آن شک کند و به تحقیق روی آورد.

فرهنگ‌سازی کنند.

○ آیا نتیجه‌ی زبان‌آموزی در درس‌های املا، انشا و روان‌خوانی ظهور می‌یابد؟

● بله. ما در همه‌ی درس‌ها زبان‌آموزی داریم. از این که می‌گویم بله، تجربه‌ای دارم که عرض می‌کنم. روزی در کلاس پنجم، دانش‌آموزی درس تاریخ را بلد نبود. پرسیدم: «چرا حاضر نکرده‌ای؟» گفت: «خوانده‌ام، اما نمی‌توانم جواب دهم!»

و البته من می‌دانستم مشکل چیست؟ معلم مانند طیب است. درسی را در مقابلش باز کردم و پرسیدم، مشکل کجاست؟ گفت: «نمی‌دانم خلیفه یعنی چه؟» و او حق داشت. چون وقتی خلیفه را نمی‌فهمد، جمله را هم نمی‌فهمد و وقتی جمله را ندانست، نمی‌تواند به شما جواب دهد. باید به تدریج با دانش‌آموز کار کرد. بزرگ‌سال در اثر تجربه، از روی جمله، مفاهیم را می‌فهمد، اما دانش‌آموز نه.

از طرف دیگر، کتاب درسی باید در قالب چارچوبی خاص تدوین شود. ما هنوز چارچوبی نداریم که مثلاً بگوید جمله باید چند حرف و کلمه باشد تا مبتدا و خبر در آن گم نشود. جمله‌ی کودک نباید بیشتر از پنج کلمه باشد. زمان ما با زمان مرحوم باغچه‌بان بسیار فرق دارد. الان ما در طرح‌های دارای درک مفهوم مانند «پزلز»، کم‌ترین امتیاز را می‌آوریم.

ما باید تئوری را بگیریم و با توان خودمان آن را سامان دهی کنیم. باید ببینیم دانش‌آموز چگونه یاد می‌گیرد و آن شیوه را دنبال کنیم.

مناطق گوناگون بررسی کنیم.

من و معلم می‌خواهیم کلمه‌ی «آب» را یاد بدهیم تا بچه بدانند این کلمه در ترکی «سو» می‌شود. آموزگار ما باید بداند کلمه‌ی «اول» فارسی نیست، ولی «دوم» فارسی است. این‌ها زبان‌آموزی است و با زبان‌شناسی تفاوت دارد.

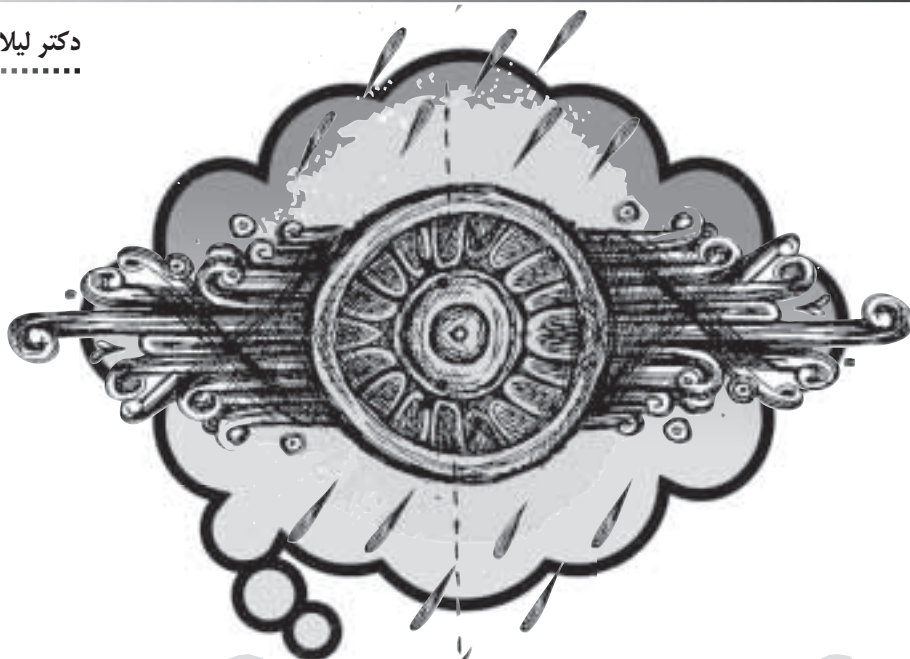
○ نظر شما درباره‌ی نحوه‌ی زبان‌آموزی در کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم چیست؟ امروز با گذشته چه فرقی دارد؟

● این موضوع به نظر فرد خاصی وابسته نیست. نیاز به زمان دارد. هر کس آمده و خشتی روی خشت این بنا گذاشته است. **باغچه‌بان، رشدیده یا جهانشاهی**، بانی آن نبوده‌اند. یعنی این حرکت پیوسته ادامه داشته است. صحیح یا غلط بودن نتایج و شیوه‌های امروز و دیروز را هم نمی‌شود به راحتی بیان کرد. من می‌توانم کتابی از سال ۱۳۳۴ نشان دهم که در واقع بخوانیم و بنویسیم بوده است. اما افرادی که کتاب را برنامه‌ریزی و تدوین می‌کنند، باید به کارودانش موردنظر مسلط باشند. من با تحقیق بسیار در کتابخانه‌ها در سال ۱۳۷۶ کتاب «آموزش و پرورش» را نوشتم. به هر حال باید بی‌غرض نوشت. در کتاب فعلی «آب» را چندین گونه تصویر داده‌اند که به این صورت، ذهن کودک درگیر می‌شود. باید یک تصویر باشد تا مطلب جا بیفتد. نوه‌های من از روی تصویر می‌خوانند و می‌نویسند. فکر می‌کنم مجلات رشد بتوانند در این زمینه



پژوهش در کلاس درس - بخش ششم

دکتر لیلا سلیقه‌دار



راه‌ورسم تفکر

اشاره

همواره افراد از سوی بزرگان به تفکر دعوت شده‌اند. اهمیت این نکته بدان اندازه است که هر یک دقیقه تفکر در دین مبین اسلام، به هفتاد سال عبادت تشبیه شده است و به همان اندازه اهمیت و ارزش برای تفکر قائل شده‌اند. از سوی دیگر، اساس پژوهش را از ابتدا تا انتها، تفکر تشکیل می‌دهد. از این رو، ضرورت توجه و اهتمام ویژه به امر تفکر، بر همه به‌ویژه معلمان که هدایت‌گران افراد در یادگیری و تعالی هستند، بسیار احساس می‌شود. اما چگونه می‌توان به تفکر توجه کرد و آیا راهی برای آموزش آن وجود دارد؟ پاسخ به سؤالات مورد نظر، بخش ششم از سلسله مطالب پژوهش در کلاس درس را تشکیل می‌دهد.

یک روایت تکراری در کلاس درس

کلاسی را تصور کنید که در آن معلم در تب و تاب ارائه‌ی درس است. با اشتیاق زیاد زمینه را برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌کند و با استناد به روش‌های نوین یاددهی-یادگیری، بارها در طول تدریس فرصت‌هایی را برای تفکرها فراهم می‌سازد. «بچه‌ها شما در این باره چه فکر می‌کنید؟» این سؤالی است که او به دفعات آن را در کلاس تکرار می‌کند. اغلب نیز به سرعت با دست‌های بلند شده‌ی بچه‌ها به نشانه‌ی خواستن اجازه برای بیان نظرشان روبه‌رو می‌شود. درحالی که آن‌ها زمانی را به فکر کردن اختصاص نمی‌دهند و معمولاً پاسخ‌هایشان نیز ناصحیح، شتابزده و ناقص است. این رفتار دانش‌آموزان، برای او به

مسئله‌ای تبدیل شده است که باید راه‌حلی برای آن پیدا کند. نمونه‌ای از این دست، ممکن است در هر کلاس درسی مشاهده شود و شاید تصمیم معلم برای حل این مسئله، در ساده‌ترین حالت، این باشد که کمتر دانش‌آموزان را به پاسخ دادن سؤال‌ها دعوت کند. اما نگاه دقیق‌تر به این موضوع، نشان می‌دهد که در اغلب موارد، دانش‌آموزان با تفکر و شیوه‌های مربوط به آن آشنایی ندارند. آن‌ها معمولاً سرعت در پاسخ دادن به سؤالات را به تأمل درباره‌ی آن بیشتر ترجیح می‌دهند. هر چند این امکان وجود دارد که این رفتار به علت دریافت بازخوردهای تأییدگرانه از سوی بزرگسالان در آن‌ها شکل گرفته باشد، اما تفکر کردن لزوماً به معنای از دست دادن زمان و

نداشتن سرعت در پاسخ‌گویی نیست و به نظر می‌رسد عدم توانمندی در این زمینه، موجب ایجاد چنین رفتارهایی می‌شود.

اهمیت تفکر

امروزه از تفکر و انواع آن به شکل‌های متفاوتی یاد و استفاده می‌شود. تفکر خلاق، تفکر انتقادی و... نمونه‌هایی از این دست هستند. در برخی از مدارس جهان، ساعاتی را هم به این درس اختصاص می‌دهند. این اقدامات از اهمیت و ضرورت این مهارت در زندگی انسان نشئت می‌گیرد، اما با این همه، کافی نیستند. معلمان از جمله گروه‌هایی هستند که بیش از سایرین به ضرورت آموزش تفکر احساس نیاز می‌کنند. زیرا این امر با یادگیری دانش‌آموزان ارتباط تنگاتنگی دارد. به همین دلیل، لازم است ابزارها و روش‌های متفاوت، مورد نظر و توجه آنان قرار گیرد تا از این طریق بتوانند زمینه‌های یادگیری عمیق را در فراگیرندگان ایجاد کنند.

در این باره، موانع فراوانی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها به عادت‌های تفکر مربوط می‌شود. برای مثال، وقتی دانش‌آموزان را با یک موقعیت کاملاً غیرعادی روبه‌رو می‌کنیم، معمولاً در اولین واکنش، اغلب آن‌ها به نشدنی و محال بودن آن رویداد اشاره می‌کنند. این حالتی است که ذهن‌های دور از تفکر و یا عادت‌های دیرینه و تکراری در ذهن، موجب پیدایش آن می‌شود. برای نمونه به دانش‌آموزان گفته می‌شود که نظرتان درباره‌ی دریافت مبلغی پول در ازای تحصیل در مدرسه چیست؟ در غالب موارد، دانش‌آموزان این موضوع را غیرممکن یا غیرعملی می‌دانند و به‌صورت سؤال و یا جنبه‌های دیگر آن کمتر توجه می‌کنند. این نکات موجب می‌شود که افراد از انجام تفکر دور شوند و نتوانند به درستی موضوع را درک کنند. بدیهی است که نتیجه‌ی

درک نکردن موضوع، ندادن پاسخ مناسب را به دنبال خواهد داشت.

موضوعات سه‌بعدی

برای ایجاد زمینه‌های رشد تفکر، در محیط به‌ویژه در کلاس درس، راه‌های متعددی وجود دارد. نکته‌ی مهم این است که فرصت‌های مناسب برای استفاده از راهکارهای مورد نظر در محیط‌های آموزشی مانند کلاس درس، بسیار مؤثرتر و بیشتر از سایر محیط‌ها برای افراد مهیاست و تنها معلم اندیشمند، علاقه‌مند و مسئولی احتیاج است که از این فرصت‌های بکر استفاده کند.

یکی از راه‌های متداول و مفید در این زمینه، دعوت فراگیرندگان به تفکر سه‌بعدی یا سه‌وجهی درباره‌ی هر مسئله است. در این روش، از افراد می‌خواهیم درباره‌ی موضوع مورد نظر، از سه نظر فکر کنند و پاسخ دهند:

وجه مثبت، وجه منفی و نکات جالب

و البته در این باره این اجبار وجود دارد که همه در هر سه وجه فکر و نظر خود را آزادانه بیان کنند. برای روشن‌تر شدن موضوع، خوب است به مثالمان برگردیم. دانش‌آموزی ممکن است دریافت پول در ازای تحصیل در مدرسه را از سه نظر مطرح شده، به این شکل بیان کند:

وجه مثبت: می‌توانیم با این پول هر چه که دوست داریم بخریم!

وجه منفی: حتماً دیگر پدر و مادرها به ما پول توجیبی نمی‌دهند!

نکته‌ی جالب توجه: این پول قرار است از چه منبعی تأمین شود؟



این شیوه موجب می‌شود که فارغ از عادت‌های فکری خود و به شیوه‌ها و دیدگاه‌های دیگری، به اطراف خود نگاه کنیم؛ ضمن این که ملزم کردن فرد برای بیان نظر خود از هر سه منظر، او را به تأمل بیشتر و عادت به این رفتار وامی‌دارد.

معلم می‌تواند سوالاتی از این دست و موقعیت‌ها را با توجه به محتوای درس، به شکل‌های متفاوت بیان کند. با این کار خود، علاوه بر تقویت مهارت تفکر دانش‌آموزان، به یادگیری بیشتر و عمیق‌تر آنان نیز توجه می‌کند.

برای مثال، معلم پس از تدریس مفهوم گنجایش در کلاس ریاضی، دانش‌آموزان را با موقعیتی پیچیده روبه‌رو می‌کند. او به دانش‌آموزان می‌گوید، تصور کنید بین تمام آدم‌ها به‌طور مساوی و با گنجایش یکسانی، مایعات و آب تقسیم شود. مثلاً هر نفر به اندازه‌ی سه لیتر در روز، نظر تان در این باره چیست؟ سپس از آن‌ها می‌خواهد تا از هر سه منظر (مثبت، منفی و نکات جالب) موضوع را بررسی و عقاید خود را مطرح کنند. این گفت‌وگو درباره‌ی گنجایش، به درک بیشتر مفهوم مورد نظر و نیز تقویت مهارت تفکر آن‌ها می‌انجامد.

پنج دقیقه‌ی طلایی

از دیگر شیوه‌های تأثیرگذار در تفکر، تفکر پنج دقیقه‌ای است. در این روش، ابتدا افراد را در موقعیت‌هایی خاص قرار می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم درباره‌ی موضوع گفت‌وگو کنند و هدف آن را بیابند و یا به‌صورت روشن‌تری بگویند که در این مسئله به‌دنبال چه هستیم؟



برای مثال، مسئله این است: «جالب‌تر کردن محیط مدرسه». در این مرحله، افراد یک دقیقه وقت دارند تا موضوع را بیشتر باز و هدف آن را بیان کنند. به اصطلاح این مرحله را «تعیین هدف و تکلیف» می‌نامیم. در موضوع ذکر شده، این موارد مستترند:

- به دنبال طرح جدیدی از مدرسه هستیم.
- می‌خواهیم نواقص فعلی مدرسه را برطرف کنیم.

- می‌خواهیم فضاهای بهتری را برای ایجاد جذابیت در مدرسه ایجاد کنیم.

- می‌خواهیم کاری کنیم که مدرسه در افزایش انگیزه‌ی افراد تأثیر مثبتی داشته باشد.

این عبارات به روشن‌تر شدن موضوع و تعیین هدفی که به‌دنبال آن هستیم، کمک زیادی می‌کنند. حالا نوبت آن است که به مرحله‌ی بعدی برویم که در اصطلاح به آن مرحله‌ی «گسترش و جست‌وجو» گفته می‌شود. برای انجام این مرحله، دو دقیقه وقت لازم داریم و لازم است طی آن راه‌های پیشنهادی ارائه و البته هر سه بعد آن (منفی، مثبت و موارد جالب آن راه) نیز مطرح شود. برای مثال و در ادامه‌ی نکات مطرح‌شده در مرحله‌ی قبل، این موارد طرح می‌شود:

- استفاده از آلاچیق‌های زیبا در حیاط مدرسه، محیط را شاد و زیبا می‌کند. البته ممکن است این کار بچه‌ها را به تفریح بیشتر و درس خواندن کمتر وادارد. مدرسه می‌تواند در روزهای تعطیل، این مکان‌ها را به خانواده‌ی دانش‌آموزان اجاره دهد.

- ایستگاه‌بندی کردن محیط مدرسه به شکلی که هر ایستگاه، به انجام یک فعالیت خاص مربوط باشد و در آن بچه‌ها بتوانند آزادانه آن فعالیت را انجام دهند؛ مثل ایستگاه «بازی و ریاضی» که در آن بازی‌های مرتبط با ریاضی قرار داده شود. این کار هزینه‌ی زیادی می‌خواهد. به نظر می‌رسد به این ترتیب بسیاری از کلاس‌های درس هم در این فضاها برگزار شوند.

پس از این مرحله، دو دقیقه‌ی آخر آغاز می‌شود که به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد. در این مرحله، افراد باید از آن چه تاکنون مطرح شده، به نتیجه‌ی خاصی برسند و آن را تعیین کنند. در مثال یاد شده ممکن است افراد به نتایج زیر برسند:

- چه‌قدر خوب است که در مدرسه به تفریح و سرگرمی بیشتر توجه شود.

- ایجاد فضاهایی که در آن آموزش و سرگرمی توأمان باشد، بسیار مناسب است.

به این ترتیب، افراد در پنج دقیقه، به تفکر و گفت‌وگو با یکدیگر وادار شدند. یکی از محاسن بزرگ این روش آن است که افراد را به تأمل بیشتر و صرف دقایقی برای تمرکز روی موضوع و محدوده‌ی مشخص دعوت می‌کند. بر این اساس، آن‌ها باید در هر مرحله، فقط به آن چه که از آن‌ها خواسته شده است، توجه کنند و آن را انجام دهند.

نمونه‌ای از کاربرد این روش در کلاس درس را به درس مدنی پایه‌ی چهارم ابتدایی اختصاص می‌دهیم. در این درس، معلم می‌خواهد در موضوع زندگی‌های شهری و روستایی، با بحث بیشتر، دانش‌آموزان را به تفکر بیشتری دعوت کند. او این مسئله را بیان می‌کند:

چگونه می‌توانیم در شهر زندگی روستایی داشته باشیم. در یک دقیقه‌ی اول، بچه‌ها گفت‌وگو می‌کنند تا موضوع روشن‌تر شود:

آموزش رنگ‌ها

مجید درخشانی

مربی پرورشی، از دهشیر تفت یزد

معلم ده «تقی‌آباد» بودم؛ دهی که ده‌ها کیلومتر از شهر فاصله داشت. توی همان مدرسه‌ای که درس می‌دادم، زندگی هم می‌کردم. مدیر و آموزگار و خدمت‌گزار، خودم بودم.

یکی از روزهای اواخر پاییز کنار بخاری نشسته بودم و رنگ‌ها را به دانش‌آموزان کلاس اول یاد می‌دادم. از بچه‌ها می‌خواستم که با گچ‌های رنگی، روی تخته‌سیاه شکلی بکشند و نام رنگ را بگویند. بیشتر دانش‌آموزان رنگ‌ها را به‌خوبی یاد گرفته بودند.

برای این که درس را مرور و تمرین کنم، رو به بچه‌ها ایستادم و گفتم: «توجه کنید! الان فکرتان را ببرید توی خانه‌ی خودتان. ببینید در خانه چه چیزهایی هست که رنگ آن‌ها مثل رنگ بعضی از چیزهای توی کلاس است.»

هنوز مدتی نگذشته بود که مُراد بلند شد. ایستاد و گفت: «آقا مدیر، اجازه؟»

او هیکل چاق و قد کوتاهی داشت. اکثر مواقع اجازه می‌گرفت تا به دست‌شویی برود. به چشم‌های دُرُشتش نگاه کردم و گفتم: «بله، حتماً دوباره می‌خواهی بروی دست‌شویی؟!»

جواب داد: «آقا مدیر، اجازه؟ نه... می‌خواهم رنگ را بگویم.»

با خوش‌حالی گفتم: «بفرما آقای‌مُرادجان.»

مُراد گفت: «آقا اجازه؟ ما یک الاغ توی... خانه داریم... که رنگ آن...»

مثلِ رنگِ کُت و شلوار... شماس... دُرُست همین رنگ... رنگ سیاه.»

چه کار می‌توانستم بکنم؟! خندیدم و گفتم: «بارک‌الله مراد. بچه‌ها! برای

مراد یک دست محکم بزنید.»

● منظور این نیست که در شهر دام‌پروری کنیم، اما چگونه می‌توانیم حیوانات را دوست داشته باشیم؟

● منظور این نیست که همه‌ی ما در شهر یکدیگر را بشناسیم، اما چگونه باید در هر مرحله، یکدیگر را بشناسیم و به هم کمک کنیم؟

● چه‌طور آب و هوای خوب و سالمی داشته باشیم؟
با نظر جمع، راه‌های دوست داشتن حیوانات شناسایی، انتخاب و بررسی می‌شود.

در دو دقیقه‌ی بعدی، دانش‌آموزان به ارائه‌ی راه‌حل و یادآوری کارهای انجام‌شده در این زمینه اشاره می‌کنند و در هر مورد، سه بعد منفی، مثبت و جالب آن را نیز در نظر می‌گیرند:

● خوب است برای این کار همه مجبور باشند یک هفته در هر فصل به روستاها بروند و مسئولیت نگاه‌داری حیواناتی را برعهده بگیرند. در این صورت، آن‌ها به حیوانات علاقه‌مند می‌شوند. اما به نظر می‌رسد به تعداد همه‌ی آدم‌ها روستاها و حیواناتی وجود ندارند که مردم بتوانند یک هفته از آن‌ها مراقبت کنند. از طرف دیگر، ممکن است چون به این کار وادار می‌شوند، به درستی از عهده‌ی انجام آن برنایند و بیشتر به حیوانات آسیب برسانند.

● یک راه دیگر این است که به هر خانواده حیواناتی داده شود که در خانه‌ی خود از آن‌ها نگاه‌داری کنند. نکته‌ی منفی این کار این است که نگاه‌داری بسیاری از حیوانات در خانه، از نظر بهداشتی خطرناک است. البته برخی از افراد هم به حیوانات آلرژی دارند و نباید به آن‌ها نزدیک شوند.

این بحث ادامه پیدا می‌کند تا آماده‌ی نتیجه‌گیری شوند. در مرحله‌ی آخر، با توجه به آن چه در دو مرحله‌ی قبل صحبت شده است، نتایجی را مطرح می‌کنند. لازم به یادآوری است که این روش در گروه‌های کوچک قابل استفاده است و تأثیرگذار خواهد بود.

تفکر و پژوهش

بدیهی است که افراد متفکر قادر به انجام پژوهش هستند. همه‌ی مراحل، از احساس مسئله و تعیین موضوع که از ابتدایی‌ترین مراحل انجام پژوهش محسوب می‌شود، تا نتیجه‌گیری و گزارش دهی، به تفکر نیاز دارند. بنابراین می‌توان ادعان داشت که تفکر از جمله مهارت‌های پایه‌ای پژوهشی است و تصور محقق بدون فکر، محال و بی‌پایه است. بر این اساس، توجه به تفکر و آموزش آن به دانش‌آموزان نیز به رکنی مهم در تعلیم و تربیت بدل گشته است و با توجه به این که این آموزش مراحل و مراتب خاصی دارد، لذا شایسته نیست معلمی تنها با ذکر جمله‌ی ساده‌ی «بیشتر فکر کن»، دانش‌آموزان را به تفکر دعوت کند؛ بی‌آن که راه آن را نشان داده باشد.



تصویرگر: لاله‌ضیایی

پیک پاد در کلاس درس



بزاگر شیر دهد میش من است...

بخش هشتم

مرتضی مجدفر

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌های خلاقیت محور

بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های کلیله و دمنه

برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

اشاره

تاکنون در پنج بخش پیشین این سلسله مطالب، داستان‌هایی از کلیله و دمنه را بر اساس کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم پایه‌های چهارم و پنجم ساده‌سازی کرده‌ایم. سپس مطابق با تمرین‌هایی که برای توسعه‌ی سواد خواندن طراحی می‌شود، کوشیده‌ایم بر سرش‌هایی را مطرح کنیم که علاوه بر لذت حاصل از خوانش داستان‌های ساده‌شده، دست‌مايه‌هایی را در اختیار همکاران محترم قرار دهند تا بر اساس آن‌ها بتوانند ضمن ایجاد کلاس‌هایی تفکر محور، مواد خامی را نیز برای پژوهش‌های دانش‌آموزی در دسترس داشته باشند. در بخش پایانی این سلسله مطالب، دو داستان دیگر را، همراه با تمرین‌ها و پرسش‌های مرتبط، ارائه خواهیم کرد.

درس‌آموزی از بزهای جنگ‌جو

روزی از روزها که حاکم حال خوشی داشت، به درویشی خلعتی گران‌قیمت داد؛ خلعتی که گویا به غیر از پادشاه، کس دیگری آن را نداشت. دزدی از این ماجرا بو برد و برای دزدیدن خلعت درویش، به نقشه کشیدن روی آورد. او بسیار فکر کرد و عاقبت به این نتیجه رسید که نزد درویش برود. دزد پیش درویش رفت و گفت: «ای درویش حکیم! می‌خواهم نزد شما بمانم و از آن‌چه می‌دانی، چیزهایی یاد بگیرم. آیا مرا به شاگردی‌ات قبول می‌کنی؟»

درویش قبول کرد و در پاسخ گفت: «باشد، چرا که نه. بودن تو برای من هیچ زحمتی ندارد.»

دزد نزد درویش ماند. درویش هر کاری می‌کرد، دزد هم همان کار را انجام می‌داد. علاوه بر این، او همه‌ی کارهای درویش را انجام می‌داد. به این صورت، دزد چندین ماه آن‌جا ماند و حسابی به مرد خدمت کرد. همین کارها باعث شد درویش به دزد علاقه‌مند شود. او باور عجیبی به صداقت دزد پیدا کرده بود و همواره با احترام از او یاد می‌کرد. بالاخره دزد، از همین نگاه مثبت درویش بهره برد و شبانه، در حالی که خلعت گران‌قیمت را زیر بغل زده بود، از خانه‌ی درویش فرار کرد. فردای آن روز، درویش که از نبود دزد تعجب کرده بود، اول از همه

سراغ خلعت رفت و وقتی آن را سرگایش نیافت، مطمئن شد که کار دزد است. او برای پیدا کردن دزد آماده شد و راه روستا را در پیش گرفت. درویش در سر راهش به دو بز وحشی برخورد که سخت در حال مبارزه با هم بودند. بزها، شاخ در شاخ شده و آن قدر به یکدیگر ضربه زده بودند که از سر و صورتشان خون جاری شده بود.

روباهی در کنار معرکه‌ی بزها پرسه می‌زد. روباه که زور پنجه‌ی بزها را از نزدیک می‌دید، با خود فکر می‌کرد: «اگر زورم به بزها نمی‌رسد، لااقل خون‌های ریخته‌شده را که می‌توانم بلیسم.»

روباه در حال لیسیدن خون‌های ریخته‌شده‌ی روی زمین بود و هر دو بز که خسته و کوفته، گوشه‌ای ولو شده بودند، ناگهان بلند شدند و به سمت روباه حمله بردند. روباه که فکر می‌کرد در بزها دیگر تاب و توانی برای ضربه‌زدن باقی نمانده است، حرکت آن دو را بی‌خیال شد. ولی همین کار باعث شد در میان ضربه‌های شاخ‌دو بز اسیر شود و در اثر شدت ضربه‌ها بمیرد.

درویش، بزها را به حال خود رها و به طرف روستا حرکت کرد. همه‌جا را گشت، ولی خبری از دزد پیدا نکرد. علاوه بر این، در دعوایی که میان بازاریان روستا اتفاق افتاد، گرفتار شد و بلاهایی بر سرش آمد که آن سرش ناپیدا بود.

درویش، به خود آمد و تمامی آن چه را که در میانه‌ی راه دیده بود، با خود مرور کرد: «روبا، به طمع لیسیدن خون‌های ریخته‌شده بر زمین، خود را گرفتار مبارزه‌ی بزها کرد و کشته شد. مرا باش که به طمع به دست آوردن خلعتی که هنوز از حالت پارچه به لباس درنیامده است، خودم را به میانه‌ی خطر انداخته‌ام...» بنابراین، راهش را کج کرد و به خانه‌ی خودش باز گشت.

سه پرسش

۱. هدف دزد از ماندن در نزد درویش چه بود؟
الف) یاد گرفتن هر دانشی که درویش داشت.
ب) سرقت کردن خلعت گران‌بهایی که حاکم به درویش داده بود.
پ) به دست آوردن محبت درویش.

۲. دزد چگونه به مقصود خود رسید؟
الف) اعتقاد و احترام درویش را جلب کرد.
ب) به درویش، حمله کرد.
پ) به کمک دوستانش اطمینان داشت.

۳. درویش برای پیدا کردن دزد به کجا رفت؟
الف) قصر حاکم
ب) روستا
پ) بیشه‌زار، محل مبارزه‌ی بزها.

فکر کنید، پاسخ دهید

۱. آن‌طور که از متن پیداست، «خلعت» به پارچه‌ای گفته می‌شود که از طرف بزرگان به دیگران هدیه داده می‌شود. در مورد معنی خلعت و ریشه‌های آن تحقیق کنید و بگویید کاربردهای دیگر این واژه چیست؟
۲. دو عبارت «به خطر افتادن» با «به مخاطره افتادن» چه فرقی با یکدیگر دارند؟ توضیح دهید.

۳. در مورد درویش‌ها و آیین درویشی تحقیق کنید و اطلاعاتی را که جمع کرده‌اید، در نوشته‌ای ۱۵۰ کلمه‌ای به آموزگار خود تحویل دهید.

۴. فکر می‌کنید مهم‌ترین درسی که درویش از مبارزه‌ی

بزهای جنگ‌جو گرفت، چه بود؟ این درس را با برخی از ویژگی‌های آیین درویشی مقایسه کنید.

۵. دزد به درویش می‌گوید: «می‌خواهم نزد شما بمانم و از آن چه می‌دانی، چیزهایی یاد بگیرم. آیا مرا به شاگردی‌ات قبول می‌کنی؟» یکی از ویژگی‌های آیین درویشی، نظام استاد-شاگردی است. هم‌چنین از زمان‌های دور، خیلی از مشاغل از این رسم پیروی کرده‌اند. حال یکی از مشاغلی را که به خوبی می‌شناسید و می‌دانید که هم از طریق نظام استاد-شاگردی و هم از طریق آموزش‌های مدرسه‌ای و دانشگاهی نیرو تربیت می‌کند، انتخاب کنید و محاسن و معایب پرورش نیرو در هر دو روش را توضیح دهید.

(مثال برای راهنمایی بیشتر: شغل مکانیکی خودرو را در نظر بگیرید. برای این که فردی مکانیک ورزیده‌ای شود، هم می‌تواند نزد یک استادکار مکانیک خودرو شاگردی کند و هم به تحصیل در هنرستان و دوره‌های فوق‌دیپلم و کارشناسی در زمینه‌ی مکانیک خودرو بپردازد. نکته: این مثال را برای آشنایی و راهنمایی بیشتر آوردیم. شما در مقایسه‌ی خود، حتماً شغل دیگری را مثال بزنید.)

بز پیر مرد روستایی

پیرمردی روستایی برای قربانی کردن، بزى را از بازار خریده بود و به خانه می‌آورد. سه مرد شیاد، او را دیدند و به فکر افتادند هر طوری که شده، بز را از چنگ او درآورند.

یکی از آن‌ها به مرد روستایی نزدیک شد و پس از سلام و احوال‌پرسی، از او پرسید: «پدر عزیز من! این سگ زبان‌بسته چه گناهی کرده که او را کشان کشان می‌بری؟»

پیرمرد، این حرف را جدی نگرفت و به راه خود ادامه داد. ولی حيله‌گر بعدی، در حالی که می‌خواست پیرمرد حرف او را بشنود، دور و بر او شروع به سخن گفتن کرد: «اصلاً من فکر می‌کنم این مرد روستایی نیست. چون تا حالا هیچ روستایی را ندیده‌ام که سگی را ببندد و با خود بکشد.»

پیرمرد باز به راهش ادامه داد. این دفعه شیاد سوم شروع به صحبت کرد: «این سگ را چند خریده‌اید؟ برای شکار است یا محافظت از خانه؟»

پیرمرد هم‌چنان راه می‌رفت و سعی می‌کرد به حرفشان گوش ندهد. ولی آن‌ها دست‌بردار نبودند و



تصویرگر: لیدا معتمد

مرتب می‌گفتند و می‌گفتند. آخر سر، پیرمرد روستایی باور کرد حیوانی که خریده است، سگ است نه بز. بنابراین، طناب را از گردن بز باز و او را رها کرد و با خود چنین گفت: «پس به این ترتیب، آن فروشنده‌ی ناقلا، چشم‌پندی کرده و به جای بز، سگ به من فروخته است!»

پیرمرد روستایی، بلافاصله راهی بازار روستا شد تا هم بز دیگری بخرد و هم با فروشنده‌ی سگ، به مجادله بپردازد. شایدان حيله‌گر هم بز را برداشتند و به سرعت از آن‌جا دور شدند.

سه پرسش؟

۱. سه مرد شیاد، خرید پیرمرد روستایی را به چه چیزی تشبیه کردند؟
(الف) گوسفند

(ب) بز
(پ) سگ

۲. چرا پیرمرد روستایی، حرف‌های مردان شیاد را باور کرد؟
(الف) چون با مردان شیاد دوست شد.
(ب) از بس که مردان شیاد، بر حرف‌های خود تأکید کردند.
(پ) چون قادر به تشخیص سگ از بز نبود.

۳. پیرمرد روستایی در پایان چه فکری کرد و کجا رفت؟
(الف) او فکر کرد فروشنده او را فریب داده است و دوباره به بازار رفت.
(ب) او فکر کرد مردان شیاد، حرف درستی می‌زنند و به خانه‌اش رفت.
(پ) پی برد که بسیار بی‌عقل است و از آن‌جا دور شد.

فکر کنید، پاسخ دهید؟

۱. عده‌ای می‌گویند ساده تصور کردن روستاییان در داستان‌ها و تمثیل‌های به‌جای مانده از پیشینیان، در زمان وقوع و یا به‌وجود آمدن این داستان‌ها، طبیعی بوده است چرا که اکثریت جامعه را روستاییان تشکیل می‌دادند. ولی اکنون که جامعه به دو بخش جدای از هم روستایی و شهری تبدیل شده است، انتشار و کاربرد این داستان‌ها، ممکن است این تصور را به‌وجود آورد که شهری‌ها، به عمد روستایی‌ها را ساده می‌انگارند و شاید این کار، به مذاق روستایی‌ها هم خوش نیاید. حتی برخی از فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی هم که روستاییان را انسان‌های ساده‌ای نشان می‌دهد، با انتقاد جدی روبه‌رو می‌شوند.

در مورد این که ساده کیست و آیا در ساده بودن یک فرد، شهری یا روستایی بودن او و یا تحصیل کرده و کم‌سواد بودنش تأثیر دارد یا نه، بحث و نظرات خودتان را در ۱۰ جمله‌ی کوتاه بیان کنید.

۲. در داستان‌های کودک و نوجوان، معمولاً بز به‌عنوان یک حیوان دانشمند و تحصیل کرده به تصویر کشیده می‌شود. فکر می‌کنید دلیل این کار چیست؟

۳. وقتی به فرهنگ‌نامه‌های امثال و حکم ایرانی مراجعه می‌کنید،

در مقابل مدخل «بز» ده‌ها ضرب‌المثل می‌بینید که هر یک شأن نزول و داستان ویژه‌ای دارد. برای مثال به این ضرب‌المثل و داستان مربوط به پدید آمدن آن توجه کنید:

● **بز خری کردن؛** چیزی را از قیمت عادلانه ارزان‌تر خریدن یا با تعمیق فروشنده، ارزان‌تر از قیمت واقعی خریدن.

■ **ملانصرالدین،** گاو خود را برای فروش به بازار برد. چند نفر شیاد که با هم شریک بودند، قرار گذاشتند هر کدام از راهی بیایند و به ملا بگویند این بز را چند می‌فروشی؟

شیاد اولی آمد و پس از تعارف با ملا گفت: «قیمت این بز چند است؟» نصرالدین برافروخت و گفت: «مگر کوری؟ این گاو است!» و به راه افتاد.

شیاد دومی رسید و گفت: «عمو! این بز را چند می‌فروشی؟» و بعد هم شیاد سومی آمد و به نام بز، خواستار خرید گاو شد.

ملا با خود گفت: «نمی‌شود که همه اشتباه کنند! شاید این که من گاو می‌دانم، بز باشد!»

بالاخره شیاد آخری، گاو نصرالدین را به نام و به قیمت بز خرید و از این‌جا، ضرب‌المثل **بز خری کردن** رایج شد.

(فرهنگ‌نامه‌ی امثال و حکم ایرانی، امین خضری، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۲)

می‌بینید این ضرب‌المثل و داستان آن چقدر به «بز پیرمرد روستایی» شبیه است. حال با پرس‌وجو و مراجعه به کتاب‌های مرتبط با ضرب‌المثل‌های ایرانی، معنی و داستان مربوط به پدید آمدن هر یک از این ضرب‌المثل‌ها را پیدا کنید و در کلاس ارائه دهید.

✓ بز بیاری!

✓ بز حاضر، دزد حاضر!

✓ بز دادن و بزغاله گرفتن!

✓ یک بز گر، گله را گر می‌کند.

✓ علف به دهن بزی شیرین است.

✓ بز اگر شیر دهد، میش من است.

بیگانه اگر وفا کند، خویش من است.

✓ از بز کوهی حرام‌زاده‌تر است.

✓ کار هر بز نیست خرمن کوفتن

گاو نر می‌خواهد و مرد کهن.



برای آگاهی بیشتر مثل بز اخفش!

به کسی که ندانسته، سخن دیگری را تأیید کند، می‌گویند: مثل بز اخفش است. داستان این ضرب‌المثل به **ابن اخفش سعید خوارزمی** معروف به ابوالحسن برمی‌گردد. علامه دهخدا در «امثال و حکم» خود می‌گوید: «او دانشمندی معروف بود که در بسیاری از علوم زمان خود تبحر داشت. می‌گویند او بز را تربیت کرد و مسائل علمی را مانند

رشوه



به انتخاب تهمینه مهریانی

سلطان عبدالحمید میرزا فرمانفرما (ناصرالدوله)، هنگام تصدی ایالت کرمان، چندین سفر به بلوچستان می‌رود و در یکی از این مسافرت‌ها، چند تن از سرداران بلوچ، از جمله سردار حسین خان را دستگیر و با غل و زنجیر روانه‌ی کرمان می‌کند. پسر خردسال سردار حسین خان نیز با پدر زندانی و چند روز بعد در زندان مبتلا به دیفتری می‌شود. سردار بلوچ هرچه التماس و زاری می‌کند که فرزند بیمار او را از زندان آزاد کنند تا شاید بهبود یابد، ترتیب اثر نمی‌دهند.

سردار حسین خان به **افضل الملک**، ندیم فرمانفرما متوسل می‌شود. افضل الملک نزد فرمانفرما می‌رود و وساطت می‌کند، اما باز هم نتیجه‌ای نمی‌بخشد. سردار حسین خان حاضر می‌شود پانصد تومان از تجار کرمان قرض کند و به فرمانفرما بدهد تا کودک بیمار او را آزاد کند. افضل الملک این پیشنهاد را به فرمانفرما منعکس می‌کند، اما باز هم فرمانفرمانمی‌پذیرد.

افضل الملک به فرمانفرما می‌گوید: «قربان! آخر خدایی هست، پیغمبری هست، ستم است که پسری در کنار پدر در زندان بمیرد. اگر پدر گناهکار است، پسر که گناهی ندارد.» فرمانفرما پاسخ می‌دهد: «در مورد این مرد چیزی نگو که فرمانفرمای کرمان، نظم مملکت خود را به پانصد تومان رشوه‌ی سردار حسین خان نمی‌فروشد.»

همان روز پسر خردسال سردار حسین خان در زندان، در برابر چشمان اشکبار پدر جان می‌سپارد. دو سه روز پس از این ماجرا، یکی از پسرهای فرمانفرما به دیفتری دچار می‌شود و هرچه پزشکان برای مداوای او تلاش می‌کنند اثر نمی‌بخشد. به دستور فرمانفرما، پانصد گوسفند قربانی می‌کنند و به فقرا می‌بخشند، اما نتیجه نمی‌دهد و فرزند فرمانفرما جان می‌دهد.

فرمانفرما در ایام عزای پسر خود، در نهایت اندوه به سر می‌برد. در همین ایام، روزی افضل الملک وارد اتاق فرمانفرما می‌شود. فرمانفرما به حالی پریشان به گریه می‌افتد و با صدای بلند می‌گوید: «افضل الملک! باور کن که نه خدایی هست و نه پیغمبری، والا اگر من قابل ترحم نبودم و دعای من مؤثر نبود، لاقل به دعای فقرا و نذر و اطعام پانصد گوسفند می‌بایست فرزند من نجات می‌یافت.» افضل الملک فرمانفرما را دلداری می‌دهد و می‌گوید: «قربان! این فرمایش را نفرمایید، چون هم خدایی هست و هم پیغمبری، اما می‌دانید که فرمانفرمای جهان نیز نظم مملکت خود را به پانصد گوسفند رشوه‌ی فرمانفرما ناصرالدوله نمی‌فروشد!».

یک هم‌درس و هم‌کلاسی برای او تکرار می‌کرد و از آن حیوان زبان‌بسته تأیید می‌خواست. بز اخفش طوری تربیت شده بود که هرچه اخفش می‌گفت، سر و ریش می‌جنباند و حالت تصدیق و تأیید به خود می‌گرفت.»

استاد دکتر **باستانی پاریزی**، نویسنده‌ی معروف معاصر، در کتاب ارزش‌مند خود به نام «کوچه‌ی هفت‌پیچ»، بز اخفش را به روزتر کرده است. وی می‌گوید: «آن دانشجویی که درس گوش می‌کند و ریش می‌جنباند، ولی نمی‌فهمد و در واقع وجود حاضر غایب است، همان بز اخفش است در روزگار ما!»

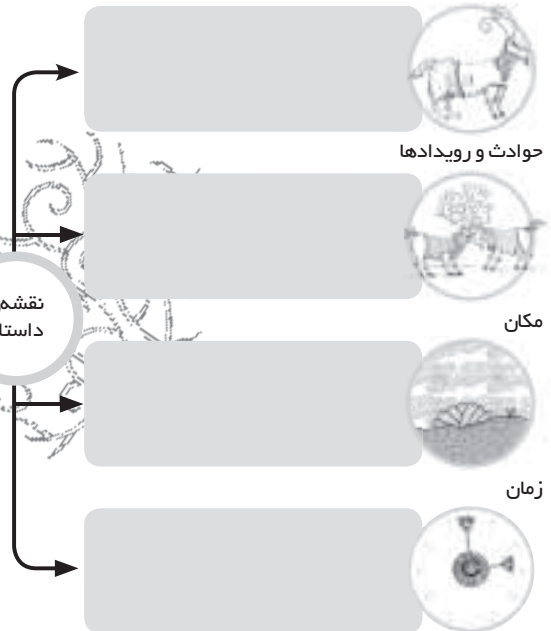
کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

کلمه (و یا ترکیب)	معانی آن

در مورد معنای هر کلمه، لاقل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده:

- با دوستان خود گفت‌وگو کن.
- با پدر و مادرت بحث کن.
- درستی آن را با آموزگار ت کنترل کن.
- با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایرة المعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.

شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان



آقای مربع، خانم دایره

دومین بخش از سلسله مطالب ۱۰۰ ایده ی جالب
برای تدریس ریاضیات در دوره ی ابتدایی



تصویرگر: ندا عظیمی

نوشته ی آلن تویترز

ترجمه ی سمیه سادات میرمعینی



درست کنند. درست کردن تصویر با استفاده از شکل های آماده، برای دانش آموزان راحت تر و صحیح تر است.

- می توانید همانند داستان قبلی، داستان دیگری با عنوان داستان خانم دایره تعریف کنید و تصویر آن را از دانش آموزان بخواهید. به همین ترتیب، داستان دختر مثلث و پسر پنج ضلعی و...
- یادآوری کنید که دانش آموزان برای به تصویر کشیدن می توانند از هر ابزاری استفاده کنند.
- دانش آموزان برای ساختن تصویر خود ممکن است از هر شکلی

از این فعالیت زمانی می توان استفاده کرد که دانش آموزان در حال یاد گرفتن شکل های هندسی، نام و ویژگی های آن ها هستند. برای یاد دادن شکل های هندسی از مثال ها و تصویرهای متنوع استفاده کنید. برای مثال، دوچرخه ای را نشان دهید و چرخ های آن را به عنوان دایره معرفی کنید. خانه ای را نشان دهید و یا تصویر پشت بام و یا تصویر یک حیاط را به عنوان مربع یا مستطیل معرفی کنید. در این جا به داستان آقای مربع، با استفاده از جدول زیر توجه کنید:

اندازه ی گروه ها	ابزار مورد استفاده	کلمات کلیدی
هر کدام از دانش آموزان به صورت فردی	ابزار مورد نیاز برای نقاشی کردن مانند: شکل های گوناگون و...	شکل ها



استفاده کنند. اما بهتر است تشویقشان کنید تمرکز خود را روی یک شکل قرار دهند و مثلاً در داستان آقای مربع، فقط از مربع استفاده کنند

- دانش آموزان می توانند داستان یک شکل را به تصویر درآورند؛ مانند داستان آقای مربع یا داستان خانم دایره. و یا می توانند خانواده ای از شکل ها ارائه دهند؛ مانند خانواده ی آقای مربع و خانم دایره، همراه با فرزندانشان دختر مثلث و پسر پنج ضلعی.

یادتان باشد:

– بچه های بزرگ تر ممکن است دوست داشته باشند درباره ی شکل ها یک کتاب داستان تهیه کنند و آن را در اختیار آشنایان و دانش آموزان کوچک تر قرار دهند. این امکان را در اختیار آن ها بگذارید.

نحوه ی انجام فعالیت

- می توانید داستان را به صورت زیر برای دانش آموزان تعریف کنید: «آقای مربع در خانه ای به شکل مربع زندگی می کند. او باغچه ای به شکل مربع دارد که در آن درختان و گل هایی به شکل مربع وجود دارند. یک سگ مربع شکل هم دارد که نام آن **جعبه ای** است. او همیشه با یک اتومبیل مربعی رانندگی می کند.» شاید دانش آموزان هم در ذهن خود، وسایل دیگری را در زندگی آقای مربع تصور کنند.
- از دانش آموزان بخواهید از زندگی آقای مربع، با توجه به داستانی که درباره ی او تعریف شد، تصویری را نقاشی کنند. حتی می توانید شکل هایی هندسی را در اندازه های گوناگون که پشت آن ها برجسب دارد و یا کاغذهای رنگی را در شکل ها و اندازه های متنوع، در اختیارشان قرار دهید و از آن ها بخواهید با استفاده از این شکل ها تصویر داستان را

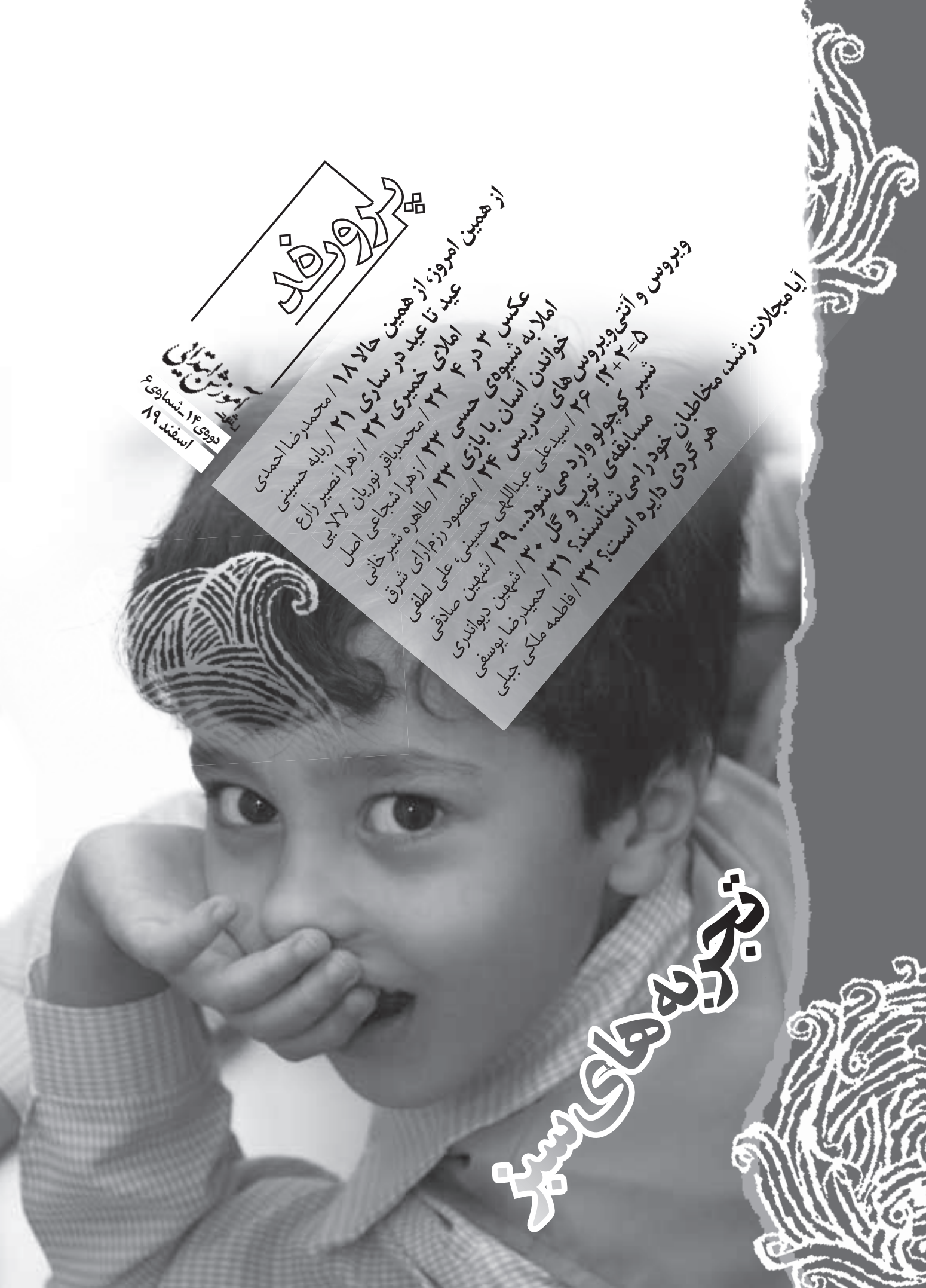
بروفه

آموزش زبان
شماره ۱۴ - شماره ۶
اسفند ۸۹

از همین امروز، از همین حالا ۱۸ / محمدرضا احمدی
عید تا عید در ساری ۲۱ / ریابه حسینی
املا ۴ / زهدانصیر زارع
۲۲ / زهدانصیر زارع
۲۳ / زهدانصیر زارع
۲۴ / زهدانصیر زارع
حسی ۲۵ / زهدانصیر زارع
مقصود رزم آرای شرق
شهبین حسینی، علی لطفی
۲۶ / شهبین حسینی
۲۷ / شهبین دیوانداری
۲۸ / حمیدرضا یوسفی
۲۹ / فاطمه ملکی
۳۰ / فاطمه ملکی
۳۱ / فاطمه ملکی
۳۲ / فاطمه ملکی
۳۳ / فاطمه ملکی
۳۴ / فاطمه ملکی
۳۵ / فاطمه ملکی
۳۶ / فاطمه ملکی
۳۷ / فاطمه ملکی
۳۸ / فاطمه ملکی
۳۹ / فاطمه ملکی
۴۰ / فاطمه ملکی
۴۱ / فاطمه ملکی
۴۲ / فاطمه ملکی
۴۳ / فاطمه ملکی
۴۴ / فاطمه ملکی
۴۵ / فاطمه ملکی
۴۶ / فاطمه ملکی
۴۷ / فاطمه ملکی
۴۸ / فاطمه ملکی
۴۹ / فاطمه ملکی
۵۰ / فاطمه ملکی

ایا مجلات رشد، مخاطبان خود را می شناسند؟

تجربهای شیرین



از همین امروز از همین حالا



محمد رضا احمدی

کارشناس تکنولوژی و گروه‌های آموزشی ابتدایی مازندران

پرورش دانش‌آموزان خلاق با پرسش‌های خلاق

سال‌هاست درباره‌ی «خلاقیت و تفکر خلاق» مطالب بسیاری می‌خوانیم و یا می‌شنویم، اما این که معلمان ما چه قدر به این مقوله می‌پردازند و در این زمینه مؤثرند، به توجه و تفکر نیاز دارد.

خلاقیت، خود در درون دانش‌آموزان است و به اشکال متنوع بروز خواهد کرد. زنده نگه‌داشتن کنجکاوی، پرسش‌گری، خیال‌پردازی، تجربه‌اندوزی و انعطاف‌پذیری و... نکاتی است که هر معلم خلاق باید در اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی خویش به آن‌ها توجه کند. هنوز هم در کلاس‌های درس، معلمان توان‌مندی داریم که به حاصل تلاش‌های دانش‌آموزان خود بها می‌دهند، موانع بروز خلاقیت را برمی‌دارند و اندیشه‌های تازه‌ی دانش‌آموزان خود را ساده نمی‌گیرند. آن‌ها می‌کوشند فضایی مناسب برای کوشش‌های خلاقانه‌ی دانش‌آموزان خویش ایجاد کنند. در واقع جست‌وجوگری و تازگی را به کلاس‌های خود هدیه می‌دهند. آن‌ها می‌دانند که یکی از راه‌های بروز خلاقیت، تهیه و تدوین فعالیت‌های خلاقانه از سوی معلم است، چرا که تخیل نقش مهمی را در توانایی و گسترش تفکر خلاق ایجاد می‌کند. و به عبارت دیگر: تخیل، زیربنایی، خلاقیت است.

اگر معلمی بخواهد این‌گونه فعالیت‌ها را طرح‌ریزی کند، ابتدا باید محتوای درسی خود را به خوبی بشناسد، ویژگی‌های دروس را در نظر بگیرد و با ساده‌سازی برخی از مطالب درسی، شرایط را برای بروز و رشد سطوح بالای تفکر و مهارت‌های ذهنی مهیا سازد. نمونه فعالیت‌هایی که در ادامه ارائه خواهد شد، در راستای همین اهداف است که برای دروس گوناگون دوره‌ی ابتدایی، به عنوان پیش‌نهاد و راهنما ارائه می‌شود. امیدواریم آموزگاران محترم در نظر داشته باشند که چنین فعالیت‌ها، پرسش‌ها و تمرین‌هایی، قابلیت ارزش‌یابی مستقیم را ندارند و نباید به آن‌ها با شیوه‌ی سنتی ارزش‌یابی نگریست.

درس کتاب‌خانه‌ی کوچک ما

برای متن ناتمام زیر، دو جمله‌ی متفاوت بنویس.
روزی که در خانه‌ام کتاب‌خانه‌ی کوچکی داشته باشم، احساس
می‌کنم.....
۱.....
۲.....

فارسی دوم دبستان

درس خدای مهربان

اگر نویسندگان کتاب فارسی از تو می‌خواستند یک
جمله‌ی زیبا به متن درس «خدای مهربان» اضافه
کنی، چه می‌نوشتی؟



درس پرواز موج

اگر خورشید بودی، دوست داشتی به کجا هرگز نتابی؟
.....
دلیل خودت را برایم بنویس.....
.....
.....

ریاضی دوم دبستان

اگر عددهای ۰ و ۲ با یک‌دیگر گفت‌وگو کنند، فکر می‌کنی به هم چه خواهند
گفت؟
.....

درس کوهنوردی
به نظر تو، چرا در کوهنوردی، به جای ساکدستی از کوله‌پشتی استفاده می‌کنند؟



درس اگر جنگل نباشد

در یک خیابان دو درخت، دربارهی رفتار خوب بچه‌ها صحبت می‌کردند. به نظر تو بچه‌ها چه رفتاری با درختان داشته‌اند؟

علوم سوم دبستان

درس نیازهای جانوران

به نظر تو، اگر زمانی خرگوشی تصمیم بگیرد برای زندگی کردن، از جنگل به بیرون برود، تصمیم درستی گرفته است؟ دلایل خودت را بنویس.

۱.
۲.

درس جان داران مهره‌دار

در جدول زیر جان داران به دو گروه تقسیم شده‌اند. به نظر تو این گروه‌بندی براساس چه خصوصیتی انجام شده است؟

گروه ۱	انسان	گره	گاو
گروه ۲	مار	لاک‌پشت	ماهی

براساس:

۱.
۲.

فارسی چهارم

درس خدایا سپاس

دعای زیر، دعای یک کودک مهربان است:

«خدایا، به من و تمام دوستانم سلامتی بده و پدر و مادرم را سالم نگاهدار!»

حالا تو دوست خوبم، دعای یک کودک خودخواه را بنویس.

.....

درس کودکان حق دارند

در خانواده‌ات، فکر می‌کنی چه چیزهایی حق توست؟ آن‌ها را بنویس؟

.....

یک خط خمیده و یک خط شکسته با هم تصادف کردند و تکه‌هایی از آن‌ها پرید. حالا هر کدام از این تکه‌ها، شبیه چه چیزی شده است؟



علوم دوم دبستان

بخش هوا

هوا به هر کدام از موارد زیر چه کمکی می‌کند؟

پرنده:

اتومبیل:

شمع:

لباس خیس:



هدیه‌های آسمان سوم دبستان

درس بهترین تصمیم

نظر خودت را درباره‌ی جمله‌های زیر بنویس.

چه خوبی دارد؟	چه بدی دارد؟

- وقتی جوراب خودت را گم می‌کنی.
- وقتی مداد رنگی‌ات را خیلی می‌تراشی.
- وقتی لباست را پاره می‌کنی.

فارسی سوم دبستان

درس نماینده‌ی کلاس

اگر نماینده‌ی کلاس شما، از طریق رأی دانش‌آموزان انتخاب شود، تو برای نماینده شدن، خودت را چگونه معرفی می‌کنی؟

.....

درس فکر روشن

کدام قسمت درس «فکر روشن» تو را کمی ناراحت کرد؟

آن قسمت را آن‌طور که دوست داری، بنویس.

.....

درس ما فقط یک کروی زمین داریم

درباره‌ی آینده‌ی کروی زمین یک بند بنویس طوری که در آن یک خبر خوب و یک خبر بد وجود داشته باشد.

.....

علوم پنجم دبستان

درس جانداران ساده

فکر کن در مطب یک دکتر متخصص پوست نشسته‌ای. ممکن است بر پوست‌های روی دیوار مطب، چه مواردی را برای جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های قارچی بینی؟

درس انسان و محیط زیست

یک زنجیره‌ی غذایی بکش که در آن، خود تو مصرف‌کننده‌ی نهایی باشی.

درس تغییرات مواد

اگر جای مولکول آب هنگام بخارشدن بودی، در آن لحظه چه احساسی داشتی؟
شکل مولکولی خودت را هنگام بخارشدن نقاشی کن.

تاریخ پنجم

فکر کن که تو یک روزنامه‌نگار هستی و در بخش تاریخی روزنامه فعالیت می‌کنی، با توجه به آموخته‌هایت از درس تاریخ، روزنامه‌ها را کامل کن.

قیام امام حسین (ع)

یزید به زور می‌خواست،

جغرافی پنجم

اگر کشور ارمنستان اجازه ندهد که مردم دو بخش آذربایجان و نخجوان از راه آن کشور به هم مربوط شوند، تو چه راهی را برای ارتباط این مردم با هم، پیشنهاد می‌کنی؟

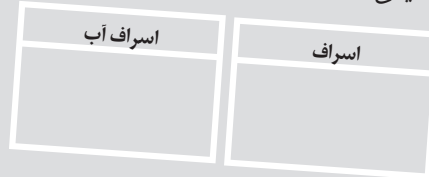
فکر کن تو یک جهان‌گردی. می‌خواهی از کشور پاکستان به ارمنستان سفر کنی و سفرنامه‌ای هم بنویسی. در این سفرنامه‌ی خیالی چه می‌نویسی؟

درس مثلها

داستانی بنویس که نتیجه‌ی آن این ضرب‌المثل باشد:
کوه به کوه نمی‌رسد آدم به آدم می‌رسد.

شاید این قطره‌ی آب

اگر مسئولان اداره‌ی آب و فاضلاب از تو می‌خواستند که دو تابلو دربارهِی «اسراف آب» طراحی کنی، چه می‌کشیدی؟



علوم چهارم

درس سفر به منظومه‌ی شمسی

اگر می‌توانستی به سیاره‌ی مریخ سفر کنی، دوست داشتی آن‌جا چه شغلی داشته باشی؟
چرا این شغل را انتخاب می‌کنی؟



ریاضی چهارم

مسئله‌ای بنویس که حاصل آن ۹۸۶ باشد و در آن از یک راه‌حل جمع و یک راه‌حل تفریق استفاده شود.

فارسی پنجم دبستان

سرگذشت یک توپ را بنویس که در زنگ تفریح در شلوغی حیاط مدرسه رها شده است؟

عید تا عید درس ساری

به مناسبت «دهه‌ی بصیرت و ولایت»، مسابقه‌ی نقاشی با آبرنگ و گواش در دبستان **ابراهیم نوبر** واقع در ناحیه‌ی ۱ ساری برگزار شد.

به گزارش **ربابه حسینی**، مدیر دبستان ابراهیم نوبر، در این مسابقه که با عنوان طرح عید تا عید و در فاصله‌ی اعیاد قربان تا غدیر به اجرا درآمد، برای دانش‌آموزان فرصت‌هایی ایجاد شد تا با فرهنگ ائمه و خاطرات خوش زندگی طیبه‌ی پیامبر و امامان آشنا شوند. در این مسابقه که با همکاری **کبری طیبی**، معاون پرورشی آموزشگاه و آموزگاران پایه‌های چهارم و پنجم برگزار شد، دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم دخترانم‌ها **سیده معصومه حسینی**، **سیده سعیده مجربی** و **فاطمه قیومی** و دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم، دخترانم‌ها **رقیه‌السادات ساداتی**، **فاطمه مهدی قلیان**، **فاطمه داوری**، **فائزه نامداری** و **آیلار رحمانی** قدردانی به عمل آمد.



هدیه‌های آسمان پنجم دبستان

درس «حق مردم»

دبستان درس «حق مردم» را خوانده‌ای. به نظر تو مفهوم یا نکته‌ی اصلی این داستان چیست؟
آیا تو هم با این نکته موافقی؟ نظر خودت را بنویس.

هدیه‌های آسمان پنجم

دوست توانای من، در مقابل هر یک از جملات ناتمام زیر، از هدایای آسمانی که از آن درس‌ها گرفته‌ای، جمله‌ای بنویس و آن‌ها را کامل کن.

آموختم: ای خدای مهربان بی‌تو
آموختم: در هنگام سختی و گرفتاری
آموختم: به حضرت عیسی و پیروانش
آموختم: برای یک زندگی مناسب باید
آموختم: میراث پیامبر اکرم (ص)
آموختم: اگر کسی خطایی بکند باید

آشنایی با ارزش‌یابی توصیفی

در یک گفت‌وگوی خواندنی

در صفحه‌های چهار تا هفت مجله‌ی رشد مدیریت مدرسه (اسفند ماه ۱۳۸۹) در زمینه‌ی ارزش‌یابی توصیفی، گفت‌وگوی مفصلی با **دکتر محمد حسنی** از پژوهشگران و مؤلفان کتاب‌های آموزشی مربوط به ارزش‌یابی کیفی-توصیفی صورت پذیرفته است. اگر مشتاق کسب اطلاعاتی درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی هستید، مجله‌ی رشد مدیریت مدرسه را از مدیر دبستان محل خدمت خود بگیرید و بخوانید. هم‌چنین در شماره‌ی بعدی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی (فروردین ماه ۱۳۹۰)، گفت‌وگوها و مقالات متعددی را درباره‌ی ارزش‌یابی و ارزش‌یابی توصیفی منتشر خواهیم کرد که از شما می‌خواهیم حتماً آن‌ها را بخوانید.

املاهای خمیری

زهرا نصیر زارع

آموزگار دبستان یار کوثر، منطقه ۱۵ تهران

خلاقیت در کارها رمز شادی و موفقیت است، چون وقتی خلاق باشی، برای گذشتن از سخت‌ترین موانع، راهی مناسب و معقول پیدا می‌کنی؛ راهی این بار تکراری انجام ندهی؛ چون کارهای تکراری انسان را خسته می‌کند.

این بار تصمیم گرفتیم در مورد املا، تغییری در کلاس به وجود آوریم. هر دو هفته یک‌بار، یک جلسه‌ی املا را به املاهای خمیری اختصاص دادیم. بچه‌ها برای تقویت املا باید انگیزه‌ای قوی نیز برای خواندن داشته باشند. وقتی توانستند خوب بخوانند، هدف دوم که درست‌نویسی کلمه‌ها و جمله‌هاست، به ثمر می‌رسد. این نوع املا، این انگیزه را در بچه‌ها ایجاد کرد.

ابتدا بچه‌ها را طبق شرایط از پیش طراحی شده، گروه‌بندی کردم. پس از آن، با خمیر شروع به جمله‌سازی کردند. مثلاً با کلمه‌ها جمله می‌ساختند، نتیجه‌ای را که از درس گرفته بودند، با خمیر نشان می‌دادند و یا جمله‌ای را از درسی که در هر هفته برایشان جالب‌تر بود، می‌ساختند. آن‌ها کلمه‌های مهمی را نیز که در ذهنشان مانده بود، می‌نوشتند. در حقیقت، شور و اشتیاقی که بچه‌ها برای انجام این نوع املا داشتند و تلاش، برنامه‌ریزی و صحبت‌های آن‌ها با هم، تا رسیدن به

روز املاهای خمیری، مرا به انجام این کار تشویق کرد.

عکس ۳۳ روزه

محمدباقر نوریان لالایی

آموزگار روستای حاجی کلا، محمودآباد

می‌خواستم عکس همه‌ی بچه‌ها را روی یک درخت بگذارم. بنابراین تصویر یک درخت با شاخه‌های بسیار را روی مقوا کشیدم و عکس همه‌ی بچه‌های کلاس را بدون در نظر گرفتن رتبه و امتیاز، روی شاخه‌ها چسباندم.

بعد از چند روز، زمزمه‌ی ناراحتی دانش‌آموزانی که عکس آن‌ها در قسمت پایین‌تر چسبانده شده بود، به گوشم رسید. با دیدن این واکنش‌ها به فکری تازه رسیدم. عکسی از خودم را که همیشه داخل کیف پولم بود، به سرعت درآوردم و در حضور دانش‌آموزان در زیر درخت و در قسمتی که انباشته از خاک و نزدیک به ریشه بود، چسباندم. با این کار، بچه‌ها به تفسیر جدیدی از کار من پرداخته و هر کدام جملات گوناگونی را بر زبان راندند! سرانجام به بچه‌ها گفتم: «فکر می‌کنید هدف من

از انجام این کار چه بود؟ هر چه زودتر آن را برایم در دفتر انشایتان بنویسید.»

نمونه‌ای از جملاتی که دانش‌آموزان کلاس من نوشتند، به این ترتیب بود:

□ معلم ما خیلی باحال است! او می‌خواست به ما بگوید: «من خاک پای دانش‌آموزان هستم.»

ولی آقا معلم چون ما مخلصیم!

□ معلم... ریشه است. اگر او نبود درخت و شاخه‌ای هم نبود!

□ معلم هم مانند همه‌ی انسان‌ها از خاک است! اصلاً چه جای خوبی!

به این صورت، در کمتر از چند دقیقه، در فاصله‌ی بین زنگ تفریح و ساعت کلاس،

عکس تمام بچه‌ها در پایین‌ترین قسمت درخت و کنار عکس من چسبانده شده بود.



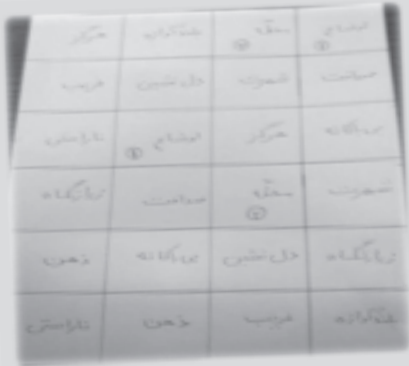
شیوهی حسی املا به

خواندن آسان بابازی

ظاهره شیرخانی

مرکز درمان اختلالات یادگیری ستایش، بابلسر

خواندن یکی از مهارت‌های اساسی است که ما را در دریافت و درک اطلاعات و مفاهیم جدید یاری می‌دهد. با توجه به اهمیت آن، خواندن صحیح کلمات و درک آن‌ها می‌تواند برای یادگیری همه‌ی دروس مفید باشد. لذا برای دست‌یابی راحت‌تر و جذاب‌تر به این امر مهم، بازی معلم ساخته‌ی ساده‌ی را به شما معرفی می‌کنم.



نحوه‌ی اجرا

تعدادی کلمه‌ی همسان را به‌صورت جفتی روی برگه‌ای جدول‌بندی شده می‌نویسیم. برگه را به دانش‌آموز یا دانش‌آموزان (به‌طور انفرادی یا گروهی) می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم با خواندن هر کلمه، مشابه دیگری آن را بیابند و به ترتیب شماره‌گذاری کنند. به این صورت، فرد یا گروهی برنده‌ی بازی است که بتواند در زمان کمتر، کلمات مشابه بیشتری را بیابد و شماره‌گذاری کند. هم‌چنین بتواند به‌طور صحیح از روی آن‌ها بخواند. خواهید دید، به همین آسانی دانش‌آموزان با انجام نوعی بازی ساده، خواندن را بهتر یاد می‌گیرند.

اهداف بازی

۱. تقویت خواندن
۲. تقویت املا
۳. تقویت حافظه‌ی دیداری
۴. افزایش دقت و توجه
۵. ایجاد شادی و نشاط.

زهرا شجاعی اصل

آموزگار پایه‌ی اول دبستان خرازی، سبزوار

در این شیوه، آموزگار دانش‌آموزان کلاس را به گروه‌های دو نفری تقسیم می‌کند. هر نفر دفتر و مدادی همراه خود دارد. دانش‌آموزان دوبه‌دو پشت‌سرهم قرار می‌گیرند. شاگرد پشت‌سری، با انگشت خود، کلمات را پشت فرد جلویی می‌نویسد و شاگرد جلویی می‌کوشد از روی حرکت انگشت فرد عقبی، لغت‌ها را شناسایی و سپس بنویسد. آن‌گاه نوبت فرد بعدی می‌شود که مداد و دفتر خود را بردارد و آماده‌ی شناسایی کلماتی باشد که با انگشت بر پشتش حک می‌شود. انتخاب کلمات می‌تواند با توجه به حروف جدید تدریس شده و به انتخاب خود دانش‌آموزان صورت گیرد. هم‌چنین، آموزگار می‌تواند کلمات مورد نظر را آهسته در گوش نفری که در پشت‌سر قرار گرفته است، بگوید.

این بازی، به پرورش قدرت درک، حافظه و دقت دانش‌آموز کمک شایانی می‌کند.



مقصود رزم‌آرای شوق
ناحیه ۱ ارومیه، آذربایجان غربی

ویروس و آنتی‌ویروس‌های تدریس

هر روزی بر رایج‌ترین غفلت‌های آموزشی معلمان

اشاره

آیا تا به حال با ویروس‌های تدریس مواجه شده‌اید؟ آیا حضور این ویروس‌ها را در کلاس حس کرده‌اید؟ آیا این ویروس‌ها فرایند یاددهی و یادگیری تان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. تدریس معلم نیز همانند سیستم رایانه، در معرض انواع ویروس‌های خطرناک قرار دارد؛ ویروس‌هایی که به ساختار تدریس وارد می‌شوند، رفته‌رفته روند تدریس را مختل می‌سازند و در نهایت آن را به کلی از کار می‌اندازد. ویروس‌هایی که قادرند تدریس شیرین و جذاب را سرد، خشک و بی‌روح سازند. ویروس‌های تدریس غالباً از باورها و نگرش‌های خود معلم شکل می‌گیرد و در بسیاری از موارد نیز از طریق فضا و محیط پیرامونی (مدرسه، همکاران و...) به پیکره‌ی تدریس معلم منتقل می‌شود و در صورت نبود آنتی‌ویروس‌های قوی، ممکن است به اجزای سخت‌افزاری نیز نفوذ کنند و تمامی اجزای وجودی انسان را تحت سیطره‌ی خود درآورند. در این نوشته‌ی کوتاه، مؤلف که خود از فرهنگیان فعال است، معروف‌ترین ویروس‌های تدریس را معرفی می‌کند. هرچند بهتر است با توجه به مفهوم علمی ویروس، از اصطلاح غفلت آموزشی استفاده کنیم.

□ توجه نکردن به هوش‌های چندگانه (MI)^۱

شناسایی و پرورش تمام هوش‌های بشری و کلیه‌ی ترکیبات آن، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ما انسان‌ها همگی با یکدیگر تفاوت داریم، به این علت که همگی از ترکیب‌های هوشی متفاوتی برخورداریم. تشخیص انواع هوش موجب می‌شود که با مشکلات زندگی برخورد مناسب‌تری داشته باشیم.

هاوارد گاردنر در سال ۱۹۸۳ در کتابش با عنوان «حالات روحی»، به وجود حداقل هفت هوش اصلی در انسان اشاره کرده است:

□ به‌روز نبودن اطلاعات؛ جدیدترین ویروس

در هزاره‌ی سوم که از آن به‌عنوان عصر انفجار اطلاعاتی و اضطراب اطلاعاتی یاد می‌شود، بحث به‌روز بودن در مباحث تعلیم و تربیتی یکی از اساسی‌ترین و پراهمیت‌ترین عوامل محسوب می‌شود. معلم نیز به‌عنوان یکی از عناصر انسانی مهم در فرایند تعلیم و تربیت، باید از این ویژگی برخوردار باشد. به‌روز نبودن اطلاعات علمی و آموزشی معلم به‌عنوان یک ویروس خطرناک و قابل انتقال، می‌تواند فرایند تدریس را تحت تأثیر قرار دهد.

هوش زبانی، منطقی-ریاضی، مکانی، حرکتی-جسمانی، موسیقایی، میان‌فردی، درون‌فردی. بعدها یک مورد دیگر تحت عنوان هوش «طبیعت‌گرایی» نیز به آن‌ها اضافه کرده و اخیراً نیز «هوش وجودی» را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

□ توجه نکردن به سبک‌های یادگیری فراگیرندگان

واقعیت این است که همه‌ی فراگیرندگان با یک سبک یاد نمی‌گیرند. هریک از آن‌ها سبک یادگیری خاص خود را دارند. برای شناخت سبک یادگیری فراگیرندگان، تقسیم‌بندی ساده‌ای با معرفی سه سبک یادگیری مطرح شده است: شنیداری، دیداری، و حسی-حرکتی.

سبک شنیداری: یادگیرندگان شنیداری، اطلاعاتی را که از طریق شنیدن دریافت کرده‌اند، بهتر به خاطر می‌آورند. این گروه در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد فراگیرندگان را شامل می‌شوند.

سبک دیداری: یادگیرندگان دیداری آن‌هایی هستند که به الگویی ذهنی نیاز دارند تا بتوانند آن را ببینند. این‌ها در حدود ۶۰ تا ۶۵ درصد یادگیرندگان را شامل می‌شوند.

سبک حسی-حرکتی: یادگیرندگان حسی-حرکتی از طریق حرکت و لمس کردن بهتر یاد می‌گیرند. در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد فراگیرندگان در این گروه قرار دارند.

البته باید توجه داشت که سبک یادگیری هر فرد می‌تواند ترکیبی از این رویکردها باشد. همچنین، ضعف هر کدام از سبک‌ها می‌تواند یادگیری را با مشکل مواجه سازد.

□ توجه نداشتن به رویکردهای مشارکتی و فعال در تدریس

در عصر و فضایی که نقش معلم از انتقال‌دهنده به تسهیل‌کننده و روشن‌گری تغییر یافته است و فراگیرندگان، جست‌وجوگر، سازنده، خودراهبر، خلاق و تصمیم‌گیرنده هستند، فعالیت‌ها معمولاً به صورت گروهی و مشارکتی انجام می‌گیرند و انتظار جامعه، کسب مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی فراگیرندگان در سطح عالی است. اندوختن معلومات و گسترش پاسخ‌های معین و مشخص، توجه به رویکردهای سنتی و غیرفعال، کم‌رنگ بودن نگرش‌ها و مهارت‌ها در تدریس، نوعی ایستایی و غفلت از قافله‌ی شتابان تعلیم و تربیت محسوب می‌شود.

□ آشنا نبودن با رویکردهای نوین ارزش‌یابی

بی‌شک ارزش‌یابی، حلقه‌ی تأثیرگذار و جزء لاینفک فرایند نظام آموزشی و برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شود. نگاه مجدد به ارزش‌یابی، بازنگری و بازتعریف آن و ایجاد شیوه‌های نوین ارزش‌یابی و توجه به رویکرد پویا و سازنده‌ی ارزش‌یابی، ضروری و قطعی به نظر می‌رسد. روش‌های سنتی و ایستای ارزش‌یابی از طرفی فراگیرندگان را به ارائه‌ی پاسخ‌های صحیح از پیش تعیین شده وامی‌دارد و از طرف دیگر باعث ایجاد فاصله بین آموخته‌ها و واقعیت‌های زندگی دانش‌آموز می‌شود، درحالی‌که زندگی روزمره‌ی او نیز ساختار پیچیده و مبهمی دارد.

از دیگر ویروس‌هایی که روند تدریس معلم را مختل می‌سازند، به‌طور خلاصه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اسیر قالب‌های ذهنی بودن
- توجه نکردن به راهبردهای یادگیری
- اعتقاد به تنبیه و خشونت
- تأکید بر رقابت به جای رفاقت
- عدم تشویق و انگیزه‌سازی
- ارتقا نیافتن مهارت‌های حرفه‌ای معلمان
- حاکم شدن جو و روح منفی بر کلاس (ایجاد استرس، اضطراب، ترس)

پایان سخن

معروف‌ترین، جدیدترین و قدرتمندترین آنتی‌ویروس برای مقابله و یا حذف این ویروس‌ها، نرم‌افزاری است به نام:

مطالعه، مطالعه و مطالعه

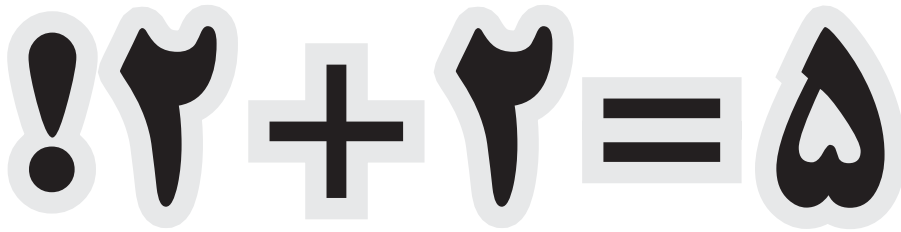
همکاران عزیز! شما چه قدر با این نرم‌افزار قدرتمند آشنا هستید و به تأثیرات شگرف آن در از بین بردن ویروس‌ها اعتقاد دارید؟

بی‌نوشت

1. Multiple intelligence

منابع

۱. طاهره رستگار. ارزش‌یابی در خدمت آموزش. انتشارات منادی تربیت.
۲. منوچهر فضلی‌خانی. روش‌های فعال تدریس. انتشارات تربیت.
۳. هاوارد گاردنر. هوش‌های چندگانه در کلاس درس. ترجمه‌ی مهشید صفری. انتشارات مدرسه.
۴. رشد آموزش رانمایی. شماره‌ی ۴. دی ۱۳۸۷.



کاربرد هوش‌های چندگانه در تدریس مفاهیم جمع اعداد در ریاضی دوره‌ی ابتدایی

سید علی عبداللهی حسینی

مدرس مرکز تربیت معلم حضرت فاطمه زهرا (س) - قائم‌شهر

علی لطفی

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

سرآغاز

شناسایی و پرورش تمام هوش‌های بشری و کلیه‌ی ابعاد و توان‌مندی‌های هوشی دانش‌آموزان، اهمیت بسیاری دارد. براساس نظریه‌ی پروفیسور **هاوارد گاردنر**، ما انسان‌ها همگی از نظر هوش و توانایی کاربرد هوش‌های چندگانه تفاوت داریم، چون از توانایی و پتانسیل ذهنی و هوشی متفاوتی برخورداریم. به اعتقاد گاردنر، تشخیص این امر توسط معلمان موجب می‌شود تا آنان با مشکلات درسی، برخورد خلاق‌تر و مناسب‌تری داشته باشند؛ به‌ویژه اگر بتوانیم روش تدریس خودمان را روی هوشی متمرکز کنیم که دانش‌آموزان بیشتر دوست دارند و انتظار دارند که معلم در آموزش خود از آن هوش بیشتر استفاده کند، مناسب‌تر خواهد بود. گاردنر در نظریه‌ی هوش‌های چندگانه سعی کرده است تا حوزه‌ی توانایی‌های خلاق و استعداد‌های دانش‌آموزان را به آن سوی مرزهای هوش و ذهن معمول بکشاند. نظریه‌ی گاردنر شیوه‌ای را از یادگیری و یاددهی خلاق و اثربخش ایجاد می‌کند که می‌توان به‌وسیله‌ی آن، نه تنها روش‌های تدریس دانش‌آموزان، بلکه شیوه‌ی ارزش‌یابی خود را با قرار دادن آن‌ها در یک طرح درس خلاق و بهره‌بردارای آموزشی از هشت مقوله‌ی هوشی و ذهنی متفاوت، بازنمایی خلاق کرد. با شناخت دقیق هوش‌های چندگانه و استفاده‌ی بجا و صحیح از آن‌ها، معلم می‌تواند به پرورش خلاقیت و یادگیری بیشتر دانش‌آموزان کمک کند.

مفهوم جمع‌های اساسی به‌ویژه **جمع‌های اساسی نوع اول و دوم**، از جمله مفاهیم بنیادی در ریاضیات دوره‌ی ابتدایی است که در آموزش آن باید دقت و ویژه‌ای مبذول داشت؛ چرا که اگر در آموزش جمع‌های اساسی، تنها به تکرار و تمرین یک‌نواخت اکتفا شود، نه تنها موجب خستگی، کسالت و دل‌زدگی دانش‌آموزان خواهد شد، بلکه به درک عمیق و ماندگار ذهنی دست نخواهند یافت. لذا به خاطر اهمیت این موضوع، در مقاله‌ی حاضر چند فعالیت را که هر یک بر مبنای هوشی ویژه طراحی شده است، ارائه می‌کنیم. آموزگاران محترم در هر جلسه می‌توانند ترکیبی از آن‌ها را (یا هر فعالیت را در یک جلسه) اجرا کنند. امید آن که نگاه آموزگاران محترم به الگوهای نوین تدریس و فعالیت‌ها، نگاهی خودباورانه و تحول‌آفرین باشد.

فعالیت ۱: بر مبنای هوش لفظی-زبانی

دانش‌آموزان گرچه این روش را ساده‌ترین روش انجام تکالیف خود می‌دانند، ولی علاقه و شوق چندانی به آن ندارند. خیلی سریع از این روش خسته می‌شوند و در مقابل آن مقاومت می‌کنند. در کلاس‌هایی که معلمان از این هوش زیاد استفاده می‌کنند، بی‌توجهی و یا پراکندگی کلاس زیاد است.

□ برای دانش‌آموزان داستان‌هایی را تعریف کنید که در آن عمل جمع کردن را به کار گیرند. مثلاً داستان دو اردکی که در فصل تابستان

توانایی هوش لفظی-زبانی یعنی توانایی به کارگیری درست لغات در گفت‌وگو، نگارش و یا به‌صورت شفاهی. هوش لفظی-زبانی نسبت به انواع دیگر هوش، در کلاس‌های آموزشی ما بیشتر کاربرد دارد، ولی خلاقیت این هوش در تدریس کم است. زیرا روش سخن‌رانی، از کم‌اثرترین روش‌های تدریس و گسترده‌ترین یا رایج‌ترین روش‌هایی است که از این هوش حاصل شده است.

فعالیت ۲: بر مبنای هوش تجسمی - فضایی

یعنی توانایی و قدرت ذهنی درک درست جهت یابی شخصی، زمانی و مکانی به صورت تجسمی - فضایی. کودکان ابتدایی سریع به سمت تخیل می روند. معلمی که از این هوش و توانایی استفاده نمی کند، خیال پردازی دانش آموزان را مانع یادگیری می داند، درحالی که تجسم کردن و فضا سازی ذهنی، باعث رشد خلاقیت کلامی یا منطقی - ریاضی دانش آموزان می شود.

الف) برای آموزش خاصیت جابه جایی عمل جمع، از تصاویر گوناگونی استفاده کنید.

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

ب) می توانید به دانش آموزان جدول هایی مانند جدول اعداد مثلاً ۰ تا ۱۵ بدهید و از آن ها بخواهید اعدادی را که جواب جمع آن ها ۱۰ می شود، پیدا کنند و رنگ بزنند.

۰	۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۵	۱۳
۱۴	۱۵			

فعالیت ۳: هوش برون فردی

هوش میان فردی یعنی توانایی درک و تمایز حالات چهره، صداها، ایماها و اشاره ها، وقتی اعتماد به نفس دانش آموزان رشد کند، نه تنها خلاقیت آن ها بیشتر می شود، بلکه احساسات و اندیشه های خود را راحت تر بیان می کنند. بنابراین، خلاقیت های برون فردی وقتی افزایش می یابد که بتوانید از هوش برون فردی دانش آموزان خوب بهره ببرید.

خوب گوش دادن، خوب بیان کردن ایده ها و اندیشه ها، از همین هوش ناشی می شود. دانش آموزی که بتواند دیدگاه علمی خودش را به صورتی بیان کند که کلاس را تحت تأثیر قرار دهد، از خلاقیت در هوش برون فردی بالایی برخوردار است. بنابراین، دانش آموزان هنگام یادگیری، بحث و گفت و گو را از طریق این هوش یاد می گیرند.

□ از دانش آموزان بخواهید با دوستان یا والدین خود، در مورد کاربرد جمع در هر شغلی، مصاحبه و نتایج را ثبت کنند و به صورت انشا یا روزنامه ی دیواری ارائه دهند.

فعالیت ۴: هوش منطقی - ریاضی

هوش منطقی - ریاضی یعنی استفاده ی درست از اعداد و ارقام و بیان استدلال منطقی و درست. کاربرد خلاق این هوش، مستلزم دقت، هوشیاری و شناسایی الگوها و روابط منطقی گزاره ها و دیگر امور انتزاعی در درس و خارج از درس مربوطه است. هوش منطقی - ریاضی کمک می کند تا بتوانیم به همه چیز سر و سامان بدهیم. شاگردانی که

درحالی که هوا خیلی گرم بود، در برکه ی آب شنا می کردند. چند اردک هم از کنار برکه عبور می کردند تا این که از بین آن ها، سه اردک داخل برکه و برای شنا پریدند. سپس از کودکان پرسید:

در این برکه چند اردک در حال شنا کردن بودند؟ (دانش آموزان می توانند خود نیز داستان هایی از این قبیل بسازند و برای هم کلاسی ها تعریف کنند. سپس پرسش هایی را در مورد جمع کردن از دانش آموزان پرسید). تکنیک قصه گویی در دانش آموزانی که از هوش لفظی - کلامی بالایی برخوردارند، انگیزه و علاقه ی بالایی ایجاد می کند. با اجرای این فعالیت به صورت نوشتاری، مثلاً از طریق شعر، تدوین نمایش نامه، یا تهیه ی روزنامه ی دیواری، شاگردان کلاس تکالیف خود را انجام می دهند.



هوش منطقی- ریاضی خوبی دارند، توانایی حل مسئله‌ی بیشتری نیز دارند و امکان تفکر واگرای آن‌ها بیشتر است. هوش منطقی- ریاضی کمک می‌کند تا شاگردان از یادگیری بیشتر لذت ببرند و با استفاده از روش حل مسئله، در برخورد با مشکلات زندگی خلاق‌تر عمل کنند. اگر انسان از هوش منطقی- ریاضی خود به شکل خلاق و نوینی بهره‌برداری کند، در زمان کمتر نتایج بیشتری از یادگیری به‌دست می‌آورد.

به دانش‌آموزان روش‌هایی در مورد جمع اعداد ارائه دهید. مثلاً بگویید: اگر جمع دو عدد $7+7$ می‌شود 14 ، بنابراین جمع دو عدد $7+8$ که یکی بیشتر از حاصل جمع دو عدد قبلی است، می‌شود 15 . دانش‌آموزان می‌توانند این تمرین را در جمع‌های دیگر بررسی کنند.

فعالیت ۵: هوش طبیعت‌گرایی

در این فعالیت، پرسش‌هایی از این قبیل را مطرح کنید: با استفاده از عمل جمع بگویید که در یک خانواده‌ی سه‌نفری، تعداد چشم‌های اعضای خانواده چند تاست؟ تعداد انگشتان دست چپ در اعضای خانواده‌ی شما چند تاست؟ می‌توانید دو دانش‌آموز را به جلوی کلاس بیاورید و از آن‌ها بخواهید که تعداد انگشتان پاهای راست خود را با کمک جمع به دست آورند و... هم‌چنین با کمک تصاویر حیوانات، حشرات و یا گیاهان نیز می‌توانید مفهوم جمع کردن اعداد را آموزش دهید.

فعالیت ۶: هوش بدنی- حرکتی

هوش بدنی- حرکتی یعنی مهارت در به‌کارگیری کل بدن برای یادگیری و بیان افکار و احساسات و مهارت‌های فیزیکی. اگر در آموزش ابتدایی، هوش بدنی- حرکتی به‌صورت خلاق به‌کار گرفته شود، کمترین میزان افت تحصیلی را خواهیم داشت. وقتی بچه‌ها موضوعی را با به‌کارگیری کل بدن خود یاد می‌گیرند، هیچ‌گاه آن را فراموش نمی‌کنند.

بازی بهترین روش تقویت و رشد هوش بدنی- حرکتی است. بنابراین، هرچه آموزش از طریق بازی صورت پذیرد و بتوانیم از بازی‌ها برای رشد این هوش استفاده کنیم، تربیت و آموزش ما موفق‌تر می‌شود.

در این روش، درگیری فعال دانش‌آموزان ابتدایی با مفاهیم عددی ریاضی مطرح است. در واقع در این روش می‌توان عملیات و مفاهیم ریاضی را به‌سادگی به انواع بازی تبدیل کرد؛ بازی‌هایی که آموزشی و خیلی موفقیت‌آمیز هستند. **سالنر** در سال ۱۹۸۱ با پژوهش و تحقیق متوجه شد که فعالیت سبب تسریع در یادگیری می‌شود. یعنی نتایج تحقیقات سالنر نشان داد که یادگیری (اعم از یادگیری مفاهیم ریاضی) همراه با حرکت (بازی‌ها) بهتر صورت می‌گیرد. در این گونه بازی‌ها،

دانش‌آموزان هم فعالیت جسمی دارند و هم فعالیت ذهنی. □ دو گروه دو نفری از دانش‌آموزان را انتخاب و سپس جدول اعداد (۱ تا ۲۰) را روی زمین پهن کنید (یا با گچ روی کف زمین این جدول را رسم کنید). به هر گروه یک عبارت جمع بگویید. اعضای هر گروه باید بلافاصله با شنیدن عبارت جمع، حاصل آن را با مشورت هم، به طور ذهنی محاسبه کنند و بلافاصله روی عدد آن جواب در جدول اعداد، همراه با یک شیرین‌کاری (جفت‌پا یا لی‌لی و...) بپزند. بازی با سوت معلم آغاز می‌شود. هر گروهی که بدون اشتباه روی جواب مورد نظر برسد، برنده‌ی بازی است.

یادآوری: آموزگاران محترم می‌توانند این فعالیت را به‌صورت انفرادی هم به‌اجرا درآورند.

۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰

فعالیت ۷: هوش درون‌فردی

هوش درون‌فردی یعنی توانایی شناخت خود و ساخت تصویر ذهنی مثبت از خود و دیگران و توانایی عملکرد مناسب براساس توانایی ذهنی، ارزش‌ها و قضاوت‌های شخصی. این هوش مستلزم داشتن تصویری روشن از توانایی‌ها و محدودیت‌های فردی است. علاوه بر این، میزان آگاهی از حالات درونی، مقاصد، انگیزه‌ها، خلق و خو و تمایلات، یک نشانه از توانایی در این هوش است. میزان خویشتن‌داری، انضباط فردی، ادراک و عزت‌نفس نیز جنبه‌ی دیگری از هوش درون‌فردی است. هرچه دانش‌آموز و معلم ابتدایی، از تفکر خلاق و توانایی احساس مثبت داشتن در یادگیری استفاده کنند، هوش درون‌فردی خلاق‌تری دارند.

□ به دانش‌آموزان تکلیفی دهید که در آن وضعیت یادگیری خود را ارزش‌یابی کنند. به این ترتیب که مثلاً بنویسند چه جمع‌هایی را راحت‌تر می‌توانند انجام دهند. در جمع کدام یک از اعداد مشکل دارند و در کدام قسمت باید تمرین کنند. از آن‌ها بخواهید نظر خود را در مورد تمرین‌هایی که به آن‌ها کمک می‌کند تا جمع اعداد را بهتر یاد بگیرند، بنویسند. در این صورت، هوش درون‌فردی آن‌ها فعال خواهد شد.

منابع

۱. حاجی حسین‌نژاد، غلامرضا و بالغی‌زاده، سوسن ۱۳۸۶. آموزش ریاضی ویژه کودکان عادی و دیرآموز با توجه به رویکرد اسپکتروم (پیش‌دبستانی و دبستانی). جهاد دانشگاهی. واحد تربیت‌معلم، تهران.
۲. صحرایی، الهام ۱۳۸۶. بهبود وضعیت آموزش ریاضی و چالش‌های پیش‌روی روش‌های یاددهی و یادگیری ریاضی در دوره‌ی ابتدایی. مقاله‌ی ارائه شده در نهمین کنفرانس آموزش ریاضی ایران، زاهدان.

3. <http://way-of-new-learning.blogfa.com/post-20.aspx>

4. <http://www.isf.medu.ir/IranEduthms/theme2/cnntntpage.php?pgid=31&rcid=78>

شیر کوچولو وارد می شود...

تجربه‌ای در توسعه‌ی مهارت خواندن با توجه به نوشتن

شهین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

داستان‌گویی و شخصیت‌پردازی از عناصری هستند که می‌توانند در تقویت مهارت‌های «شنیدن»، «حرف زدن»، «خواندن» و «نوشتن» به کار آیند. خیلی فکر کردم که این دو عنصر را چگونه می‌توانم در کتاب بخوانیم و بنویسیم به کار گیرم؟ کتاب «بنویسیم» را بارها ورق زدم تا به این نتیجه رسیدم که از شخصیت شیر کوچولو، استفاده کنم. ابتدا صورتکی از مقوا به شکل شیر کوچولو تهیه کردم. هنگام درس «بنویسیم»، آن را به چهره می‌زدم و با اجازه گرفتن از بچه‌ها، وارد کلاس می‌شدم. این کار باعث جلب توجه و تمرکز فراگیرندگان می‌شد. سپس با تغییر لحن و آهنگ صدا، خود را معرفی می‌کردم:

سلام، سلام ای دختر، شهر شما آمده‌ام، از راه دور آمده‌ام...

و سپس شروع می‌کردم به بیان قصه‌ای کوتاه به این ترتیب: بله، از جنگل‌های دور دست و پشت کوه‌های بلند آمده‌ام که این‌جا خستگی به در کنم.

و... حالا شما چه می‌کنید؟ بچه‌ها یک صدا می‌گفتند: «می‌نویسیم». آن‌گاه شیر کوچولو می‌گفت: «من تمرین‌ها را می‌خوانم، شما پاسخ دهید.»

تمرین‌ها را چندبار با صدای رسا و مناسب (گاهی با تغییر لحن و آهنگ) می‌خواندم و بچه‌ها شروع به فعالیت می‌کردند. شیر کوچولو به فراگیرندگان سرکشی می‌کرد و تذکراتی لازم را می‌داد، تا وقتی که چند دانش‌آموز که از نظر خواندن مشکل نداشتند، داوطلب اجرای نقش می‌شدند و کم‌کم به تعداد داوطلبان اضافه می‌شد. چون در نظر بود که همه شرکت فعال داشته باشند، بعدها قرار گذاشتیم که به ترتیب اسامی دفتر کلاسی، هر روز یک نفر نقش شیر کوچولو را بازی کند. فراگیرندگانی که خجالتی و یا در خواندن کند بودند، شب قبل تمرین می‌کردند تا در خواندن تمرین‌ها و یا قصه‌سازی و یا بقیه‌ی فعالیت‌های کلاس، دچار مشکل نشوند. به این ترتیب، یک‌بار دیگر خواندن و نوشتن مکمل یک‌دیگر می‌شدند.



مسابقه‌ی توپ و گل

یک بازی در ریاضیات برای آشنایی با مفهوم «مجهول‌یابی در جمع»

شهبین دیواندری

آموزگار دبستان دکتر شریعتی و سرگروه پایه‌ی اول، سبزوار

یکی از مفاهیم اساسی و نسبتاً مشکل در پایه‌ی اول ابتدایی، مجهول‌یابی در جمع است. به همین دلیل، برای یادگیری بهتر و عمیق‌تر دانش‌آموزان، بازی زیر را طراحی کرده‌ام.

تعداد بازیکنان: مشارکت فعال تمام کلاس (به صورت انفرادی)

وسایل: توپ و دروازه

مکان: حیاط مدرسه یا کلاس

هدف: مجهول‌یابی در جمع

عکس: اعظم لاریجانی

روش بازی

برای هر دانش‌آموز یک ورق کوچک کاغذ که اسم او روی آن نوشته شده است، آماده می‌کنیم. البته می‌توان برای هر دانش‌آموز، عددی هم در نظر گرفت تا بعد در کنار آن عدد، آن چه را که نتیجه‌ی فعالیتش است، بنویسد. بچه‌ها را به حیاط مدرسه

می‌بریم و به صف می‌کنیم. فاصله‌ی دروازه‌ی هندبال را از نقطه‌ی پرتاب توپ به تناسب سن

آن‌ها تعیین می‌کنیم، به طوری که برخی از دانش‌آموزان نتوانند همه‌ی توپ‌ها را به دروازه وارد

کنند. هر دانش‌آموز مثلاً پنج بار توپ را از فاصله‌ی معین و پشت‌سر هم، به طرف دروازه

پرتاب می‌کند. تعداد گل‌های هر دانش‌آموز را روی ورقه‌ی مربوط به خودش یادداشت

می‌کنیم. به همین ترتیب، تمام دانش‌آموزان به نوبت در مسابقه شرکت می‌کنند.

چون دانش‌آموزان به بازی و گل‌زدن و ورزش علاقه دارند، این بازی برای آن‌ها

بسیار جذاب خواهد بود.

بعد از پرتاب توپ توسط تمام دانش‌آموزان، در همان زنگ یا زنگ بعد

وارد کلاس می‌شویم. عدد مورد نظر مثلاً پنج را روی تخته می‌نویسیم.

سپس نام هر دانش‌آموز را می‌خوانیم، او به جلوی کلاس می‌آید و با

او درباره‌ی مسابقه و گل‌زدن، پرسش و پاسخ می‌کنیم:

متین جان چند تا گل زدی؟ ۳ تا.

چند تا توپ پرتاب کردی؟ ۵ تا.

اگر چند گل دیگر می‌زدی، ۵ تا گل داشتی؟ ۲ تا.

به این ترتیب، به مجهول $۳+۲=۵$ می‌رسند. از

دانش‌آموزان می‌خواهیم این عدد را در دفتر خود

یادداشت کنند.

مزیت این بازی در متنوع بودن آن است. چون

عدد مجهول هر دانش‌آموز با دانش‌آموز دیگر

متفاوت است و بچه‌ها می‌خواهند بدانند بقیه‌ی

دوستانشان چه کرده‌اند و چند گل دیگر باید می‌زدند.

برای ایجاد تنوع، می‌توان تعداد ضربه‌ها را بیشتر کرد

تا دانش‌آموزان با اعداد بزرگ‌تر هم آشنا شوند.



آیا مجلات رشد مخاطبان خود را می‌شناسند؟

حمیدرضا یوسفی

رئیس گروه تکنولوژی آموزشی خراسان رضوی

تصویرگر: فریباندی

با نگاهی به داستان شازده کوچولو، نوشته‌ی اگزوپری

● اول

خواندنی را برای فراگیرنده فراهم می‌کنند، چرا که مطالب متنوع، کیفیت عالی، صفحه‌آرایی و تصویرگری هنرمندانه و چشم‌نواز و مطابق با هر ذوق و سلیقه‌ای، مخاطبان خاص خود را جذب می‌کند. اگر مجلات رشد با برنامه و طرح‌های عالمانه در اختیار مخاطب قرار گیرد، لذت انتظار، لذت خرید، لذت نگاه‌داری و... را در اختیار مخاطب خواهد گذاشت و مخاطب را اهلی خواهند کرد.

بر این باوریم که هدف آموزش و پرورش، باید تربیت دانش‌آموختگانی اهل مطالعه و کتاب باشد. فراگیرندگان ما کتاب‌خوان نخواهند شد، مگر این‌که یاد بگیرند لذت ببرند، لذت از کتاب، لذت از خواندن کتاب و هرچه در ارتباط با کتاب است. فرزندان ما باید لذت ببرند از خرید کتاب، نگاه‌داری کتاب، رفتن به کتاب‌خانه و...

● دوم

در بخشی از شاهکار اگزوپری در کتاب «شازده کوچولو» می‌خوانیم:
شازده کوچولو به روباه می‌گوید: «بیا با هم دوست شویم.» روباه می‌گوید، من برای دوستی با تو، باید توسط تو اهلی شوم. شازده کوچولو می‌پرسد اهلی شدن یعنی چه؟ روباه فرایند اهلی شدن را توضیح می‌دهد. در این بین شازده کوچولو می‌فهمد که اهلی شدن یعنی دوست داشتن و به دوست عادت کردن. بنابراین می‌گوید: «فکر می‌کنم گلی در سیاره‌ی من هست که مرا اهلی کرده است.» و روباه می‌گوید که بعید نیست. در یکی از مراحل اهلی شدن روباه، روباه به شازده کوچولو اعتراض می‌کند که چرا حالا آمده‌ای؟ تو باید سرفرار و سر ساعت بیایی. اگر قرار باشد هر وقت و بی‌وقت سروکله‌ات پیدا شود، پس من چه‌طور باید منتظر تو باشم؟

● چهارم

مدتی بعد، زمان خداحافظی فرا رسید. روباه گریه کرد. شازده کوچولو گفت: «تو خودت مقصر هستی. خودت خواستی اهلی شوی.» روباه گفت: «همین‌طور است و گریه کرد.»
اگر مخاطب مجلات رشد که خانواده‌ی آموزش و پرورش و در نهایت تمامی جامعه‌ی این مرز و بوم را دربرمی‌گیرد اهلی شوند، در نبود کتاب در منزل و دسترسی نداشتن به منابع خواندنی و مطالعاتی، دل‌گیر می‌شوند.
«اهلی کنیم برای لذت‌بردن، لذت ببریم برای دغدغه داشتن.»

چالش:

مجلات رشد تا چه اندازه توانسته‌اند مخاطبان خود را بشناسند و به قول اگزوپری، آن‌ها را اهلی کنند؟
حمیدرضا یوسفی - یکی از اهلی‌شدگان مجلات رشد، از مشاهد

● سوم

به نظر می‌رسد مجلات رشد بستر مناسبی برای اهلی کردن مخاطب خود است؛ اگر عالمانه توزیع شود و با برنامه‌ریزی در اختیار مخاطب قرار گیرد. این مجلات لذت خواندن و لذت درگیری با مطالب

آیا هر گردی دایره است؟

فاطمه ملکی جلی

کارشناس ارشد ریاضیات

مدرس مرکز تربیت معلم زینبیه‌ی پیشوا

توضیحی کوتاه درباره‌ی اصطلاح رایج‌شده‌ی گردی به جای دایره

گردی

این، یک اصطلاح متداول در دوره‌ی پیش‌دبستانی و پایه‌ی اول ابتدایی است. در برخورد با همکاران خود متوجه شدم افراد بسیاری نظرات گوناگونی درباره‌ی مفهوم گردی دارند، به طوری که بعضی معتقدند گردی فقط دایره است، ولی بعضی دیگر معتقدند بیضی نیز می‌تواند گردی باشد. پس درصدد یافتن مفهوم گردی برآمدم و نتایج زیر را به دست آوردم: در منابع ریاضی، دایره و بیضی تعریف شده‌اند، ولی برای گردی تعریفی بیان نشده است. اما مطابق با لغت‌نامه‌ی دهخدا، تعاریف زیر برای دایره و بیضی و گردی بیان شده است.



تعریف دایره

۱. در اصطلاح هندسی شکلی باشد مسطح و مدور که خطی گردِ وی را گرفته است.
۲. تعریف **ابوریحان بیرونی** از دایره: شکلی است بر سطحی که گرد بر گرد او خطی بود که نام آن محیط است.
۳. خطی گرد که دور چیزی را احاطه کرده باشد.
۴. خط گرد - هر خط گرد.



تعریف بیضی

منحنی مسدود واقع در یک صفحه که مجموع فواصل هر نقطه‌ی آن از دو نقطه‌ی ثابت واقع در صفحه، مقدار ثابتی باشد.

تعریف گردی: تدویر، استداره و کرویت.

تعریف گرد: مستدیر، چرخ.

تعریف گرد بریدن: چیزی را دایره بریدن.

با توجه به تعاریف بالا که همگی از لغت‌نامه‌ی دهخدا استخراج شده‌اند، به وضوح درمی‌یابیم گردی فقط دایره است. البته اصطلاحات و صحبت‌های موجود در محاوره هم می‌تواند گویای این مطلب باشد. مثل ضرب‌المثل: «هر گردویی گرد است، ولی هر گردی گردو نیست.» در ضمن وقتی چهارگوش را برای دانش‌آموزان معرفی می‌کنیم، هر نوع چهارگوش، چه با نام شناخته شده و چه بدون نام شناخته شده، مثلاً  را یک چهارگوش معرفی می‌کنیم. پس اگر قرار باشد بیضی را که یک خم ساده‌ی بسته است و در داشتن مرکز و شعاع، با دایره اشتراکاتی دارد، گردی معرفی کنیم، باید بتوانیم شکلی شبیه  را که یک خم ساده‌ی بسته است و می‌تواند مرکز داشته باشد (چون هر شکل یک مرکز جرم دارد که از آن به حالت تعادل آویزان می‌شود) و هم‌چنین شعاع داشته باشد. (البته در بیضی دو شعاع تعریف می‌شود و در این شکل، شعاع‌های بیشتری را نیازمند خواهیم بود) نیز گردی بنامیم، که مسلماً چنین فرضی صحیح نیست.

ساده و کودکانه نویسی در آثار هوشو

پژوهشگر: نیره صفری، آموزگار پایه‌ی چهارم

استاد راهنما: دکتر معصومه خدادادی مهاباد

چکیده‌ی پژوهشی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی ورامین - واحد پیشوا

اشاره

آشنا بودن آموزگاران با ادبیات کودک و نوجوان امری ضروری است و از دیرباز، همواره در تربیت معلمان بر این نکته تأکید شده است. به اعتقاد برخی کارشناسان، آموزگاری که نتواند نام و آثار ده نویسنده، ده مترجم، ده شاعر، ده تصویرگر، ده ناشر برجسته، چند نشریه‌ی شناخته شده و چند مرکز مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان را فهرست کند، فاقد صلاحیت

تدریس برای دانش‌آموزان است. بر همین اساس، این گروه معتقدند، آموزگاران فهیم، باید از آخرین کتاب‌های منتشره برای دانش‌آموزان خود خبردار و حتی همه‌ی آن کتاب‌ها را دیده و خوانده باشند. با وجود این همه تأکید، به نظر می‌رسد برخی آموزگاران، از چنین توان‌مندی‌هایی برخوردار نیستند. به همین منظور در این شماره در صدد برآمده‌ایم ضمن معرفی چکیده‌ی یک پژوهش دانشگاهی که توسط آموزگاری محترم صورت پذیرفته است، خوانندگان گرامی مجله را اندکی در این فضا قرار دهیم. همان‌طور که مستحضرید، در سلسله مطالب «بیدپا در کلاس درس» (در سال‌های قبل ازوپ و لافونتن در کلاس درس) به‌طور غیرمستقیم، در پی آشنا ساختن آموزگاران با حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان هستیم.



هوشنگ مرادی کرمانی و مجید «قصه‌های مجید»

کلیدواژه‌ها: هوشنگ مرادی کرمانی، ادبیات کودک، کودکانه‌نویسی، ساده‌نویسی، کوتاه‌نویسی.

سرآغاز

چون که با کودک سروکار فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

مولوی

ادبیات کودک پس از انقلاب اسلامی، چهره‌های شاخصی را در شعر و داستان معرفی کرده است. یکی از نویسندگانی که در این سال‌ها نامش بر سر زبان‌هاست، هوشنگ مرادی کرمانی است که با زبان کودکانه و آن‌چنان که در بعضی آثارش پیداست، نام او را به صورت تلخیص شده «هوشو» نیز گفته‌اند. در آثار متعددی که از وی به چاپ



رسیده است، شخصیت محوری داستان‌های او را کودکان تشکیل داده‌اند و این خود ما را به این سمت سوق می‌دهد که آثار وی را در حیطه‌ی ادبیات کودک جای دهیم.

اگر کودکی مفاهیم دشوار اجتماعی، تربیتی و فرهنگی این آثار را با گوش جان می‌پذیرد، دلیل آن، هم‌پایی نویسنده با لحن و زبان اوست. در آموزش ابتدایی، ساده و کودکانه گفتن، یکی از ارکان آموزش است. بسیاری از معلمان با دانش فراوان، به دلیل رفتار و نوع کلام خاص با کودکان در سال‌های ابتدایی، از این مسئولیت سرباز می‌زنند. در این پژوهش به شکل تحلیلی به بررسی زبان و لحن در آثار مرادی کرمانی پرداخته شده است؛ ولی به دلیل حجم کمی که از سوی مجله در اختیارمان قرار گرفته، از ارائه نمونه‌های فراوان پرهیز کرده‌ایم.

ساده‌نویسی و کودکان‌نویسی

زبانی که در آثار هوشنگ مرادی کرمانی دیده می‌شود، زبانی است که هر لحظه و دقیقه‌ی ما را تشکیل می‌دهد. زبانی که در همه‌جا از خانه و کوچه و بازار گرفته تا مدرسه با آن روبه‌رو هستیم. زبانی که می‌توان آن را در پشت نیمکت‌ها دید و در انشاهای بچه‌ها آن را حس کرد. اما گذشته از این‌ها، زبان در محور افقی و به دنبال آن در محور عمودی در داستان‌های مرادی کرمانی در هر برهه‌ای از زمان و از زبان هر شخصیتی (چه کودک و چه بزرگسال) ساده و بی‌تکلف است.

درس سوم «کتاب بخوانیم» سال چهارم دبستان (سال‌های دور از خانه) نوشته‌ی مرادی کرمانی علاقه‌ی کودکان را به این نوع سبک برمی‌انگیزد. شعرهای عامیانه توجه خاص دانش‌آموزان را جلب می‌کند و در مورد آن با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند. در بسیاری از داستان‌ها سادگی فکر کودکان نیز خود دست‌مایه‌ای برای ساده‌نویسی شده است. کودک در پی این نیست که بخواهد موقعیتی را پنهان کند. او به راحتی، هرچه هست، حتی آن‌چه را به نظر دیگران نقص و عیب است؛ به زبان می‌آورد و این خود نقش عمده‌ای در بیان ساده نوشتن یک اثر دارد.

ساده‌نویسی در حالی که باید باعث برقراری ارتباط با مخاطب شود، نباید کودک را درگیر پیچیدگی لفظها و عبارتها کند. کودکان‌نویسی باید حس کنجکاوی و استعداد مخاطبی مانند کودک را برانگیزد و در عین حال نباید منجر به سکون شود.

آموزگار نیز می‌تواند در پشت یک عبارت یا حرفی ساده، اندیشه‌ای والا و تفکری بزرگ را پنهان کند. هر چند مفهوم یک جمله شاید ساده و بی‌پیرایه باشد؛ اما کودک کنجکاو را بر آن می‌دارد که به کنکاش معانی و تفکر در آثار آن بپردازد.

کودکانه‌نویسی هرچند همراه با ساده‌نویسی است، اما تنها این روش نمی‌تواند برای کودک جذابیت ایجاد کند. کودکان‌نویسی فنون خاص خود را دارد. کودک در دنیای خود به دنبال راز و رمزهای جهان خویش است و داستان‌هایی که به عوالم و افکار او نزدیک است، می‌تواند برای او جذاب باشد. تخیلات و واقعیات هر کدام به اندازه و به‌جا می‌تواند مثمرتر باشد. اگر افراط و تفریط در هر کدام صورت بگیرد، مخاطب را از خود دور می‌کند. کودکان همان‌طور که در رؤیا سیر می‌کنند، واقعیات را هم دوست دارند.

ساده‌نویسی و کودکان‌نویسی مغایرتی با زیبایی‌نویسی ندارد. ساده‌نویسی توأم با زیبایی، مهارت خاصی می‌خواهد. سادگی و زیبایی، خود تشکیل‌دهنده‌ی دوران کودکی است. دنیای کودکان، دنیای سادگی و زیبایی است. استفاده از کلمات زیبا و عبارتهای زیبا به شیوه‌ی ساده، توانایی نویسنده را نشان می‌دهد. گاهی گروهی احساس می‌کنند پیچیدگی و دشواری و استفاده از کلمات سنگین و پرطمطراق می‌تواند بر زیبایی اثر بیفزاید. این روش شاید برای کسی که نویسنده‌ی را تجربه کرده است دشوار نباشد، اما سادگی یک اثر همراه با زیبایی‌نویسی دشواری‌های خاص خود را دارد. «فرم و پیچیدگی‌های خاص زبان بر این داستان‌ها غلبه ندارد و نیز چندان به زبان شاعرانه و صنعت کلامی نزدیک نیستند، هر چند در ذات ماجرا، حسی شاعرانه مستتر است.» (قوکاسیان: ۱۵۰)

«درویش، شب مهتاب، سرو، صدای نی، صدای جویبار و جیرجیرک‌ها و زمزمه‌ی نرم باد زیر گوش سرو مثل خواب بود، مثل خیال، مثل قصه.» (نخل: ۲۰)

کوتاه‌نویسی

«یکی دیگر از شگردهای خاصی که توجه مخاطب را در محور افقی زبان جلب می‌کند و در نتیجه به بار معنایی در محور عمودی اثر می‌افزاید، کاربرد جملات کوتاه است.» (سلاجقه: ۳۷)





کوتاهی جملات توجه کودک را جلب می‌کند، زیرا کودک با جملات طولانی و اطناب در متن خسته و دل‌زده می‌شود و گاهی نمی‌تواند مفاهیم را به هم ارتباط دهد. ایجاز در جملات، ذهن فراگیر کودک را آماده برای دریافت مفاهیم پیچیده می‌کند. گاهی حتی مخاطب بزرگسال نیز از طولانی بودن جملات سردرگم می‌شود و در راه خواندن یک اثر دچار خستگی شده و آن را رها می‌کند.

جملات کوتاه به علت آهنگین بودن به شعر نزدیک‌تر می‌شود و کودک صدای گوش‌نواز این عبارات را حس می‌کند.



کلمات گفتاری و محاوره‌ای

به‌کارگیری شکل گفتاری کلمات به جای شکل نوشتاری نیز بر سادگی زبان آثار مرادی کرمانی می‌افزاید. این روش به زبان کودکان نزدیک‌تر است و کلام و متن را برای کودکان قابل ادراک و فهم می‌کند. استفاده از کلمات به شکل گفتاری در اکثر آثار حوزه‌ی ادبیات کودک جایگاهی خاص دارد. مرادی کرمانی از جمله‌ی نویسندگانی است که از این امر بی‌بهره نمانده است و شاید بیشترین کاربرد از شکل گفتاری کلمات در آثار او دیده می‌شود.

نمونه‌ای از این ویژگی را از داستان «عاشق کتاب» که در «بخوانیم» کلاس پنجم به عنوان روان‌خوانی وجود دارد، بازگو می‌کنیم.



«گفتم: ممکنه بفرمایین بقیه‌ی صفحات کتاب را به چه کسی دادین؟...» (قصه‌های مجید: ۱۷)

در شکل گفتاری، اسلوب و چیدمان جملات نیز به هم می‌خورد و فعل و فاعل در جای همیشگی استفاده نمی‌شوند. این روش در ساده‌نویسی و کودکانه‌نویسی شگردی سازنده است. بسیار اتفاق افتاده است که کودکان از همان دوران ابتدایی که شروع به انشا نوشتن می‌کنند، خواستار استفاده از این روش هستند و با استفاده از این راه بهتر می‌توانند مطالب و مفاهیم خود را بیان کنند. پس اگر قصه و داستانی با استفاده از این روش نوشته شود، برای آن‌ها جذاب‌تر است.

«یه مشت خرما می‌ریزم تو جیبم و برو مدرسه.» (شما که غریبه نیستید: ۹۷)

نتیجه‌گیری

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده‌ای است که با زبان ساده و بی‌پیرایه و سبک خاص، توانسته است حتی با ظهور نویسندگان بی‌شمار، در بین مخاطبان جایگاه ویژه‌ای پیدا کند و مخاطبان وی از کودک و نوجوان تا بزرگسال می‌توانند با آثار او ارتباط برقرار کنند. شاید اثری خاص از بین کتاب‌های او جذاب‌تر بنماید، که این امری طبیعی است؛ اما از لابه‌لای هر اثر می‌توان نکات قابل توجهی را کشف کرد.

آموزگاری نیز در حیطه‌ی ابتدایی قوانین خاص خود را می‌طلبد. تجربه نشان داده است که کودکان به آموزگاری که هم‌کلام آن‌ها باشد، تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

مرادی کرمانی کوتاه‌نویسی و ساده‌نویسی را روشی برای به نمایش گذاشتن اندیشه‌های ملی و ایرانی و دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی کرده است. شاید اگر این افکار با پیچیدگی و دشواری همراه بود، این قدر توجه مخاطبان به‌خصوص کودکان را جلب نمی‌کرد.

آثار مرادی کرمانی در عین ساده بودن، ذهن خواننده را به تعمق و تحلیل وامی‌دارد و ساده‌نویسی آثار وی با زیبانویسی مغایرت ندارد. تصویرسازی نیز خود سبب می‌شود که آثار وی همان‌طور که مورد توجه فیلم‌سازان قرار می‌گیرد، کودکان را نیز به سمت خود بکشد؛ زیرا تصاویر و توصیف‌ها، مانند فیلم از جلوی چشمان مخاطب می‌گذرد و مفاهیم را به شکل دیداری درآورده و آسان جلوه می‌دهد. این شیوه‌ی خاص در نگارش قصه و داستان سبکی جدید را به وجود می‌آورد که می‌تواند راهنمای آموزگاران در تقابل گفتار و نوشتار با کودکان باشد.

فهرست منابع

۱. سلاجقه، پروین، صدای خط خوردن مشق، ۱۳۸۳، تهران.
۲. قوکاسیان، زاون، هوشو، قصه‌ها، فیلم‌ها، ۱۳۸۴، اصفهان.
۳. مرادی کرمانی، هوشنگ، شما که غریبه نیستید، ۱۳۸۷، تهران.
۴. _____، قصه‌های مجید، ۱۳۸۷، تهران.
۵. _____، نخل، ۱۳۸۷، تهران.

زادگاه حکیم نباتی

آشنایی با روستای تاریخی و سحرانگیز اوشتییین

حمید دهقان

اشاره

هرچند روستای مجن شاهرود و اوشتییین جلفا، صدها کیلومتر فاصله دارند، ولی تنها کافی است بر بال صفحات کاغذی رشد آموزش ابتدایی سوار و در سلسله‌مطالب روستاهای شگفت‌انگیز ایران، با این روستا آشنا شویم. در این شماره از مباحث ایران‌گردی مجله، به روستای تاریخی اوشتییین سفر خواهیم کرد. این شما و این هم روستای سحرانگیز سه‌طایفه‌ای آذربایجان.

همین مسیر، از میان درختان سربه‌فلک کشیده‌ی تبریزی، باغ‌های انار، گردو، انجیر، گیلاس، آلبالو، گلابی، انواع انگور و توت، سماق، زرشک، زغال‌اخته و ازگیل، هر رهگذری را به تماشا دعوت می‌کند. روستای اوشتییین از مراکز عمده‌ی کشاورزی، دام‌داری و باغداری منطقه‌ی ارسباران به‌شمار می‌آید و مرغوبیت میوه‌های آن شهرت فراوانی دارد. محصولات لبنی آن به حد وفور است و گندم و جو بیشترین تولید کشاورزی روستاست. علاوه بر این نوغان‌داری، زنبورداری و تولید پیلله‌ی ابریشم و صنایع دستی از جمله قالی‌بافی، در اوشتییین از فعالیت‌های دیگر مردم به‌شمار می‌آید. تولید ابریشم در این محل سابقه‌ی طولانی دارد. از سال‌های بسیار دور، صنعت تولید و پرورش کرم ابریشم از شهر اردوباد قفقاز به این روستا آمده است و کارگاه‌های تولید ابریشم این منطقه، واقعاً دیدن دارند. لحظه‌ای که روستا دیده می‌شود، لحظه‌ی شگفت‌انگیز و حیرت‌آوری است. خانه‌ها با معماری بسیار زیبا طوری قرار گرفته‌اند که پشت‌بام هر خانه، حیاط خانه‌ی دیگر است؛ کوچه‌باغ‌های باصفا و خانه‌های بدون حصار. و در این میان، عطر نان تازه از در خانه‌ها به بیرون می‌رسد و هر از راه رسیده‌ای دعوت می‌شود که نان تازه‌ی گل‌گلی را نوش جان کند.

زادگاه حکیم نباتی

اوشتییین زادگاه حکیم ابوالقاسم نباتی، شاعر پرآوازه‌ی آذربایجانی است. وی در سال ۱۲۱۵ ه.ق در روستای اوشتییین

در جایی شبیه بهشت، ۱۴ کیلومتری رود ارس، میان دره‌ای باشکوه، دو کوه سر به فلک کشیده «کیامکی» و «دوسته‌شا»، روستای سحرانگیزی را در آغوش گرفته‌اند که «اوشتییین» نام دارد. رود ارس از شمال و رودخانه‌ی هراس از جنوب آن روان‌اند و جنگل‌های انبوه کلیبر و ارسباران در اطراف روستا سربرافراشته‌اند. اوشتییین بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارد و نام خود را از مجموعه‌ی سه روستای هراس، سیاوشان و جعفرآباد گرفته است. به‌طوری که اوچ یا اوش در ترکی به معنای «سه» و تییین، به معنای طایفه است که در سه آبادی نام‌برده ساکن هستند. این روستا حدود هشت هکتار مساحت دارد و ۱۵۸ خانوار در آن ساکن‌اند. روستا آب و هوای منطقه‌ی ارسباران را دارد؛ هوا در مناطق جنوبی و کوهستانی، سرد است و در اطراف دره‌ی زیبای ارس، معتدل و مطبوع. زمستان‌های بسیار سرد و برف‌گیر به مناطق کوهستانی آن اختصاص دارد.

برای رسیدن به اوشتییین از مسیر تبریز-جلفا، پس از تماشای کلیسای تاریخی سنت استیانوس (که در فهرست جهانی یونسکو ثبت شده)، آسیاب خرابه و عبور از میان کوه‌های سربرافراشته‌ی شنتال و کیامکی، و سیر و سیاحت در کنار رود ارس، به منطقه‌ی مرزی ارمستان به نام **نوردوز** روستا می‌رسیم. امامزاده و برج معروف دوزال را طی می‌کنیم. پس از لحظاتی آرامش در غذاخوری سنتی در محل حمام قدیمی، مجموعه‌ی تاریخی **عباس میرزا**، شاهزاده‌ی قاجار، در منطقه‌ی کردشت که به دشت زیباویان شهرت دارد، از سه‌راهی هراس، روستای اوشتییین آهسته و آرام به استقبال می‌آید. در



نمایی از روستای اوشتیبین



بچه‌های مدرسه‌ای، چند قدم آن طرف‌تر از مدرسه، با چوب‌های بازی

تابع آموزش و پرورش شهرستان کلپور بود و بعد از آن تاریخ، امور آن به آموزش و پرورش شهرستان جلفا محول شده است.

مردم مهربان روستا

مردم مهربان و مهمان‌نواز روستای اوشتیبین هنگام ترک روستا تا مسافت زیادی ما را بدرقه کردند و نوجوانان و سالمندان با ما عکس دسته‌جمعی گرفتند. ما هم هنگام خداحافظی، برای فراوانی بیشتر محصولات باغ‌های پرمیوه و گشایش مدرسه‌ی دوره‌ی متوسطه‌ی روستا دعا کردیم.

پی‌نوشت

۱. نگهداری کرم ابریشم و تولید ابریشم را نوغان‌داری گویند.

به‌دنیا آمد و پس از سیر و سلوک فراوان در سال‌های پایانی عمر خود تولیت بارگاه شیخ شهاب‌الدین اهری، قطب عارفان زمان خود را پذیرا شد. حکیم نباتی در سال ۱۲۶۲ هـ. ق زندگی را بدرود گفت و بنا به وصیت خود در روستای اوشتیبین به خاک سپرده شد. دیوان حکیم نباتی تاکنون بارها توسط مصححان گوناگون آماده و به چاپ رسیده است که معروف‌ترین آن‌ها مجموعه‌ای است دوجلدی که هم‌زمان با بزرگداشت نباتی، توسط دکتر حسین محمدزاده صدیق، آماده و به چاپ سپرده شده است.

آثار تاریخی

اهالی اوشتیبین فرهنگ و اصالت خود را حفظ کرده‌اند و آداب و رسوم تاریخی نیاکان خود را ارج می‌نهند. کتیبه‌هایی به خط ثلث مربوط به دوره‌ی شاه طهماسب و بهادرخان صفوی، کتاب‌های خطی، سکه‌ها، کتیبه‌ها، سرستون‌های چوبی و سنگ قبرهای مربوط به قرن نهم هجری، همه نشان از گذشته‌های طولانی و افتخارآمیز دارند. کتیبه‌ی مرمرین آرام‌گاه **خواجه ملک کدخدا**، عارف دوره‌ی قاجاریه و کتیبه‌ی دیگری مربوط به **خواجه احمد نامی**، سنگ‌نوشته‌های خانه‌ها و گورستانی قدیمی، از جمله آثار تاریخی به یادگار مانده در اوشتیبین محسوب می‌شوند.

پایگاه میراث فرهنگی

در سال ۱۳۸۷ با تملک یکی از خانه‌های روستا،

امکان استقرار دفتر پایگاه میراث فرهنگی که تا آن زمان در تبریز بود، فراهم شد. با تأسیس پایگاه در اوشتیبین، طرح‌ها و برنامه‌های مطالعات کاربردی، آسیب‌شناسی، نقشه‌برداری و مستندنگاری و حفاظت اشیای منقول به مرحله‌ی اجرا درمی‌آید. علاوه بر حفاظت از آثار تاریخی، مدیر پایگاه با راه‌اندازی سایت الکترونیکی و چاپ اقلام تبلیغاتی، این روستای ثبت‌شده در فهرست آثار ملی را به گردش‌گران داخلی و خارجی معرفی می‌کند.

مدرسه‌ی حکیم نباتی

روستای اوشتیبین یک مدرسه دارد که در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی دانش‌آموز می‌پذیرد. دانش‌آموزان روستا پس از پایان دوره‌ی راهنمایی یا باید به دبیرستان‌های شهر جلفا بروند یا از ادامه‌ی تحصیل بازمانند. مدرسه‌ی ابتدایی و راهنمایی روستای اوشتیبین تا سال ۱۳۸۷

این اصطلاحات چه معنایی دارند؟

بخش اول

یدالله رهبری نژاد

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

مروری بر بحث ارزش‌یابی کارایی درونی نظام آموزشی در دوره‌ی ابتدایی

اشاره

افت تحصیلی، ترک تحصیلی، درصد قبولی، بازده آموزشی و بسیاری اصطلاحات دیگر، از جمله مفاهیمی هستند که آموزگاران و سایر کارکنان شاغل در آموزش و پرورش، آن‌ها را بسیار به کار می‌برند، ولی در بسیاری موارد، آن‌چه که در ذهن بیان‌کننده‌ی اصطلاح وجود دارد، با آن‌چه که از لحاظ علمی از آن واژه به دست می‌آید، متفاوت است. از این‌رو، در این شماره و شماره‌ی هشت، برخی از این اصطلاحات به‌گونه‌ای که برایتان مفید باشند، تشریح می‌شود.

همه‌ی نظام‌های آموزشی علاوه بر آن‌که به دنبال تحقق اهداف معین و قصد شده هستند و همه‌ی فعالیت‌ها و برنامه‌های آن‌ها معطوف به تحقق آن‌هاست، لکن کیفیت‌بخشی و ارتقای کارایی، از جمله آرمان‌های ثابت و اساسی همه‌ی نظام‌های آموزشی است و اطلاق کارایی و اثربخشی به یک نظام، با اتکا به این مشخصه صورت می‌گیرد و به عنوان شاخصی برای قضاوت، تصمیم‌گیری، رتبه‌بندی و یا اعطای هرگونه امتیازی محسوب می‌شود.

ارزش‌یابی از کارایی نظام آموزشی در دو بعد صورت می‌گیرد:

الف) ارزش‌یابی کارایی درونی نظام آموزشی^۱

کارایی درونی معرف رابطه‌ی گذاشت به برداشت است. به عبارت دیگر، بیان‌گر چگونگی گذر تحصیلی دانش‌آموزان در هر دوره‌ی تحصیلی است و به بعد کمی عملکرد نظام آموزشی ناظر است. یکی از روش‌های مرسوم برای محاسبه‌ی کارایی درونی نظام آموزشی، روش **کوهرت**^۲ است. کوهرت یک اصطلاح جمعیت‌شناسی است و عبارت از گروهی جمعیت است که در یک دوره‌ی خاص دچار یکی از پدیده‌های مرگ و میر، مهاجرت و یا غیره می‌شوند و در اصطلاح نظام آموزشی، عبارت از گروهی از دانش‌آموزان است که وارد یک دوره‌ی تحصیلی می‌شوند و تا پایان دوره، عده‌ای قبول، عده‌ای مردود و عده‌ای نیز ترک تحصیل می‌کنند.

کارایی درونی هر نظام آموزشی، براساس سه شاخص محاسبه می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. نرخ اتلاف^۳

اتلاف همان‌گونه که از اسمش پیداست، به معنی ضایع کردن و به

در برنامه‌ریزی آموزشی، توجه به عنصر ارزش‌یابی، از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا رشد و تکامل هر نظام آموزشی، مستلزم اطلاع از کارآمدی آن و برنامه‌ریزی برای بهبود اقدامات در جهت تحقق هدف‌های آموزشی است.

از آن‌جا که ارزش‌یابی نقش آینه را برای نظام آموزشی ایفا می‌کند، لذا تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران ذی‌ربط می‌توانند از چگونگی وضع فعالیت‌ها تصویری به دست آورند و با استفاده از آن به منظور بهبود و پیشرفت فعالیت‌ها برای نیل به بازدهی، تصمیمات لازم را اتخاذ کنند.

رالف تایلر، بنیان‌گذار ارزش‌یابی آموزشی معتقد بود، برای بهبود برنامه‌های آموزشی، باید آن‌ها را ارزش‌یابی کرد. وی ارزش‌یابی را فرایندی اصلاح‌کننده می‌دانست و معتقد بود، فعالیت ارزش‌یابی باید برای تدوین یا تعریف هدف‌های آموزشی، اطلاعات مفید و دقیقی فراهم آورد. ارائه‌ی اطلاعات فراهم شده به مجریان آموزشی، به آن‌ها امکان می‌دهد تا درباره‌ی هدف‌های برنامه قضاوت کنند، چرا که ارزش‌یابی همواره قضاوت و تصمیم‌گیری را به دنبال دارد. به اعتقاد **بی‌بی‌بای**، ارزش‌یابی با چشم‌داشت به اقدامی معین صورت می‌گیرد و هرگونه تصمیم مبنی بر اصلاح، اجرا و یا عدم اجرای یک برنامه، به نتایج ارزش‌یابی وابسته است. به این معنی که هر برنامه به تأمین هدف یا هدف‌های معینی معطوف است، لذا تصمیم‌گیری در مورد هر برنامه نیز، الزاماً باید براساس میزان انطباق هدف‌های آن برنامه با بازده‌های واقعی آن انجام پذیرد و تعیین درجه‌ی این انطباق، منوط به اجرای ارزش‌یابی است.

گذر دانش‌آموزان از پایه‌های دوره‌ی ابتدایی

پایه‌ی تحصیلی سال تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فارغ‌التحصیلان
۱۳۶۵	۱۰۰۰					
۱۳۶۶	۲۶۴	۶۹۴				
۱۳۶۷	۷۰	۳۳۸	۵۲۷			
۱۳۶۸		۱۲۵	۳۹۴	۳۷۲		
۱۳۶۹			۱۹۷	۳۹۰	۲۴۷	۱۱۲
۱۳۷۰				۲۵۶	۳۸۵	۱۷۶
۱۳۷۱					۲۶۶	۳۵۳
						۶۴۱

E معادل Enrollment، به معنای تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نام شده است.

R معادل Repetition، به معنای تعداد دانش‌آموزان مردود شده است.

P معادل Promotion، به معنای تعداد دانش‌آموزان قبول شده است.

D معادل Drop-out، به معنای تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده است.

این جدول با این فرض تنظیم شده است که دانش‌آموزان می‌توانند تا سه سال در یک پایه (دو سال روزانه) ثبت‌نام کنند.

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۶۵، تعداد ۱۰۰۰ نفر در پایه‌ی اول ابتدایی ثبت‌نام کرده‌اند و تا پایان همان سال، تعداد ۶۹۴ نفر قبول، ۲۶۴ نفر مردود و ۴۲ نفر ترک تحصیل کرده‌اند. تعداد ۶۹۴ نفر قبولی پایه‌ی اول، سال بعد در پایه‌ی دوم ثبت‌نام کرده‌اند که تا پایان سال تعداد ۵۲۷ نفر قبول، ۱۵۵ نفر مردود و ۱۲ نفر ترک تحصیل کرده‌اند.

تعداد ۱۵۵ نفر مردودی پایه‌ی دوم سال ۶۶ و تعداد ۱۸۳ نفر قبولی پایه‌ی اول سال ۶۶، به‌طور مشترک در پایه‌ی دوم سال ۶۷ ثبت‌نام

هدر دادن است و نرخ آن در هر نظام آموزشی، از طریق تقسیم نرخ واقعی بر نرخ ایده‌آل به دست می‌آید.

$$\text{نرخ واقعی} = \frac{\text{نرخ واقعی}}{\text{نرخ ایده‌آل}}$$

نرخ واقعی نیز از طریق تقسیم مجموع کودکان تحت تعلیم واقعی بر مجموع فارغ‌التحصیلان در پایان دوره به دست می‌آید.

$$\text{نرخ واقعی} = \frac{\text{مجموع کودکان تحت تعلیم واقعی}}{\text{مجموع فارغ‌التحصیلان واقعی}}$$

اینک چگونگی محاسبه‌ی نرخ اتلاف در هر دوره‌ی آموزشی را در جدول زیر دنبال می‌کنیم:

برای شناخت هر چه بهتر داده‌های جدول، بهتر است با اسامی هر یک از اعداد جدول که در قسمت‌های گوناگون نوشته شده است، آشنا شویم.

D
E
R
P

کرده‌اند (وضعیت‌های یاد شده، تقریباً در اغلب پایه‌های دیگر مشاهده می‌شود).

ایدهال این بود که همه‌ی ۱۰۰۰ نفر دانش‌آموزان ورودی به پایه‌ی اول، در سال ۱۳۶۸ از دوره‌ی ابتدایی فارغ‌التحصیل می‌شدند، ولی واقعیت غیر از این را نشان می‌دهد. به نحوی که تعداد ۱۱۲ نفر بعد از پنج سال، ۱۷۶ نفر بعد از شش سال و ۳۵۳ نفر بعد از هفت سال فارغ‌التحصیل شده‌اند و در مجموع تعداد ۶۴۱ نفر از دوره‌ی ابتدایی فارغ‌التحصیل شده‌اند.

نرخ اتلاف روند تحصیلی دانش‌آموزان جدول یاد شده که تصویری فرضی از یک نظام آموزشی است، به شرح زیر است:

$$= 5 = \frac{1000 \times 5}{1000} = \frac{\text{مجموع دانش‌آموزان مردودی به دوره‌ی تحصیلی}}{\text{مجموع فارغ‌التحصیلان پایان دوره}}$$

به عبارت دیگر، نرخ ایدهال همواره برابر با طول دوره‌ی تحصیلی است. ولی نرخ اتلاف همواره در مقایسه‌ی عملکرد واقعی با عملکرد مورد انتظار یا ایدهال مشخص می‌شود. لذا قبل از محاسبه‌ی نرخ اتلاف، باید نرخ واقعی محاسبه شود که به شرح زیر است:

$$\frac{\text{مجموع دانش‌آموزان تحت تعلیم واقعی}}{\text{مجموع فارغ‌التحصیلان واقعی}} = \text{نرخ واقعی}$$

ایدهال این بود که در هر یک از پایه‌های پنج‌گانه، تنها ۱۰۰۰ نفر تحت تعلیم قرار بگیرند، در حالی که واقعیت مندرج در جدول یاد شده، چیزی غیر از این را نشان می‌دهد. به نحوی که تعداد ۱۰۰۰ نفر برای بار اول، ۲۶۴ نفر برای بار دوم و ۷۰ نفر برای بار سوم تحت تعلیم قرار گرفته‌اند و مشابه این وضعیت در پایه‌های دیگر نیز تکرار شده است. لذا مجموع دانش‌آموزان تحت تعلیم برابر خواهد بود با:

$$\begin{aligned} 1344 &= 1000 + 264 + 70 = \text{پایه‌ی اول} \\ 1157 &= 694 + 338 + 125 = \text{پایه‌ی دوم} \\ 1118 &= 527 + 394 + 197 = \text{پایه‌ی سوم} \\ 1018 &= 372 + 390 + 256 = \text{پایه‌ی چهارم} \\ 998 &= 247 + 385 + 366 = \text{پایه‌ی پنجم} \end{aligned}$$

در مجموع تعداد ۵۶۲۵ نفر تحت تعلیم قرار گرفته‌اند. لذا بر این اساس خواهیم داشت:

$$\text{نرخ واقعی} = \frac{5625}{641} = 8.77$$

حال اگر نرخ واقعی را بر نرخ ایدهال تقسیم کنیم، نرخ اتلاف به‌دست خواهد آمد:

$$\text{نرخ اتلاف} = \frac{8.77}{5} = 1.75$$

اگر عدد به‌دست آمده کمتر از ۱ می‌شود، بیان‌گر آن بود که محاسبات انجام شده اشتباه است و باید دوباره کنترل شود. اگر عدد به‌دست آمده برابر با ۱ می‌شود، نشان‌دهنده‌ی آن بود که این نظام فاقد اتلاف است. یعنی رابطه‌ی بین گذاشت و برداشت یکسان است. حصول چنین نتیجه‌ای، مطلوب همه‌ی نظام‌های آموزشی است و به عنوان وضعیت ایدهال تلقی می‌شود.

چنانچه عدد به‌دست آمده بیشتر از ۱ باشد، نشان‌دهنده‌ی آن است که نظام آموزشی موردنظر از اتلاف برخوردار است و در واقع عدد بالاتر از واحد به عنوان اندازه‌ی واقعی اتلاف محسوب می‌شود.

حال می‌توان با مثالی ساده، میزان اثرات ویران‌گر نرخ اتلاف بر هر نظام آموزشی را بهتر نشان داد.

اگر هزینه‌ی سرانه‌ی هر یک از دانش‌آموزان ثبت‌نام شده (براساس جدول یاد شده) ۲۰/۰۰۰ تومان باشد، مقدار بودجه‌ی تخصیصی برابر با ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود:

$$(1000 \times 20/000 = 20/000/000)$$

اگر روند گذر تحصیلی ایدهال بود، یعنی نرخ اتلاف برابر با ۱ می‌شد؛ بودجه‌ی موردنیاز برابر با ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌شد. حال که نرخ اتلاف برابر با ۱/۷۵ شده است، هزینه‌ی سرانه‌ی موردنیاز برابر است با:

$$1/75 \times 20/000/000 = 35/000/000$$

اگر هزینه‌ی واقعی را منهای بودجه‌ی پیش‌بینی شده کنیم، مقدار بودجه‌ی تلف شده نیز معلوم خواهد شد. یعنی:

$$35/000/000 - 20/000/000 = 15/000/000$$

به دیگر سخن، اگر مقدار واقعی اتلاف یعنی ۰/۷۵ را در کل بودجه‌ی تخصیصی (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ضرب کنیم، میزان اتلاف بودجه به دست خواهد آمد. یعنی:

$$0.75 \times 20/000/000 = 15/000/000$$

با توجه به رقم بالا می‌توان نتیجه گرفت که نظام آموزشی موردنظر از کارایی مطلوبی برخوردار نیست.

چگونگی محاسبه‌ی شاخص‌های دیگر، شامل نرخ ماندگاری و متوسط طول تحصیل را در شماره‌ی هشت بخوانید.

- پی‌نوشت
1. Internal efficiency evaluation
 2. Cohort
 3. Wastage rate

- منابع
۱. محسن پور، بهرام. برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۷۶. انتشارات مدرسه. تهران.
 ۲. مشایخ، فریده. برنامه‌ریزی آموزشی (ترجمه از متن مشاوران یونسکو). ۱۳۶۹. انتشارات مدرسه. تهران.
 ۳. تقی‌پور ظهیر، علی. مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. ۱۳۶۸. انتشارات آگاه. تهران.





مدرسه‌ی زیبا

اندیشه‌های کاربردی جدید در طراحی فضاهای آموزشی مدرسه‌های ابتدایی

اکرم زینعلی دهشیری

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبایی

کلید واژه‌ها: اندیشه‌های کاربردی، طراحی، فضاهای آموزشی، مدارس ابتدایی.

اشاره

فضاهای آموزشی به عنوان یکی از مهمترین فضاهای شهری، باید مورد توجه قرار گیرند. زیرا برای کودک، اولین محیطی که مقررات در آن اعمال می‌شود، مدرسه است. بنابراین، ایجاد محیطی آرام، دوست‌داشتنی و لذت‌بخش، موجب جلب توجه و تمایل دانش‌آموزان برای حضور در مدرسه و ارتقای سلامت روانی آنان می‌شود. مقاله‌ی حاضر بر آن است که معیارها و ضوابط کاربردی موجود در طراحی فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی را بررسی کند.

تعریف فضای آموزشی

فضای آموزشی، ابتدا باید از لحاظ فیزیکی مطلوب باشد. فضاهای با کیفیت فیزیکی مطلوب، به فضاهایی اطلاق می‌شود که در طراحی آن‌ها، استاندارد شاخص‌هایی از قبیل هوای سالم، دمای مناسب، رطوبت کافی، نور، صوت، دید و منظر مناسب، کارایی انرژی، دسترسی‌ها و ارتباطات رعایت شده باشد [اکبری، ۱۳۷۲].

برخی صاحب‌نظران، فضای آموزشی را محیطی فیزیکی مانند کلاس درس، آزمایشگاه یا محیط خودآموز تلقی می‌کنند که در آن فرایندهای یادگیری رخ می‌دهد [Tessmer & Harris, 1992]. برخی دیگر آن را در قالب محیط نرم‌افزاری خاص آموزش تعریف می‌کنند [Papert, 1980].

– فضاهای پرورشی شامل نمازخانه، سالن چند منظوره (اجتماعات، سخن‌رانی، امتحانات، نمایش، فیلم و ورزش)، سالن ورزش، کتابخانه، اتاق مربی پرورشی، اتاق مشاوره.
– فضاهای رفاهی و خدماتی شامل موتورخانه (در مدارس شهری)، انبار اصلی و انبار وسایل نظافت، سرویس‌های بهداشتی کارکنان در داخل ساختمان و دانش‌آموزان در محوطه، سرایداری، بوفه، اتاق تغذیه و آبدارخانه.
– فضاهای اداری شامل اتاق‌های مدیر، معاونان، دفترداران، بایگانی و آموزگاران.
– فضاهای ارتباطی شامل راهروها و پله‌ها.

فضاهای باز

- محل تجمع و صف جمع
- فضای سبز
- زمین‌های ورزشی
- راه‌های ارتباطی.



تقسیم‌بندی فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی

به طور کلی، فضاهای آموزشی مدارس ابتدایی، در دو گروه فضاهای مسقف یا بسته و فضاهای باز، به شرح زیر تقسیم شده‌اند [فرزین، ۱۳۸۷].

فضاهای مسقف یا بسته

– فضاهای تدریس شامل کلاس‌های نظری و کلاس‌های تجربی.

اصول کلی و ضوابط عمومی طراحی مدارس ابتدایی

۱. طراحی فضای کالبدی مدرسه در ارتباط با سیما و بافت شهر
۲. سازمان‌دهی فضایی مدرسه

سازمان دهی فضایی مدرسه

سازمان دهی یعنی ضمن حفظ و نگهداری بافت موجود با حداقل هزینه و کمترین تخریب، ناموزونی‌ها و نارسایی موجود را بر طرف کرد. سازمان دهی فضایی با نگرش توسعه‌ای با در نظر گرفتن کل پارامترهای تأثیرگذار در خصوص تطبیق فضاهای گذشته با نیازهای امروز، با تعیین این که کجا و چگونه منابع موجود برای دستیابی به حداکثر کارایی و مطلوبیت سرمایه‌گذاری شوند، ارتباط دارد [اطهاری، ۱۳۷۶].

در برخی از کلاس‌ها، صندلی‌ها دور میزها چیده می‌شود و میز معلم در حاشیه قرار می‌گیرد. این نوع آرایش در کلاس‌های علوم تجربی به کار گرفته می‌شود. اگر امکانات کلاس به صورتی باشد که آرایش نیمکت‌های دانش‌آموزان به شکل دایره یا شکل U سازمان دهی شود، دانش‌آموزان می‌توانند با یکدیگر و با معلم ارتباط متقابل برقرار کنند. در این صورت، معلم جزئی از دانش‌آموزان محسوب می‌شود و می‌تواند علاوه بر تدریس، به راهنمایی و هدایت بحث‌های جمعی نیز بپردازد. در هر حال، هنگام بررسی طرز چیدن صندلی‌ها در کلاس، توجه به همه‌ی دانش‌آموزان، شایان اهمیت است. محوطه‌ی مدارس باید به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر ایجاد شور و نشاط و علاقه، فضایی برای بازی کودکان باشد؛ به خصوص در زندگی شهری امروز که فضای منازل بسیار کوچک و بسته است، کودک باید بتواند در مدرسه فرصتی برای تخلیه‌ی انرژی خود داشته باشد. بنابراین فضای مدرسه باید دارای امنیت باشد و اتفاقات پیش‌بینی نشده به حداقل کاهش یابد تا در صورت بروز حادثه، عواقب آن در کمترین حالت خود باشد.

تنظیم عرصه‌ها، حریم‌های عملکردی و فرهنگی

تنظیم عرصه‌ها، حریم‌های عملکردی و فرهنگی مدارس ابتدایی باید به گونه‌ای باشد که باعث آرامش دانش‌آموزان شود و به شادابی فضای مدرسه کمک کند. علاوه بر این، باید به این نکات توجه کرد:

- در نظر گرفتن فضای بازی مناسب برای کودکان، به گونه‌ای که خطر زمین خوردن به حداقل کاهش یابد و در صورت بروز حادثه، عوارض ناشی از آن کم و قابل جبران باشد.
- محرم‌سازی برای مدارس دخترانه. برای مثال، بوفه‌ی مدرسه به گونه‌ای طراحی شود که بچه‌ها بتوانند علاوه بر استفاده‌ی آزاد و راحت از فضای باز، فارغ از دغدغه‌های پوششی باشند. برای این کار می‌توان از سازه‌های فضا کار سبک، یا سازه‌های چادری استفاده کرد. به خصوص این که سازه‌های چادری خاصیت انعطاف‌پذیری بالایی دارند و در صورت عدم استفاده، قادر به بسته شدن هستند.
- استفاده از درختان و درختچه‌هایی که با اقلیم و آب و هوای هر منطقه سازگاری داشته و کمترین میزان رسیدگی را خواستار باشند.

۳. تنظیم عرصه‌ها، حریم‌های عملکردی و فرهنگی در مدارس
۴. ایجاد قابلیت انعطاف‌پذیری در مدارس
۵. تراکم جمعیت مدرسه و کلاس درس
۶. طراحی فضاهای ارتباطی
۷. تنظیم شرایط محیطی فضای مدرسه.

طراحی فضای کالبدی

اولین گام در طراحی فضای کالبدی مدارس، توجه به معماری اسلامی است و استفاده از آن در مدارس ابتدایی باید مورد توجه قرار گیرد.

کاربرد معماری اسلامی صرفاً استفاده از آجر یا کاشی‌های آبی و فیروزه‌ای در نمای مدارس نیست، بلکه درک عملکرد زیبایی و توجه به کیفیت است. هر چند در گذشته تعداد معدودی مدرسه وجود داشت، ولی همین تعداد معدود دارای هویت بودند و به انسان‌ها و محصلان خود ارزش ویژه‌ای می‌بخشیدند. معماران گذشته با توجه به مسائل استاتیک، اقلیمی و عملکردی، مدارس را معمارگونه می‌ساختند و معماری در فضا، بعد و عملکرد تعریف می‌شد [مفیدی، ۱۳۸۶].

محلی که برای احداث مدرسه در نظر گرفته می‌شود باید در فاصله و موقعیت مناسبی نسبت به مراکز جمعیتی و نواحی مسکونی و آموزشی قرار داشته باشد، در مالکیت آموزش و پرورش و داخل محدوده‌ی شهری یا روستا قرار گیرد و امکان دسترسی به تأسیسات مانند آب، برق، تلفن و گاز داشته باشد.

در ارتباط با چگونگی ویژگی‌های سطوح و ابعاد ظاهری کلاس، به طور کلی می‌توان گفت که دیوارهای کلاس باید خشک، بدون درز، صاف و حداقل تا ارتفاع ۱/۵ متر قابل شستشو و ترجیحاً از سنگ باشد. دیوار کلاس‌ها باید ساده باشد تا گرد و غبار روی آن جمع نشود. کف کلاس‌ها باید قابل شستشو، مسطح و بدون درز باشد و لغزنده و مرطوب نباشد. این نکات در مورد سقف نیز باید رعایت شود. رنگ نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در رنگ آمیزی کلاس باید از رنگ‌های آرام بخش استفاده کرد. رنگ‌های آبی باز یا سبز روشن برای دیوارها و رنگ سفید برای سقف مطلوب است. بنابراین، سطوح دیوار و سقف کلاس باید دارای رنگ‌های روشن و کف کلاس بهتر است به رنگ تیره باشد [فساشکوه، ۱۳۴۱].

برای هر دانش‌آموز، ۱/۵ مترمربع زمین و ۵/۵ متر مکعب هوا لازم است. به عبارت دیگر، برای یک کلاس سی نفری، ابعاد اتاق باید به طول ۸ متر و عرض ۶ تا ۷ متر و ارتفاع ۴ متر باشد. فضای لازم برای هر دانش‌آموز، نباید از ۴/۵ متر مکعب و ارتفاع از ۳ متر کمتر باشد. بنابراین، در انتخاب مکان برای کلاس، باید حجم کلاس و تعداد دانش‌آموزان را مدنظر قرار داد [سلطان منش، ۱۳۶۴].

ایجاد قابلیت انعطاف‌پذیری در مدارس

مهم‌ترین خاصیت کلاس، قابلیت انعطاف‌پذیری آن است. در واقع کلاس باید با توجه به تغییر عملکردها تغییر یابد. صندلی‌ها و فضاهای کاری راحت، می‌تواند شرایط انعطاف‌پذیری بیشتر برای معلم و دانش‌آموزان را فراهم سازد.

مطالعات انجام شده در زمینه‌ی انعطاف‌پذیری در بهره‌گیری از فضاهای آموزشی نشان می‌دهد، وقتی کلاس‌های درس با انعطاف‌پذیری برای نیازهای دوره‌ی تحصیلی طراحی شوند، درک و فهم را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهند و سبب بروز خلاقیت و ابتکار در آن‌ها می‌شوند. هم‌چنین، با تغییر هدف‌ها و روش‌های آموزشی، باید تغییرات متناسبی در فضاهای آموزشی پیش‌بینی شود [زمانی و نصر، ۱۳۸۳].

تراکم جمعیت مدرسه و کلاس درس

ظرفیت مکانی به عنوان یک عامل اساسی تعیین‌کننده‌ی سطوح آموزشی خواهد بود. اندازه و ابعاد این سطوح باید جوابگوی جمعیت دانش‌آموزی استفاده‌کننده از واحد آموزشی باشد [قاضی‌زاده، ۱۳۷۰]. برای بررسی ظرفیت مدارس، از شاخص سرانه‌های آموزشی فضای باز، فضای خالی مدرسه که فاقد هر نوع بناست و کلاس درس، استفاده می‌شود. استاندارد کلی در کشورهای توسعه یافته برای فضای باز ۱۰ الی ۲۲ مترمربع است (تستا، ۱۳۷۴). در ایران، سرانه‌ی فضای باز ۷ الی ۱۵ مترمربع و سرانه‌ی کلاس درس بیش از دو متر مربع برای هر دانش‌آموز است [حبیبی، ۱۳۷۸] که به دلیل نوع آموزش، برای مقاطع و سطوح متفاوت آموزشی فرق می‌کند.

طراحی فضاهای ارتباطی

راهروها باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر ویژگی ارتباطی، اتفاق خاص در آن رخ دهد و احساس اشتیاق برای ادامه‌ی حرکت و راهنمایی برای یافتن به نقطه‌ی مورد نظر را دارا باشد. برای رسیدن به این منظور، علاوه بر آن که می‌توان از رنگ و فرم استفاده کرد، می‌توان از نور نیز بهره گرفت.

تمام راه‌پله‌ها و پلکان‌هایی که در راه خروج واقع می‌شوند، چه در داخل و چه در خارج بنا، باید با این ضوابط مطابقت داشته باشند. هر راه پله باید دست کم ۱۱۰ سانتی‌متر عرض مفید داشته باشد؛ هم‌چنین هر راه پله باید دست کم ۲۰۵ سانتی‌متر تا سقف بالای خود ارتفاع داشته باشد. عرض راه‌پله‌ها و پاگردها نباید در هیچ قسمت از طول مسیر کاهش یابد. ارتفاع هر پله حداکثر ۱۸ و حداقل ۱۰ سانتی‌متر باشد و کف هر پله باید حداقل ۲۸ سانتی‌متر پاخور و حداکثر ۲ درصد شیب داشته باشد. هم‌چنین، پلکان‌های عریض، باید به ازای هر ۷۵ سانتی‌متر

از عرض مفید خود، دست کم در یک سمت، نرده‌ی دست‌انداز داشته باشند [مفیدی، ۱۳۸۶].

تنظیم شرایط محیطی فضای مدرسه

برای دستیابی به مطلوبیت کافی، لازم است تا ویژگی‌های هر یک از عناصر تاثیرگذار در سامان بخشی مراکز خدمات‌رسان مانند سازگاری و مطلوبیت، به طور دقیق مورد بررسی قرارگیرد تا کیفیت آن فعالیت روشن شود.

«یونسکو» در سال ۱۳۶۵، سازگاری را به معنای هماهنگی و هم‌خوانی تعریف کرد. در این بحث منظور، هم‌خوانی بین فعالیت‌های شهری از یک سو و هماهنگی بین فرم و عملکرد واحد آموزشی از سوی دیگر است. هم‌چنین در سال ۱۳۷۴، یونسکو مطلوبیت فضای آموزشی را در گرو شناخت نوع فعالیت، عملکرد نیازمندی‌ها و واکنش‌هایی دانست که کاربری آموزشی با دیگر کاربری‌ها پدید می‌آورد. در بیان مطلوبیت مکان استقرار واحد آموزشی، عواملی چون شرایط محیطی، شعاع دسترسی، نیازهای آموزشی و غیره، معیارهای تفصیلی برای تعیین مکان مناسب واحد آموزشی محسوب می‌شوند [شجاعی، ۱۳۸۱].

منابع

۱. اظهاری، کمال (۱۳۷۶). «مقدمه‌ای به رابطه‌ی جامعه و فضا». مجله‌ی معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۱.
۲. حبیبی، سعید محسن (۱۳۷۸). سرانه‌ی کاربری‌های شهری. وزارت مسکن و شهرسازی. تهران.
۳. زمانی، بی‌بی عشرت و نصر، احمدرضا (۱۳۸۳). نقش و مشارکت والدین در مدیریت مدرسه محور در کانادا، به قلم جمعی از نویسندگان. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت (گروه پژوهشی سازمان، مدیریت و نیروی انسانی). تهران.
۴. اکبری، علی‌اصغر (۱۳۷۲). طرح پردیس مرکزی ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی. دانشگاه تهران.
۵. سلطان منش، حسن (۱۳۶۴). «بهداشت در محیط مدارس». نشریه‌ی دارو و درمان. سال دوم. شماره‌ی ۲.
۶. شجاعی، علی‌رضا (۱۳۸۱). فضاهای آموزشی، قواعد و معیارها. تهران.
۷. فسانشکوه، هور آسا (۱۳۴۱). «راهنمای آموزش و بهداشت در آموزشگاه‌ها». نشریه‌ی اداره‌ی کل تربیت‌بدنی. تهران.
۸. فرزین، شادیه (۱۳۸۷). «الگوسازی مدارس دوره‌های ابتدایی و راهنمایی برای اقلیم گرم و مرطوب و سرد». فصل‌نامه‌ی مدرسه‌ی نو. شماره‌ی ۵۳.
۹. قاضی‌زاده، بهرام (۱۳۷۰). اصول و معیارهای طراحی فضاهای آموزشی. انتشارات سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس. تهران.
۱۰. مفیدی، فرخنده (۱۳۸۶). طراحی فضای آموزشی. تهران.

11. Papert, S. (1980). Mindstorms: Children, Computers, and powerful ideas, New York: Basic Books.
12. Tessmer, M. & Harris, D. (1992). Analyzing the instructional setting, London: Knogan Page.
13. Testa Carlo and Habibzadeh Susan - Nirms for the Design of Education Facilities InIran - Minisitym of Science, Higher Education - 1996.
14. UNESCO - Primary School Building - Norms and Design - 1996.

با کودکانی که ناخن می‌جویند چگونه رفتار کنیم؟

اشرف مظلوم

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

اشاره

کودکان، بخش بسیاری از ساعات روز را در مدرسه سپری می‌کنند. بنابراین، مدرسه می‌تواند در تربیت آن‌ها نقش بسزایی داشته باشد. در این میان، عده‌ای از کودکان به راهنمایی و کمک معلم بیشتر از سایرین نیاز دارند و بنابراین معلم است که می‌تواند با فراهم کردن کمک‌های لازم، با اشتیاق و علاقه، به این گروه کمک کند. در این بخش از سلسله‌مطالب پاسخ به پرسش‌های تربیتی آموزگاران درباره‌ی دانش‌آموزان، به پرسش خانم زهرا حسینی، آموزگار پایه‌ی دوم از دبستان قدس اصفهان در مورد «جویدن ناخن» پاسخ می‌دهیم.

معلم، ریشه‌های حسادت و ناامنی در خانواده و جلب توجه، از علل دیگر جویدن ناخن محسوب می‌شوند.

هنگامی که کودک نمی‌تواند خشم خود را در مقابل ناکامی و محرومیت نشان دهد، با جویدن ناخن آرامش می‌یابد و به محض رها کردن این کار، دوباره دچار اضطراب می‌شود و شروع به جویدن ناخن می‌کند. ادامه‌ی این رفتار در کودک، آسیب‌هایی نظیر افت تحصیلی، عقب‌ماندگی اجتماعی و کاهش اعتماد به نفس را به همراه دارد.

در هر حال، ناخن جویدن یک اختلال محسوب می‌شود و در دوران کودکی، از بین بردن آن آسان‌تر است. بهترین راه‌حل، پیدا کردن منبع استرس در کودک است. بارها دیده شده است که با رفع اضطراب و ناراحتی، مشکل جویدن ناخن به کلی از بین رفته و با پیدایش ناراحتی، دوباره برگشته است.

هیچ‌گاه منتظر نباشید که کودک به شما پاسخ دهد چرا ناخن‌هایش را می‌جوید. هم‌چنین او را به‌خاطر انجام این عمل سرزنش و یا مسخره نکنید. همیشه سعی کنید به‌دنبال کشف علت باشید. توجه کنید که کودک در چه موقعیت‌هایی این عمل را انجام می‌دهد و چه موضوعی باعث شده است آرامش و امنیت او به‌هم بخورد. آن مسئله را دریابید. در صورتی که عامل محیطی، باعث ناخن جویدن شده است، باید تا حد امکان سعی کنید فشار روحی بر کودک وارد نشود و از سخت‌گیری نسبت به او بپرهیزید.

کوتاه کردن ناخن‌های بلند، در زمینه‌ی ترک این عادت، کمک بسیاری به کودکان می‌کند. والدین باید هر چند روز یک‌بار، ناخن‌های کودک را بگیرند و سوهان بزنند.

هنگام جویدن ناخن، سعی کنید حواس کودک را پرت کنید. از او کارهایی بخواهید که مجبور شود از انگشتانش استفاده کند؛ مثل درست

ناخن جویدن یک اختلال عادت‌ی ارضاکننده و واکنش روانی است که غالباً از دوران کودکی شروع می‌شود و در دوران ابتدایی و راهنمایی شدت می‌یابد. تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً ۳۸ درصد کودکان ۴ تا ۶ ساله ناخن‌هایشان را می‌جویند و این عادت در آن‌ها تا ۱۰ سالگی به اوج می‌رسد. اما به‌طور کلی، اکثر مبتلایان را کودکان ۹ تا ۱۱ ساله تشکیل می‌دهند. ناخن جویدن در دخترها شایع‌تر از پسرهاست. این اختلال در دختران، در حدود ۱۱ سالگی و در پسران، در حدود ۱۳ سالگی به بیشترین حد می‌رسد و تقریباً ۲۰ درصد مبتلایان، تا سنین نوجوانی و بزرگسالی درگیر این مشکل هستند.

ترس، تنش روانی، ناکامی‌های مکرر، تأمین نشدن نیازهای اساسی کودک به‌خصوص فقر عاطفی، نداشتن امنیت و آرامش روانی و نداشتن اطمینان از علاقه‌ی والدین، کم‌روبی و خجالتی بودن کودک و مقررات انضباطی شدید، زمینه‌های فشار، نگرانی و عصبانیت بیش از حد را در کودک ایجاد می‌کنند. در این حالت، وقتی کودک نمی‌تواند بر موانع پیروز شود، به خود فشار می‌آورد. این فشار باعث اضطراب می‌شود و در نتیجه کودک برای رهایی از اضطراب، و تخلیه‌ی هیجانات، به ناخن جویدن روی می‌آورد. از این طریق حالت تهاجمی خود را کنترل می‌کند، بر اضطراب‌ها چیره می‌شود، توجهش را از دنیای خارج قطع می‌کند و به درون خویش برمی‌گرداند. بنابراین، غالباً ناخن جویدن، ناشی از هیجانات و اضطراب‌ها و یا روشی برای ابراز دل‌خوری‌ها و دلواپسی‌ها است. اما به‌طور کلی، عصبانیت بیش از حد ناشی از فشارهای روحی و اضطراب برای تسکین ناراحتی‌ها، تضادهای فکری، قرار گرفتن در موقعیت‌های حساس، بلا تکلیفی به خاطر درگیری با والدین، امتحانات، پاسخ دادن به معلم، تماشای فیلم‌های ترسناک، تقلید از دیگران، هیجان بیش از حد و عکس‌العمل‌های خصومتی در مقابل والدین و



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

رشد خردسال (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فن‌وحرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

کردن کاردستی، کشیدن نقاشی و بازی با اسباب‌بازی‌های مورد علاقه‌اش. بکوشید او را در فعالیت‌های گوناگون شرکت دهید.

می‌توانید چسب زخم رنگی به دستانش بزنید و یا دستکش‌های رنگی به او بپوشانید. به یاد داشته باشید، تهدید، تنبیه و پاشیدن لفل و دارو به روی انگشتان، نه‌تنها تأثیری ندارد، بلکه می‌تواند مشکلات را تشدید کند.

بعضی از کودکان نمی‌توانند برای مدتی طولانی بدون حرکت و آرام نشینند. نظم و انضباط شدید، برای کودک فشار روحی ایجاد و جویدن ناخن را در وی تشدید می‌کند. بنابراین، استفاده از تنوع در ساعات درسی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

با والدین صحبت کنید. به آن‌ها بگویید اگر برای کاستن عادات ناخوشایند فرزندشان از روش‌های تند و خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند، با این کار فشار عصبی بیشتری بر کودک وارد می‌شود. به آن‌ها یادآوری کنید، در درس خواندن، از کودک‌شان توقع بیش از حد نداشته باشند. دائماً به او تذکر ندهند و ایراد نگیرند. سعی کنند وقت بیشتری به کودک اختصاص بدهند تا او تنها نماند. فکر نکنند کودک‌شان عمداً شروع به جویدن ناخن می‌کند.

با دانش‌آموز به آرامی درباره‌ی ناخن‌هایشان صحبت کنید. از آن‌جایی که کودکان می‌خواهند توجه، محبت و حمایت والدین و مربیان خود را از دست ندهند، تلاش می‌کنند که با انجام خواسته‌های آنان، رضایتشان را جلب کنند. به دانش‌آموز بگویید اگر ناخن‌هایش را بچود، انگشتان نازیبایی خواهد داشت و نمی‌تواند آن‌ها را به دیگران نشان دهد. به او بگویید، حاضرید با کلمه‌ی خاصی به او یادآوری کنید که دست از جویدن ناخن بردارد. نشان دهید که تنها قصد کمک دارید.

به او آموزش دهید، زمانی که یکی از دست‌هایش را برای ناخن جویدن بالا می‌آورد، سعی کند با دست دیگری آن را بگیرد و مانع از بالا رفتن آن شود. از روش‌های تغییر رفتار، (دادن ستاره یا برچسب‌های عروسکی) استفاده کنید. هر روز که کودک ناخن‌هایش را نخورد، ستاره می‌گیرد و در صورتی که ستاره‌ها به اندازه‌ی معین برسد، پاداش خواهد گرفت. شاید بهترین پاداش برای دختران خردسال، مرتب کردن ناخن‌ها و لاک زدن یا ستاره زدن روی ناخن‌ها باشد.

زمانی که کودک رفتارهای خویشتن‌دارانه را از خود نشان می‌دهد، حتماً او را تشویق و حمایت کنید. از آن‌جا که هر عادت برای این‌که در کودک تثبیت شود، زمان می‌خواهد، طبیعی است که برای ترک آن هم، زمان لازم است.

با همراهان

اشاره

«با همراهان» صفحه‌ی ارتباط مخاطبان با دفتر مجله است. شما هم می‌توانید پیام‌ها، نوشته‌ها، درخواست‌ها و سخنان خود را از راه‌های شش‌گانه‌ی ارتباطی (صندوق پستی، تلفن، نامبر، رایانامه، تلفن پیام‌گیر و مراجعه‌ی حضوری) با کارکنان مجله در میان بگذارید. در این شماره هم با برخی از همراهان مجله گفت‌وگو کرده و همراه شده‌ایم.

پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های برخی از همکاران
□ **ارسلان رحمان‌نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور استان آذربایجان غربی، واحد پیرانشهر:** مقاله‌ی پژوهشی شما با عنوان «بررسی میزان به‌کارگیری شیوه‌های تدریس (مهارت‌های ضمن تدریس، یادگیری مشارکتی، پرورش نگرش‌های یادگیری) و عوامل مؤثر بر آن در درس علوم تجربی دوره ابتدایی» واصل شد. این مقاله مناسب مجلات پژوهشی است و چاپ آن به شکل فعلی در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، مقدور نیست. چنانچه تمایل دارید مقاله در نوبت بررسی و چاپ قرار گیرد، آن را دوباره به شکل پژوهش‌هایی که چکیده‌ای از آن در رشد ابتدایی به چاپ می‌رسد، آماده و ارائه کنید.

□ **ژانت نوراللهی، آموزگار پایه‌ی دوم دبستان مهندس منصورنفر:** تأکید شما مبنی بر تغییر و به‌روزرسانی تصاویر سکه‌ها و اسکناس‌های صفحات ۱۰۸ و ۱۰۹ کتاب ریاضیات پایه‌ی دوم ابتدایی، به شکل نوشته‌ای کوتاه، مورد تأیید قرار نگرفت، ولی قرار شد مراتب به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ارسال شود.

□ **آقایان سیدعلی عبداللهی حسینی و علی لطفی، مازندران:** مقاله‌ی شما با عنوان تدریس به شیوه‌ی آموزش برنامه‌های، برای چاپ مورد تأیید قرار نگرفت. به اعتقاد داوران مقالات مجله، روایت داستان‌گونه، کار را دشوار کرده است. علاوه بر این، آموزش برنامه‌های خیلی سراسر است و این همه حاشیه ندارد. هم‌چنین ارائه برنامه‌های نرم‌افزاری جدید برای آموزش برنامه‌های،



همت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک‌ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افسست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

.....
.....
.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....
.....

◆ تاریخ تولد:

.....
.....

◆ میزان تحصیلات:

.....
.....

◆ تلفن:

.....
.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....
.....

استان: شهرستان:

.....
.....

خیابان:

.....
.....

شماره‌ی پستی:

.....
.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضا:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

● صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

● صندوق پستی امور مشترکین:

www.roshdmag.ir

● نشانی اینترنتی:

۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰

● امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

● پیام‌گیر مجله‌های رشد:

یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.



لزم استفاده از آموزش برنامه‌ای پلکانی کاغذی را به حداقل رسانده است. منتظر مطالب دیگران هستیم.

□ **معصومه واعظی، مدیر محترم دبستان شهید واحدی، سنقر کلیایی:** تشریح طرح زیبای اجرا شده در دبستان شما با عنوان «صد کار خوب در صد مدرسه» را دریافت کردیم. اجرای جشن و برنامه‌ی ویژه در صدمین روز آغاز به کار مدارس، که در کشور ما تقریباً با دهه‌ی اول دی‌ماه مصادف است، کاری است که در اکثر کشورها انجام می‌شود. پیش از این در یکی از سرمقاله‌های رشد آموزش ابتدایی راجع به این موضوع نکاتی را یادآور شده‌ایم. حسن کار شما در این بوده است که به دلیل تقارن صدمین روز آغاز به کار مدرسه با ایام ماه محرم، شما از عنوان جشن استفاده نکرده و این فعالیت را به یک برنامه‌ی پرورشی اثربخش با محوریت محرم تبدیل کرده‌اید. برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

□ **اعظم قاسمی، آموزگار دبستان راضیه‌ی شاهد، منطقه‌ی ۸ تهران:** طرح شما با عنوان «تلفیق هندسه با حساب» واصل شد. در این طرح سعی کرده‌اید ضرب دو عدد ۲۴ و ۳۵ را با استفاده از شکل‌های هندسی نشان دهید که به جای ساده‌شدن، موضوع به مسئله‌ای غامض تبدیل شده است. لطفاً طرح خودتان را به شکلی که به راحتی بتوان از آن در کلاس درس بهره گرفت، تدوین و مجدداً به دفتر مجله ارسال کنید.

یک نکته‌ی تاریخی

حسین باقری، سرگروه آموزشی پایه‌ی پنجم از شهرستان دیر، استان بوئسهر: در نامه‌ای که به دفتر مجله ارسال کرده، نوشته است: «در درس ۱۲ کتاب تاریخ پایه‌ی پنجم با موضوع قاجاریه، قید شده است که از تاریخ به سلطنت رسیدن آقامحمدخان قاجار، مؤسس سلسله‌ی قاجاریه، ۲۱۵ سال می‌گذرد. به نظر می‌رسد این عدد، مربوط به آخرین سالی باشد که کتاب درسی اصلاح شده و زیر چاپ رفته است. چرا که اکنون این زمان (در پایان سال ۱۳۸۹) به ۲۲۲ سال رسیده است.»

خاطره‌های تکراری

زهره مسعودی همت‌آبادی، آموزگار دبستان مهدیه

شهرستان صدوق، استان یزد: دو خاطره و چند پیشنهاد برای دفتر مجله ارسال کرده‌اند که ضمن تشکر از پیشنهادهای اثرگذارشان، توضیحاتی را درباره‌ی این خاطره‌ها بیان می‌کنیم: هر چند افراد گوناگونی در شغل معلمی و در سراسر کشورمان مشغول به کارند، ولی به دلیل ویژگی‌های مشترک بچه‌ها و زمینه‌هایی که با آن‌ها کار می‌کنیم، برخی مواقع خاطرات معلمان خیلی شبیه هم از آب درمی‌آید. مثلاً یکی از خاطرات خانم مسعودی، با خاطره‌ای که در شماره‌ی ۲ (آبان ۸۸) در صفحه‌ی ۲۰ با عنوان «غافلگیری از نوع کودکانه» نوشته شده است، شباهت عجیبی دارد. همین خاطره‌ی دیگر ایشان، با لبخند کلاسی چاپ شده یکی دیگر از همکاران، هم‌خوانی بسیار زیادی دارد، به طوری که در وهله‌ی اول این طور به نظر می‌رسد که این‌ها، نوشته‌های یک نفر است که در دو نوبت متفاوت ثبت شده است. لذا از همکاران گرامی درخواست می‌کنیم خاطره‌ها و مطالب چاپ شده در این مجله و سایر مجلات رشد و آموزشی را بخوانند تا با چاپ خاطره‌های جدید، بتوانیم در انتقال تجربه‌های متفاوت‌تری به همکاران، کوشا باشیم.

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت کردیم. به دلیل بالای بودن آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ آثار این همکاران در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست: **مصطفی عباسی، نسترن طاهرزاده بروجبی** (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، شهرضا)، **مهدی ربیعی** (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و آموزگار، شهرضا)، **معصومه سالاروند** (کارشناس ابتدایی و آموزگار پایه‌ی اول، منطقه‌ی ۱۳ تهران)، **فرزاد عزیز** (دبیر تربیت‌بدنی مدارس شهرستان بانه)، **پوران‌دخت تقوی** (آموزگار دبستان دخترانه‌ی عاطفه، آبادان)، **عصمت یآوری** (آموزگار دبستان شهید کلاهدوز، روستای زازان فلاورجان)، **ژیلار رحیمی** (کارشناس ارشد فیزیولوژی گیاهی، دبیر زیست‌شناسی ناحیه‌ی ۲ رشت)، **نجمه دایمی** (آموزگار ابتدایی و کارشناس علوم تربیتی، علی‌آباد کتول، گلستان)، **مرضیه قدکی** (آموزگار دبستان رودکی، منطقه‌ی جی اصفهان) و **سعید عبداللهی پیربداغ** (مدیر دبستان شهید پیرنیا، رباط کریم).

آرزوی کافی!

تهمینه مهربانی

یک روز در فرودگاهی، گفت‌وگوی لحظات آخر بین مادر و دختری را شنیدم. هواپیما داشت حرکت می‌کرد. آن‌ها کنار در خروجی کنترل بلیط، هم‌دیگر را بغل کردند. مادر گفت: «دوستت دارم و آرزوی کافی برای تو می‌کنم.» دختر جواب داد: «مامان! زندگی ما با هم خیلی بیشتر از کافی بوده است. محبت تو همه‌ی آن چیزی بود که من احتیاج داشتم. من هم برای تو آرزوی کافی می‌کنم.»

آن‌ها هم‌دیگر را بوسیدند و دختر رفت. مادر به طرف پنجره‌ای که من در کنارش نشسته بودم، آمد. آن‌جا ایستاد. حس می‌کردم دلش می‌خواهد گریه کند. من نمی‌خواستم خلوت او را به هم بزنم، ولی خودش شروع به صحبت کرد: «تا حالا با کسی خداحافظی کرده‌اید که بدانید برای آخرین بار او را می‌بینید؟» جواب دادم: «بله کرده‌ام. مرا ببخشید که فضولی می‌کنم، چرا آخرین خداحافظی؟» او جواب داد: «من پیر و سال خورده هستم و او در جای خیلی دوری زندگی می‌کند. این است که دیدار بعدی او، در مراسم تدفین من خواهد بود.»

گفتم: «وقتی داشتید خداحافظی می‌کردید، شنیدم که برای هم آرزوی کافی کردید! می‌توانم بپرسم یعنی چه؟»

لبخندی زد و گفت: «این آرزویی است که نسل اندر نسل به ما رسیده است. پدر و مادرم عادت داشتند این را به همه بگویند. این جمله یعنی:

آرزوی خورشید کافی برای تو می‌کنم تا بدون توجه به این که روز چقدر تیره است، افکارت را روشن نگاه دارد.

آرزوی باران کافی برای تو می‌کنم تا زیبایی بیشتری به روز آفتابی‌ات بدهد.

آرزوی شادی کافی برای تو می‌کنم تا روحت را زنده و ابدی نگاه دارد.

آرزوی رنج کافی برای تو می‌کنم تا کوچک‌ترین خوشی‌ها را به بزرگ‌ترین‌ها شادی‌ها تبدیل کند.

آرزوی به دست آوردن قناعت کافی برای تو می‌کنم تا با هر چه داری راضی باشی.

آرزوی از دست دادن کافی برای تو می‌کنم تا به خاطر هر آن چه داری شکرگزاری باشی.

آرزوی سلام‌های کافی برای تو می‌کنم که با خداحافظی آخر راحت‌تر باشی.»

تنها یک دقیقه طول می‌کشد که دوستی را پیدا کنی، یک ساعت می‌کشد تا از او قدردانی کنی، اما یک عمر طول می‌کشد تا او را فراموش کنی.



ده دقیقه از پنجره‌ی کلاس - ۵

سعیده اصلاحی

آموزگار منطقه‌ی ۱۵ تهران

همیشه برای طلوع فرصت هست

وقتی بعد از هر درسی، از من پرسش‌های تازه‌ای می‌پرسی و وقتی مدادت، تمام آن چه را که فهمیده‌ای، روی ورقه می‌نویسد... درخشش اندیشه‌ی بکر و خلاقیت، چشم پنجره را خیره می‌کند و من به این نتیجه می‌رسم که به جز خورشید بالای بام مدرسه، خورشیدهای دیگری هم هر روز در گوشه و کنارمان طلوع می‌کنند. مخصوصاً وقتی که باد، دفترهای دیکنته‌ی روی میز را ورق می‌زند یا ذهن بیچ‌دریغ را بانه، روشن و خاموش می‌شود.

این‌جا، کنار پنجره‌ها همیشه برای طلوع، فرصت هست... مثل تو که هر روز از مشرق نیمکت‌ها نمایان می‌شوی و هیچ ابری، آفتاب چهره‌ات را نمی‌پوشاند... به لیست اسامی هر کلاس که نگاه می‌کنم، باغی از آفتابگردان می‌بینم که پنجره را محو تماشای خود کرده‌اند... و هر روز در برابر چشم زمین، به آسمان نزدیک‌تر می‌شوند. دفترت را پر می‌کنم از تکرار صدآفرین و کیفیت را پر از سکه‌های رایج دوستی... یا به پایت دنیا را دور می‌زنم تا جغرافیای مهر خداوند را یاد بگیری و از جاده‌های ناشناس روی نقشه، هراس نداشته باشی، تا فردا از کنار همین پنجره... طلوع تو را پشت میز معلم جشن بگیرم.

